

نقد و بررسی
تاریخچه ، تعالیم و تشکیلات بهائی



نویسنده : فرانچسکو فیچیکیا

مترجمان : احمد پورمرور حمید فرناق

نگاهی انتقادی به
تاریخچه ، تعالیم ، و تشکیلات بهائی

نویسنده فرانچسکو فیچیکیا
مترجمان احمد پورمرور حمید فرناق

- پیشگفتار

بخش اول

آیین بهائی، تاریخچه، تعالیم، تشکیلات

1 استدلال بهائیان بر آیین بابی

- ریشه‌های اسلامی
- آیین بابی
- روند تاریخ
- تعالیم بابی
- از آیین بابی تا آیین بهائی
- دوران پس از باب
- جانشینان باب
- تبعید رهبر بابی‌ها
- آیین بهائی خود را تثبیت می‌کند
- بهاء‌الله و آثار او
- دین، کتاب، قانون
- مکتوبات بغداد
- مکتوبات ادرنه
- مکتوبات عکا
- کتاب اقدس
- شکوفایی و توسعه آیین بهائی
- مرگ بهاء‌الله و جانشینان او

- عبدالبهاء
- کانون اتحاد و مرکز عهد و میثاق
- تبلیغ و ترویج در شرق و غرب
- مرگ عبدالبهاء و جانشینان او
- شوقی افندی ربانی
- ولی امرالله
- دوران آهنین
- پایان دوران ولی امرالله
- تعالیم بهائی
- تعالیم توحیدی و جهانی
- نبوت
- انسان و تقدیر او
- واجبات دینی
- نماز
- آداب غذا خوردن و صیام
- تقویم و روزهای تعطیل
- مشرق الاذکار
- ازدواج، خانواده، تربیت
- وجوب تبلیغ و برنامه وحدت جهانی
- تعالیم دوازده گانه
- نظم اداری بهائی
- جایگاه حقوق و قانون در آیین بهائی
- انحصارطلبی در نظم اداری
- ساختار نظم اداری
- ولی امرالله
- ایادی امرالله
- بیت العدل اعظم جهانی

- بیت العدل ملی
- بیت العدل محلی
- آیین بهائی در جهان
- دین سالاری (تئوکراسی، حکومت دینی) و حکومت جهانی
- رابطه با سایر ادیان و تساهل و مدارا
- گسترش
- تعقیب و پیگرد در ایران

بخش دوم

کتاب اقدس: منشور بزرگ یک تمدن جهانی

- دین قانونمند
- احکام و مقررات کتاب اقدس
- قانون فرقه گرایانه
- قوانین، احکام، و کیفرهای گوناگون
- منابع تأمین مالی جامعه بهائی
- نظم اداری بهائی
- دستورهای مدنی
- قوانین ازدواج
- قوانین طلاق
- قوانین ارث
- قوانین کیفری
- کلام آخر

بخش سوم

دیانت بهائی: از ادعا تا واقعیت

- حکومت صلح و عصر طلایی
- دور ارسال رسل و وحدت ادیان
- اتحاد و وحدت بشری
- تاریخ مایه رنجش
- هشدار در مورد دشمنان و تجزیه طلبی
- کلام آخر

درباره نویسنده و کتاب

او در سال 1946 در بازل سوئیس متولد شد. در دهه هفتاد به عضویت جامعه بهائی سوئیس درآمد. و برای مدتی نیز در مرکز جهانی بهائی در حیفا، خدمت کرد. ولی از اواسط دهه 70، به انتقاد از رهبران اداری و تشکیلاتی جامعه بهائی پرداخت. وی با دنیس مک اوئن، یکی دیگر از ناموران و دین پژوهان منتقد جامعه بهائی، مقایسه شده است. کتاب فیچیکا جایگاه جامعه بهائی را در کشورهای آلمانی زبان تضعیف کرده است (ادو شفر، راست را کج انگاشته اند، مقدمه). او که در سال 1981 اولین رساله جامع خود را درباره بهائیت منتشر نمود، در حال حاضر نیز به تحقیق و پژوهش در همین زمینه مشغول است.

فیچیکا بر این باور است که عقاید رهبران تشکیلات جهانی بهائی - با مرکزیت بیت العدل مستقر در حیفا - متاثر از گرایش‌های فرقه ای و فاشیستی است. بهاییان در برابر هرگونه تفکر انتقادی، نوآوری، آزادی بیان، انتقاد از مقررات سخت و سانسور، با طرد از سوی تشکیلات روبه‌رو می‌شوند. او نظرات تشکیلات بهائی را مورد انتقاد قرار داده است. فیچیکا پس از مکاتبه با مرکز جهانی بهائی در حیفا، و بحث و گفت‌وگوی بسیار با نمایندگان انتصابی و مبلغان بهائی، سرانجام در اواخر 1974 انصراف خود را از عضویت در جامعه بهائی اعلام کرد. پس از مدت کوتاهی، تشکیلات بهائی نیز طرد او را اعلام نمود.

در اوایل سال 1975، فیچیکا با ارسال مطلبی با عنوان «نامه یک خواننده» به روزنامه زوریخی zuricher obelander انتقاد خود را نسبت به عملکرد تشکیلات اداری بهائی مطرح ساخت. سپس در ماه اوت سال 1975، مقاله خود را با نام «آینده نا معلوم برای آیین آینده؟» - Ungewisse Zukunft der Zukunfts Religion" (No.38,1975) Bahaismus در نشریه ادواری دفتر مرکزی کلیسای پروتستان آلمان، موسوم به Materialdienst منتشر کرد. و این مقدمه ای شد برای انتشار کتابش در سال 1981 تحت عنوان " آیا آیین بهائی دین جهانی آینده است؟ پژوهشی نقادانه در تاریخ، تعالیم و تشکیلات آن"

(Bahism ; Religion of the Future? History, Doctrine and Organization;a critical Inquiry)

این کتاب توسط بخش مطالعات ادیان دفتر مرکزی کلیسای پروتستان آلمان منتشر شد. کتاب از ساختار سیستماتیک، ارجاعات، یادداشت‌های متعدد و نقل قول‌هایی از آثار علمی، منابع مطالعاتی و اصلی بهائی برخوردار است. کتاب از اصطلاحات فارسی و عربی نیز استفاده کرده و فهرستی از کتب مرجع را عرضه نموده

است. (ادو شفر، راست را کج انگاشته اند، 1995، مقدمه). این کتاب مورد اقبال محققانی همچون میشل میلدن برگر، جوزف هنینگر، هانس یواخیم کلیمکات، اولاف شومان، هانس والدنفلس گونتر لانتسکووسکی و «کریستین کانویه قرار گرفت (Micheal Mildenberger, Joseph Henninger, Hans Joachim Klimkeit, Olaf Schumann, Hans Waldenfels, Gunter Lanczkowski, Christian Cannuyer).

تشکیلات بهائی پانزده سال پس از انتشار کتاب فیچیکیا، ردیه‌ای تحت عنوان Disinformation als methode توسط سه تن از محققان بهائی به نام‌های ادو شفر، اولریخ گولمر و نیکولا توفیق به زبان آلمانی در 1995 منتشر کرد. (در سال 2000 توسط ژرالدین چاکلت با عنوان Making the crooked straight به انگلیسی ترجمه و منتشر گردید و از ترجمه انگلیسی آن - به پیشنهاد تشکیلات بهائی ایران، در سال 1379 تحت عنوان «راست را کج انگاشته‌اند» به فارسی برگردانده شد).

به نظر اولریخ گولمر " نظرات فیچیکیا تأثیر بسیاری بر افکار عمومی در کشورهای آلمانی زبان گذاشته و به حیثیت تشکیلات بهائی لطمه وارد کرده است. وی اعتراف می‌کند که کتاب فیچیکیا در بی‌آبرو کردن بهائیان و این بهائی موفق بوده است. " وی همچنین بیان می‌کند که این کتاب، بی‌شک مدت‌ها در این زمینه تاثیرگذار خواهد بود.

نظری اجمالی بر محتوای کتاب

فیچیکیا در تبیین ساختار و تشکیلات جهانی بهائی میگوید که این تشکیلات کاملاً سخت‌گیر و پیچیده است. از نظر او تعالیم و اعتقادات بهائی، صرفاً در خدمت پذیرفتن و اجرای فرامین تشکیلات است. ساختار این تشکیلات در اطاعت بی‌چون‌چرا و تأکید بر اطاعت و پیروی کورکورانه بنا شده است. در این تشکیلات هرکس از این قاعده اصلی تخطی کند طرد می‌شود. فیچیکیا برماهیت استبدادی و مقاصد و افکار افراطی تشکیلات بهائی تأکید و اهداف سیاسی تشکیلات جهانی بهائی را دیکتاتور مآبانه، ضد مردمی، و معارض با آزادی میدانده و معتقد است عقاید سیاسی رهبری تشکیلات بین المللی بهائی، متنازغ‌گرایشات فاشیستی است. فیچیکیا اشاره می‌کند که تشکیلات بهائی در پی آن است که خود را نوعی ایین اجتماعی و اخلاقی معرفی کند و این در حالی است که از ارایه اطلاعات مربوط به احکام و تعالیم بهائی امتناع می‌کند. وی حتی حضور جامعه بین‌المللی بهائی را در سازمان ملل - تحت عنوان مؤسسه غیردولتی - و ارتباط با سازمان‌های جهانی را با اهداف

تبلیغاتی تشکیلات جهانی بهائی مرتبط می‌داند. بنظر او "فعالیت‌های میسیونری و تبلیغی، و سرمایه‌گذاری‌های گسترده تشکیلات جهانی بهائی، موفقیت‌ناچیزی بهمراه داشته است." او معتقد است که امروزه تعالیم بهائی توسط تشکیلات بهائی به شکل یک کالا درآمده که در همه قاره‌ها توزیع و عرضه می‌شود.

از نظر فیچیکیا با انتقال مرجعیت عقیدتی به بیت‌العدل اعظم در سال 1963، تشکیلات بهائی مانند کلیسای کاتولیک، به عنصری از قدرت حقوقی، تشکیلاتی، و تنها سازمان عقیدتی در جامعه بهائی تبدیل شده و از آن به عنوان «کلیسایی کردن جامعه بهائی» یاد می‌کند. به اعتقاد فیچیکیا در جامعه بهائی، برای دورنگهداشتن اعضا از تفکر اصلاحی، نوآوری فردی، آزادی بیان، انتقاد از مقررات سخت، سانسور و مطالعه آثار منتقدان و مخالفان، ابزار طرد، توسط تشکیلات سواستفاده می‌شود. به گونه‌ای که او معتقد است تعالیم بهائی در راستای اهداف تشکیلات جهانی بهائی، به تعالیم ایدئولوژیک بدل شده، که جانشین فکر مستقل است. او با استناد به مفاد کتاب اقدس، که در آنها آزادیهای فردی و اجتماعی نادیده گرفته شده، مکتب بهائی را در تقابل با دمکراسی ارزیابی می‌کند. او بر این باور است که در ساختار تشکیلات جامعه جهانی بهائی، اصل تفکیک قوا لحاظ نشده، و آن تشکیلات تمرکزگرا و ضد دمکراتیک است.

فیچیکیا به نقد و بررسی اسناد تاسیس دو جایگاه مهم و رکن‌رکن این بهائی می‌پردازد: مؤسسه ولایت امر و بیت‌العدل جهانی. او معتقد است که در کتاب اقدس بهاء‌الله، نامی از ولایت امرالله برده نشده، و آنچه در الواح و وصایای عبدالبهاء آورده شده جعلی است، و این مقام را شوقی افندی غصب کرده است.

و درباره بیت‌العدل اعظم - نهاد حاکمیت مرکزی کنونی جامعه بین‌المللی بهائی - فیچیکیا می‌گوید چنین مرجعی در کتاب اقدس یافت نمی‌شود و بهاء‌الله تنها به راه‌اندازی بیوت عدل محلی امر کرده است. در واقع، این مرجع عالی تنها در الواح وصایای عبدالبهاء مطرح شده و شرط اعتبار و مشروعیت آنرا، حضور ولی امرالله در راس آن دانسته است. در هر حال، تنها سند قانونی تشکیلات فعلی بهائی، الواح و وصایای عبدالبهاست و نه کتاب اقدس بهاء‌الله. ولی این خلاف نصوص بهائی است؛ زیرا عبدالبهها دارای مقام تفسیر بوده، و حق تشریح و قانونگذاری نداشته است.

او می‌گوید کتاب اقدس مجموعه‌ای از احکام سخت، پیچیده، عجیب و غریب و نامانوس، بعضاً قرون

وسطایی و بی ارتباط با جامعه و انسان مدرن، نامفهوم و به طور کلی، مجموعه‌ای از قوانین طاقت‌فرسا است. به نظر او، بهائیان کتاب اقدس را بعثت وجود قوانین ضد اخلاقی در بخش احکام کیفری، احکام ارث و مهریه، چندمتری و کنیزداری، و نادیده گرفتن آزادی‌های اجتماعی (که عملاً مغایر با تعالیم تبلیغی بهائی است) قریب به 130 سال پنهان داشته، و از ارائه آن خودداری نمودند. امروزه نیز در غرب بصورت گزینشی و ناقص چاپ شده است. وی معتقد است حتی عبداله‌ها نیز در فعالیت‌های تبلیغی خود در اروپا و آمریکا، ناچار شد تعالیم بهاء‌الله در کتاب اقدس را مکتوم نگه دارد. "به سبب این دلایل است که کتاب اقدس از بهائیان جدید پنهان نگه داشته می‌شود." او در تحلیل نهائی خود بیان می‌کند که کتاب اقدس همچون خاری در چشم تشکیلات جهانی بهائی است.

او تشکیلات بهائی را، به دلیل تمایلات افراطی، تهدیدی برای نظم جهانی، دولت‌ها، و جامعه بین‌المللی میداند. و معتقد است که تشکیلات جهانی بهائی به پیروی از شوقی، و از منظر فرقه‌ای، دولت‌ها را به دلیل آنکه مانع تحقق و استقرار حکومت جهانی بهائی هستند، بعنوان مانع تلقی کرده و در راستای تشکیل حکومت مشترک المنافع بهائی، خواستار سرنگونی نظم اجتماعی موجود در کشورها می‌باشند. بنابراین نباید تعجب کرد که فعالیت تشکیلات بهائی در بسیاری از کشورها ممنوع اعلام گردیده است. زیرا فعالیت آنها تهدیدی علیه دولت‌ها و همراه با فعالیت‌های براندازی و بخلاف نظم عمومی است.

از نظر فیچیکیا، وفاداری ظاهری تشکیلات بهائی به دولت‌های متبوع، پرهیز از دخالت در سیاست، لزوم اطاعت از قانون، و ممنوعیت عضویت بهائیان در احزاب سیاسی، نوعی تظاهر و فرصت‌طلبی است تا زمانی که جامعه بهائی بتواند به تحقق اهداف اعلام شده‌اش بپردازد و او آنرا چیزی جز پنهانکاری و اختفای اهداف سیاسی تشکیلات بهائی نمیداند. در این ارتباط او به کتمان عقیده برخی مقامات عالی‌رتبه بهائی در حکومت سابق ایران اشاره و آنرا مصلحتی می‌داند. بنظر او تشکیلات جهانی بهائی، یک قدرت خودکامه است که قصد دارد سرانجام خود را تا سطح دولت واحد جهانی بالا بکشد. تشکیلات بهائی این هدف را در پس پرده مدارا، صلح طلبی و تمکین به حکومت و قانون مکتوم نگاه داشته است. "هرچند بهائیان در تبلیغات خود تلاش دارند به جهانیان القا کنند که جامعه مشترک‌المنافع فدرال دموکراتیک با اهداف تشکیلات جهانی بهائی منطبق و سازگار

است، ولی در حقیقت هدف تشکیلات بهائی تأسیس نظام فدرال مشترک المنافع از دولت‌ها نیست بلکه هدف آنها تشکیل دولت واحد بهائی متمرکز است."

فیچیکیا درباره بهائیان ایران بیان می‌کند که بهائیان در انقلاب مشروطه ایران نشان دادند که مخالف نظام جمهوری، آزادیهای مدنی، و هرگونه نهاد انتخابی از سوی مردم بوده‌اند. آن‌ها حامی سلطنت مطلقه بودند تا جایی که عبدالبهاء از سلطنت‌طلبان و حکومت استبدادی حمایت کرد، و با آنان از در معامله درآمد. وی بیان میدارد که جامعه بهائیان ایران، بعنوان حامی اشکار دربار پهلوی، بسیار منتفع شد و شاه نیز، برای جلوگیری از نفوذ روحانیون شیعه، به حمایت از تشکیلات بهائی روی آورد. تشکیلات و افراد سرشناس بهائی نه تنها در برابر سیاست‌های حکومت پهلوی سکوت کردند بلکه پنهانی از این سیاست‌ها حمایت نمودند. او در تحلیل وضعیت جامعه بهائیان ایران در جمهوری اسلامی ایران، تضاد میان مقامات دولتی و بهائیان را ناشی از جوهر و ماهیت این تشکیلات بهائی میداند. "از آنجا که بهائیان ایران مروج و حامی حکومت سلطنتی ایران بودند، نباید تعجب کنیم که در ایران شاهد خشم بر چنین گروه و تشکیلاتی باشیم."

نکته پایانی درباره نویسنده و کتاب حاضر آن است که فیچیکیا دانش و معلومات اسلامی خود را از طریق ادبیات و تعالیم بهائی اخذ کرده و در متن کتاب هم به همان منابع استناد کرده است. لذا در ذکر تاریخ و مطالب اسلامی، خصوصاً مطالب مربوط به تولد و حیات و زیست امام عصر، حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج)، همان تفکر و مطالب غلط و انحرافی شیخیه، بایه، و بهائیان را نقل کرده، که با نص روایات صحیح و متواتر، و تفکرات عقلانی و مستدل شیعی مغایر و مبین است. مغایرتها آن چنان واضح است که هر فرد عادی جامعه ما نیز کذب و بی اعتباری انرا تایید و تصدیق میکند و نیازی به بیان توضیحات مفصل و گسترده احساس نمیشود. شاید حذف آن مطالب هم لطمه ای به بحث اصلی کتاب نمیزد. ولی به لحاظ رعایت امانت، تلاش شد تا مطالب کتاب کامل و با بیطرفی ترجمه شود؛ و تنها در چند مورد، برای رفع شبهه تفکرات انحرافی، یادداشتهای توضیحی مترجم ارائه گردیده است.

از آنجا که کتاب به ارائه دیدگاههای جدید نویسندگان غربی آشنا با تفکرات بهائیان پرداخته، و زاویه جدیدی را در مطالعه، تفکرات و عملکرد جامعه بین المللی بهائی عرضه کرده، و جای چنین مطالبی در آثار و

انتشارات فارسی خالی بود، اقدام به ترجمه و چاپ آن نمودیم. امید است که برای محققان و مبلغان و دین پژوهان مفید و سودمند باشد.

مقدمه نویسنده

آیین بهائی به همراه یهودیت، مسیحیت و اسلام از ادیان صاحب شریعت شناخته می‌شود. این آیین در اواسط قرن نوزدهم از اسلام شیعی - شیخی منشعب شد؛ ولی خود را تشکیلاتی مستقل معرفی کرد. بهائیان به یگانگی خدا، وحدت ادیان و وحدت تمام انسانها باور دارند و معتقدند که عقاید آنها تنها باور پیشرفته و تنها دین امروزی و مترقی است. آنها بهاءالله را ظهور الهی بر می‌شمارند و به همین دلیل او را چون موسی، عیسی و محمد [ص] و دیگر پیامبران صاحب شریعت می‌دانند.

هدف نهایی بهائیان گسترش جهانی عقاید خود، بعنوان دین جهانی یکپارچه، و ایجاد حکومتی دینی است که در آن، خداوند فرمانروایی می‌کند. طبق آمار ایشان، چهار تا شش میلیون بهائی در جهان پراکنده‌اند که اکثر آنها در هند، ایران، آفریقا و آمریکای لاتین ساکن‌اند. در اروپا و آمریکای شمالی جمعیت بهائیان به نسبت کمتر است.

صرف نظر از ادعاهای بهائیان، این آیین چندان مورد توجه شرق شناسان و دانشمندان علوم دینی قرار نگرفته است. دلیل این موضوع ممکن است این باشد که بهائیان با وجود تبلیغ فعال، علاقه‌ای به طرح مبانی علمی نشان نداده‌اند. بهائیان همیشه با هدف کسب اقبال جهانی، سعی کرده‌اند از ریشه بابی خود، و به تبع آن از شرق شناسان و اسلام شناسان، فاصله بگیرند. تشکیلاتی که به دین متحد جهانی می‌اندیشد، علاقه‌ای به روشن شدن این واقعیت ندارد که در فضای ایران قرن نوزدهم ریشه دارد. برای نخستین بار در سال 1981 رساله‌ای جامع در مورد آیین بهائی عرضه کردم:

(فرانچسکو فیچیکیا، بهائیت، دین جهانی آینده؟ نقد تاریخ، عقاید و تشکیلات (انتشارات کویل، اشتوتگارت، 1981، 485 ص)

Francesco Ficicchia, Der Bahaiismus – Weltreligion der Zukunft? – Geschichte, Lehre und Organization in Kritischer Anfrage (Quell Verlag, Stuttgart, 1981, 485p)

چهارده سال بعد، این اثر با دفاعیه‌ای از سوی تشکیلات رسمی بهائیان مواجه شد:

Neten ihr die Bahai mit einer breit Apologetik: Schaefer, Golmer, Towfigh, Desinformation als Methode – Die Bahaiismus – monographie des F. Ficicchia (Georg Olms Verlag, Hildesheim, 1995, 685S)

(در ایران: راست را کتر انگاشته‌اند) (انتشارات گیورگ المز، هیلدس‌هایم، 1995، 685 صفحه) این اثر بهایی بسیار تلاش کرد تا ردیه‌ای بر مطالب منتشر شده من در سال 1981 باشد؛ و به طور کلی، در مقابل هر انتقادی، حتی از طرف دیگر نویسندگان روشنفکر بهائی، مقاومت می‌کرد.

پس از انتشار کتاب بهائیان در سال 1995، و به دلیل چالش به وجود آمده، درخواستهای متعددی از من شد تا کتاب 1981 خود را تجدید چاپ کنم و استدلالهای مخالف را به روش نویسندگان آن کتاب پاسخ دهم. با چاپ اثر حاضر تا حدودی درخواستها برآورده شد. چاپ دوباره و بدون تغییر آنچه قبلا نوشته بودم، منطقی به نظر نمی‌رسید؛ زیرا بسیاری از مطالب، یا تکراری بود یا توجیهی نداشت. بخش اصلی اثر حاضر بر پایه کتاب قبلی استوار است، ولی به صورت بسیار فشرده و بر اساس واقعیات روز تدوین شده است.

کتاب به سه بخش تقسیم شده و این تقسیم بندی سبب تکرار بعضی از مطالب گشته است که امیدوارم خواننده آن را بپذیرد. اگرچه دلایل محکمی برای تجزیه و تحلیل عمیق امر بهائی موجود است، ولی مانند همیشه، دیدی نقادانه به آن به ندرت به چشم می‌خورد. دغدغه و نگرانی سران بهائی هم درک عمیق اعضای جامعه بهائی از آنها است. آنها مایلند جامعه ای با یک فهم عام‌پسند به وجود آورند. آنها خود را موظف میدانند تمام جهان را تحت اعتقادات خود و در قالب یک حکومت دینی جهانی متحد کنند.

زوریخ، بهار 2009

فرانچسکو فیچیکیا

بخش اول: آیین بهائی

تاریخچه، تعالیم، تشکیلات

1 - استدلال بهائیان بر آیین بابی

1-1 - ریشه‌های اسلامی

آیین بهائی که نام آن از نام بهاء‌الله (شکوه خدا) مشتق شده، دینی است نوظهور که در اواسط قرن نوزدهم میلادی از شاخه‌ی شیعی در اسلام، پدید آمده و امروزه در تمام جهان منتشر شده است. پیدایش این آیین، پس از جنبش بابی - که در زمان خود، با طرح شعار تحقق ظهور منجی احرالزمان شیعه، توانست پیروان زیادی را با هم متحد کند - اتفاق افتاد.

ریشه‌های تاریخی انتظار ظهور منجی به تاریخ صدر اسلام باز می‌گردد. پس از درگذشت محمد ص پیامبر اسلام، در سال 632 میلادی، بر خلاف انتظار اکثر مردم، نه علی بن ابی طالب (ع) - که با ازدواج با فاطمه ع دختر پیامبر ص داماد او بود - بلکه ابوبکر خلیفه (جانشین پیامبر) شد. پس از ابوبکر، عمر بن خطاب در سال 634، و سپس عثمان بن عفان در سال 644 به خلافت رسیدند. پس از قتل عثمان بود که علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم زمام امور را به دست گرفت. اما او دشمنان زیادی، از جمله معاویه بن ابی سفیان و گروه رادیکال خوارج، داشت که با او مخالفت می‌کردند.¹

علی (ع) پس از نخستین جنگ در سال 657 توانست خود را تثبیت کند؛ ولی در سال 661 به دست یکی از خوارج کشته شد. به این ترتیب، معاویه توانست بر تخت خلافت بنشیند و سلسله قوی امویان را تاسیس کند. پس از مرگ معاویه در سال 680، پیروان علی (ع) سعی کردند فرزند کوچک علی (ع)، حسین (ع) را به عنوان خلیفه اعلام کنند؛ ولی قبل از آن که بتوانند آنرا عملی کنند، در همان سال یزید (پسر معاویه و دومین خلیفه امویان) او را به قتل رساند. حسین (ع) نوه‌ی پیامبر، بدین صورت، به عنوان شهید شیعه و کسی که در مقابل غاصبان و خلافت اموی زندگی خود را فدا کرد، شناخته شد.

پس از کشته شدن حسین ع ، شیعیان خلافت دنیایی را رها کرده و در مقابل، امامت الهی را مطرح کردند که مستقیماً و با معرفی پیامبر اسلام ص می‌باشد.² امامت در نزد شیعیان، ادامه همان اختیارات پیامبر است. امامان افرادی معصوم، بدون خطا ، و با ویژگیهای مافوق طبیعی هستند. امام وقت ، بالاترین حاکم جهان و تنها کسی است که می‌تواند قرآن را تعبیر و تفسیر کند.

هنگامی که در سال 874 میلادی، امام حسن بن علی العسکری (ع) یازدهمین امام (ایشان بیشتر عمر شریف خود را در حبس خانگی به سر بردند) در سن 27 سالگی مسموم و کشته شد، پسر پنج ساله او، محمد بن الحسن (عج) ، به عنوان جانشین او، مسند امامت را به عهده گرفت .او نیز مانند پدر خود ، بخاطر ترسی که حاکم عباسی از جانشینی او داشت، دور از جامعه زندگی می‌کرد. شیعیان این انزوا را نوعی غیبت عرفانی می‌دانند.³ در نخستین مرحله که 67 سال (69 سال قمری) به طول انجامید و آن را غیبت صغری می‌نامند، امکان ارتباط با امام، برای بعضی از خواص (باب‌ها)، وجود داشت. پس از غیبت صغری، در سال 941 میلادی، غیبت کبری شروع شد و به تبع آن غیبت امام دوازدهم. این غیبت امام تا زمان بازگشت (رجعت)⁴ به عنوان مهدی (هدایت شده) به طول می‌انجامد. مهدی کار انبیای گذشته را به انجام خواهد رسانید؛ ظلم و بی عدالتی به خانواده‌ی خود را بر خواهد داشت و نظم جدیدی را پایه گذاری خواهد کرد.⁵

شیعیان از زمان غیبت امامشان، با اشتیاق، منتظر بازگشت او هستند. از این انتظار تحقق پذیر، چندین فرقه و جریان مذهبی به وجود آمد که یکی از آنها، شیخیه بود.⁶ علی محمد که بعدها بابیه را بنیاد نهاد، در گروه شیخیه بود. شیخیه بر این اعتقاد است که همیشه باید کسی باشد که در ارتباط مستقیم با امام باشد و بازگشت او را - پس از غیبت سال 260 هجری (874 میلادی) - خبر دهد.⁷ ادعای علی محمد مبنی بر واسطه بودن بین مؤمنان و امام غائب، سبب شد تا در ایران، مهد تشیع، شور و اشتیاق زیادی برپا شود و منجر به سالها ناآرامی در آن کشور گردد.

2-1- آیین بابتی

1-2-1- روند تاریخی

بابیه توسط سیدعلی محمد که بعدها نام باب (درب به سوی امام غائب) را بر خود نهاد، تأسیس شد.⁸ او در اول ماه محرم سال 1235 هجری (20 اکتبر سال 1819)⁹ از پدری تاجر، در شیراز به دنیا آمد. در جوانی شغل پدر را پیشه کرد و در سن 22 سالگی ازدواج نمود. حاصل این ازدواج، پسری بود که در کودکی (1843) از دنیا رفت.

علی محمد خیلی زود، به دلیل علاقه به فراگیری مسائل مذهبی، به شهرهای مقدس نجف و کربلاء در عراق (عثمانی) آن زمان سفر کرد. در آنجا در جلسات درس و گفتار، تحت تأثیر عقائد مؤسس شیخیه، شیخ احمد بن زین الدین احسائی (1753 - 1826)¹⁰ که ظهور زود هنگام مهدی را تبلیغ می کرد، قرار گرفت. تفاسیر قرآنی او ابتدا مورد پذیرش قرار گرفت؛ ولی در سال 1822 با عقائد شیعی اختلاف پیدا کرد و حکم تکفیرش صادر شد. به طور کلی، گروه شیخیه از جمله غالیان محسوب می شوند.

پس از مرگ شیخ احمد احسائی، سید کاظم رشتی ایرانی تبار (1793 - 1843) که علی محمد در سال 1840 تا 1841 هشت ماه نزد او تحصیل کرده بود¹¹، زعامت شیخیه را به عهده گرفت. سید کاظم رشتی کسی را به جانشینی خود انتخاب نکرد؛ در عوض شاگردانش را مأمور کرد تا رهبر جدید و با قابلیت خود را در ایرانیان ساکن عراق، جستجو کنند!

از جمله این شاگردان، علی محمد - که دلش از انتظار فرج شعله‌ور بود - و نیز ملاحسین بشرویه بودند. در چهارم جمادی الأولى 1260 (22 می 1844) این دو که یکدیگر را نمی شناختند، در شیراز یکدیگر را ملاقات کردند.¹² اینجا بود که علی محمد در همان شب (دو ساعت پس از مغرب) خود را باب امام غائب معرفی کرد و ملّا حسین نیز به او ایمان آورد.¹³

علی محمد برای اثبات این مدعا، شب بعد، یعنی 23 می 1844، در حضور ملّا حسین، نخستین فصل کتاب خود به نام قیوم الأسماء را نوشت. موضوع این کتاب، تفسیر دوازدهمین سوره قرآن، به نام سوره یوسف است. طبق عقیده شیعه، از این سوره در جهت عقیده مهدویت استفاده می شود.¹⁴ گفته می شود تمام 111 فصل این کتاب را او در 14 روز نوشته است. البته گفته می شود که علی محمد این اثر را در سفرمکه نهایی کرده است.¹⁵ در این کتاب به تفصیل از موضوع جهاد سخن گفته شده، که پس از ظهور مهدی شروع خواهد

شد.¹⁶ ادعای اصلی علی محمد [در این کتاب] این بود که وی باب امام غائب است. و بر این اساس بود که او دوران غیبت کبری¹⁷ را با ظهور کبری¹⁸ خاتمه یافته اعلام کرد.¹⁹

ملاً حسین بشرویه، معروف به باب‌الباب، نخستین پیرو سید باب بود. به زودی، هفده نفر دیگر به او پیوستند که با خود باب¹⁹ نفر می‌شدند که به "حروف حی" معروف شدند. (کلمه حی در علم حروف ابجد مساوی عدد 18 می‌شود).²⁰ در میان آنها سه نفر بودند که نقش عمده ای در این حرکت داشتند:

ملاً محمد علی بارفروش معروف به قدّوس، ملاً حسین بشرویه، نخستین پیرو باب، و در آخر، شاعره و قهرمان بابی، ام سلمه (1852 - 1814) که دارای القابی چون زرین تاج، قره العین و طاهره بود. حدوداً همانسال (تابستان 1844) ملاًحسین بشرویه توانست در تهران، میرزا یحیی (صبح ازل) وحسینعلی (بهاء یا بهاءالله) اهل نورمازندران را به تعالیم جدید تبلیغ کند. این دو هم نقش بارز و کلیدی در این حرکت داشتند.

در پاییز 1844، سید باب به همراه قدّوس به زیارت مکه و مدینه (حج)²¹ رفت. قبل از سفر، او از پیروانش خواست به کربلا²² بروند و در آنجا منتظر مهدی باشند و او را در جهاد یاری دهند.²³ در 12 دسامبر 1844، باب به مکه رسید و کوشید تا رسالت الهی خود را علنی اعلام کند. البته هیچ گوش شنوایی نیافت و ناامید و مأیوس به وطن بازگشت.²⁴ ولی در طول غیبت باب، پیروانش بسیار موفق بودند. آنها با حرارت و اشتیاق زیاد به نقاط مختلف ایران سفر و پیام باب و نزدیکی ظهور صاحب الزمان را ابلاغ می‌کردند که به خاطر آمادگی و اشتیاق مردم به ظهور منجی، بسیار کارساز بود.

در همان حال، این موضوع با مخالفت شدید علمای شیعه مواجه شد که باعث ایجاد بحث وجدلهای شدید در سراسر کشور، راجع به این پیام جدید، شد. از آنجا که این بی‌نظمی و اغتشاش خطرناک شده بود، دولت برای نخستین بار در مقابل این حرکت ایستاد و چند تن از پیشکسوتان، از جمله سید باب را دستگیر کرد که البته خیلی زود دوباره آزاد شد. در این فاصله، این اعتقاد گسترش یافت و خیلی زود در تمام ایالات گسترده شد و نتیجه آن، ضدیت بیشتر مخالفان بود.

به جهت خلاصی از این تعقیب و گریز، باب در سپتامبر 1846 به طرف اصفهان حرکت کرد. در آنجا توسط حاکم آن شهر، منوچهرخان (ارمنی تبار) حمایت شد و سکنی گزید. باب توانست در اصفهان تعالیم خود را مبنی بر بازگشت امام مهدی (ع) چند ماه، بدون مانعی، تبلیغ کند. پس از آنکه منوچهرخان در بهار 1847 به طور ناگهانی درگذشت، وضعیت به طرز اسفباری تغییر کرد. سید باب اصفهان را به مقصد تهران، به امید دیدار با

محمد شاه ترک کرد، ولی در نزدیکی تهران متوقف و بازداشت شد. سپس در قلعه ای درماکو، در شمال استان آذربایجان، در ایران محبوس گردید. (جولای 1847)²⁵

پس از درخواست روسیه مبنی بر دورکردن باب از سرحدات، او در آوریل 1848، به قلعه ای در چهریق برده شد که صرف نظراز اقامت کوتاه او در تبریز، بقیه عمرش را در آن گذراند.

سید باب در طول حبس، مهمترین نوشته‌هایش را به رشته تحریر درآورد که کتاب «بیان» بود. این کتاب شامل دو بخش فارسی (طولانی تر) و عربی (کوتاهتر) است. هر دو نوشته ناتمام ماند. او تعیین کرد که شخص «من یظهره الله»²⁶ این کتاب را تمام خواهد کرد. پس از باب، هم بهاءالله و هم صبح ازل، آن را حق خود دانستند.

بیان شامل احکام دینی سید باب است که در آنجا هم جهاد نقش مهمی دارد.²⁷ در این کتاب آمده که در پنج استان مهم ایران، شامل فارس، خوزستان، آذربایجان، خراسان و مازندران، باید دولت بایی تشکیل شود و در آن مناطق به جز بابیه، پیروان مذاهب دیگر حق زندگی ندارند.²⁸

از دیگر نوشته‌های باب، که در ماکو نوشته شد، کتاب پرخاشگرانه «دلایل سبعة» است. وی در این کتاب، از تعالیم خود دفاع کرده، ادیان گذشته را بی ارزش دانسته و نکوهش کرده و اعلام کرده که آنها پیامبران را نشناخته‌اند و به همین دلیل نابود شده‌اند.²⁹

نوشته دیگر او که دارای اهمیت است، مطلبی است که خطاب به ملا علی ترشیزی (معروف به عظیم)، در اواخر اقامتش در ماکو، در اوایل 1848، نگاشته است. در این نوشته، باب خود را «مهدی موعود» خوانده، که توسط وی شریعت اسلامی اجرا می شود.³⁰ تا پیش از آن، باب دارای ادعاهای مبهم و متزلزل، و در حد یک اشاره به عنوان «کسی که به آمدن مهدی بشارت می دهد» بود. ولی با این ادعا که او خود مهدی موعود است، برای نخستین بار موضع مشخصی از خود نشان داد. بدین سبب خود را از تعالیم شیعه جدا کرد.

برای پیروان باب در بند، اکنون آینده این حرکت و کمک به رهبر برای پیشرفت مهم بود. به همین جهت در ژوئن 1848، هشتاد و یک نفر از رهبران بایی تحت رهبری بهاءالله³¹ در محلی به نام بدشت (در مرز خراسان و مازندران) جمع شدند تا درباره تحولات پیش آمده و نحوه رویارویی با اسلام رسمی مشورت کنند. این تجمع سه هفته‌ای که از محتوای آن اطلاعات کمی در دست است، باعث هرج و مرج و اختلاف بین قدوس (رهبر

محافظه کار حرکت) و قرّة‌العین (که جبهه لیبرال را رهبری می کرد) شد.³² رفتار شجاعانه قرّة‌العین – آن طور که بهائیان می گویند- و برداشتن حجاب و معرفی خود در صحنه بدّشت به عنوان قهرمان و پیش‌قراول مدافع حقوق زنان، تعیین کننده ادامه ماجرای بدّشت بود؛ چیزی که در نتیجه با وظیفه مسیحایی سید باب همسو گشت و جدایی کامل آن از اسلام را سبب شد.³³

بایان که از جریان بدّشت قدرت گرفته بودند، وقت را برای اجرای جهاد³⁴ و ایجاد دولت بابی که منظور نظر باب بود، مغتنم شمردند.³⁵ مرگ ناگهانی محمّد شاه قاجار (4 سپتامبر 1848) زمان مناسبی برای اجرای این تصمیم محسوب می شد. این قدّوس بود که در بین نوزده نفر³⁶ «حروف حی»، در اکتبر 1848، شورش مسلّحانه در قلعه شیخ طبرسی (استان مازندران) برپا کرد؛ که بعداً ملاحسین بشرویی نیز به او پیوست³⁷ ملاحسین در 12 ژانویه 1849 و قدّوس پس از شکست در 22 می 1849، کشته شدند.

دومین شورش بایان که در حوالی نیریز (استان فارس) به وقوع پیوست، ابتدا در ژوئن 1850 و سپس در نوامبر 1853 کاملاً شکست خورد. این نا آرامی‌ها به یزد و پایتخت کشیده شد. در ماه می 1850 نیز بایان در زنجان شورش کردند و توسط نیروهای دولتی دراوایل 1851 کاملاً منهدم شدند.

پس از شکست شورشهای بابی، دولت چاره ای جز مجازات رهبرین شورشها ندید. سید باب پس از یک دادرسی کوتاه به مرگ محکوم و در 28 شعبان 1266 (9 جولای 1850) در تبریز، درملاً عام، تیرباران شد.

گروهی از پیروان باب، دو سال پس از اعدام پیامبرشان، توطئه قتل پادشاه (ناصرالدین شاه قاجار) را پی ریخته و در 15 آگوست 1852 آن را اجرا کردند.³⁸ توطئه شکست خورد و باعث تشدید رفتار سختگیرانه بر ضدّ بایان شد. طبق آمار بهائیان، در این شورشها و درگیریهای پس از آن، بیش از 20000 نفر کشته شدند. آماری که دنیس مک اوئن (نویسنده بهائی و کارشناس و استاد دانشگاه در رشته تاریخ معاصر ایران)³⁹ داده، به عددی بسیار واقعگرایانه‌تر یعنی 2000 تا 2300 نفر کاهش پیدا کرد. با وجود این برخوردها، حکومت مرکزی باعث تضعیف زیاد این گروه گردید تا جایی که دیگر هیچ وقت نتوانستند تجدید قوا نمایند.

2 - 2 - 1 - تعالیم بابی

تعالیم بابی در عنوان و صورت و ظاهر با اسلام تفاوتی ندارد.* با وجود این، باب تعالیم زیادی مخصوص به خود ارائه کرده که آن را از اسلام جدا کرده و آیین بابی را اعتقادی مستقل ساخته است.

از نظر توحید، اسلام و بابیان مشترک‌اند. خداوند، خالق و نگهدارنده و قاضی جهان هستی است. این اقرار اسلام که "هیچ خدایی جز الله نیست (لا إله إلا الله)" مورد اعتقاد بابیان نیز هست. نتیجه توحید، برتری مطلق خداوند است. خداوند را نمی‌توان با عقل بشری شناخت، بلکه باید او را از طریق صفات و آیاتش شناخت.

در نبوت نیز آیین بابی بر پایه اسلام است. بعدها در روایت بهائیان از آیین باب بود که به باب، مقام مهدی را دادند که به اسلام خاتمه داده و دور دینی جدید را تأسیس کرده است. حداقل در اوائل، سید باب خود را مبشر قائم شیعیان⁴⁰ یا امام مهدی⁴¹ می‌دانست تا این که بعداً (1848) این شأن و مقام را حق خود خواند.⁴² با این ادعا نیز پیوند با شیعه هنوز قطع نشده بود.⁴³

این جدایی در جریان تجمع بدشت (تابستان 1848)⁴⁴ و در غیاب سید باب که از 1846 در زندان بود، کامل گردید. دلیل جدایی بین آیین بابی و اسلام، این است که سید باب در کتاب خود «بیان»⁴⁵، یک رشته احکام دینی جدید نوشته که در اصل و درون، نسخ و پایان اسلام را نشان می‌دهد.⁴⁶

عدد 19 در سیستم سید باب نقش مهمی ایفاء می‌کند. این عدد عرفانی از جمع تعداد حروف نخستین [آیه] سوره قرآن یعنی "بسم الله الرحمن الرحيم" حاصل شده است. تمام سیستم تعالیم سید باب بر اساس عدد 19 است. او نقطه زیر باء بسم الله بوده و با 18 نفر دیگر، حروف حی، عدد 19 را تشکیل می‌دهند. این سیستم 19 تایی، در ابتدا، در تغییر تقویم توسط سید باب اهمیت یافت. تقویم بابی، متشکل از 19 ماه است که هر ماه 19 روز دارد. بنابراین، سال 361 روز می‌شود. با اضافه کردن 4 یا 5 روز، تقویم با سال شمسی مطابقت می‌یابد. این تقویم جدید با اظهار امر باب در سال 1260 هجری قمری (یا 1844 میلادی) شروع می‌شود. تکالیف دینی زیادی نیز با عدد 19 در ارتباط است. مثلاً در کتاب بیان، خواسته شده است که در هر سال 19 روز روزه بگیرند. هر روز 19 آیه از کتاب مقدس خوانده شود. هر روز 361 (= 19 ضربدر 19) بار نام خدا ذکر شود. هر روز 19 نفر به طعام دعوت شوند و...

قوانین موجود در بیان، جایگزین قوانین اسلام شد. بایبان با وجود چنین نوشته ای، خود را در برابر مسلمانان - اهل فرقان (اهل قرآن) - اهل بیان خواندند. البته بیان، قرآن را منکر نمی شود؛ ولی در برابر آن، تغییرات و نوآوری‌هایی دارد. در کل، این کتاب، با احکام اسلام در موارد زیادی، از جمله، حذف مناسک و اعمال و تغییر در شرایع، در کم کردن نوبتهای نماز از 5 نوبت به 3 نوبت، حذف طبقه روحانیت، لغو حرمت ربا، مطالبه نقش بیشتر برای زنان، لغو نجاست و ناپاکی که بخصوص مانعی در راه ارتباط با کافران است - مخالف و تفاوت دارد. این احکام جدید باعث شد که جنبش بابی بعنوان یک حرکت دینی جدید در شرق شناخته شود.⁴⁷ با وجود این، بیان دارای احکام سنتی نیز هست: سن ازدواج از 12 سالگی، ازدواج مجدد بیوه‌ها، رعایت روزه در سال، تحریم نوشیدن الکل، منع تأویل آیات الهی، تحریم یادگیری کتابهای غیر بابی و زبانهای بیگانه، تحریم حمایت از غیر بایبان در تحت حکومت بابی و... و در کنار آن به بایبان اجازه داده که در هنگام خطر، اعتقادات خود را پنهان دارند (تقیّه).⁴⁸

2 - از آیین بابی تا آیین بهائی

1 - 2 - دوران پس از باب

یکی از مهم ترین موارد مؤثر در آینده آیین بابی، اعلام وجود شخصی به نام «مَنْ يُظْهِرُ اللَّهَ» بود؛ یعنی کسی که خدا او را ظاهر می کند (یا ظاهر خواهد کرد). باب در اوائل 1848 خود را آن موعود نامید.⁴⁹ ولی بعداً آمدن "مَنْ يُظْهِرُ اللَّهَ" را در آینده وعده داد. باب زمان آمدن این "مَنْ يُظْهِرُ اللَّهَ" بی نام و نشان را تعیین نکرد. در بیان فارسی زمانی بین 1511 تا 2001 سال یا زودتر (هر وقت خدا بخواهد) مشخص شده است.⁵⁰ این بلا تکلیفی تا بدانجا انجامید که در سال 1866/67 سبب اختلاف میان صبح ازل و بهاء الله شد و بهاء الله، برخلاف زمان یاد شده، فقط اندک سالی بعد، خود را موعود باب نامید؛ و به این ترتیب صبح ازل به عنوان پیرو باب باقی ماند.

1 - 1 - 2 - جانشینان سید باب

جانشین سید باب، پس از سالها دعوا بین این دو برادر - یعنی حسینعلی (بهاء الله) و یحیی (صبح ازل) - مشخص گردید. هردو، در نخستین سال ورود باب به صحنه، توسط ملا حسین بشرویی⁵¹ تبلیغ شده و ایمان آورده بودند. حسین علی در دوم محرم 1233 (12 نوامبر 1817) در تهران از پدری اهل نور (مازندران) که

دارای مقام منشیگری دربار بود، متولد شد و در سن 13 سالگی او، برادر ناتنی اش یحیی (1831 / 1246) به دنیا آمد.

در جریان حرکت بابی، آنها به نامهای بهاء یا بهاءالله و صبح ازل معروف شدند. این بهاءالله بود که در جریان سالهای اولیه و طوفانی بابی فعال ظاهر شد. او بود که جریان بدشت را رهبری کرد⁵² و به بابی‌های شورشی در قلعه شیخ طبرسی یاری رساند. اما برخلاف این جریان، این صبح ازل بود که در سن 19 سالگی⁵³ توسط سید باب به عنوان جانشینی مفتخر گردید.⁵⁴ صبح ازل از همان ابتداء، شروع به نوشتن آیات مقدسی کرد که باب به عنوان وحی و الهام از خداوند نشر می داد. همزمان، القاب زیادی به او اعطاء شد از جمله: وحید، نقطه ثانی و ثمره بیان.⁵⁵

2 - 1 - 2 - تبعید رهبر بابی‌ها

پس از مرگ سید باب (1850 / 1266) صبح ازل به عنوان جانشین بلامنزاع وارد صحنه شد. کسی که بدون تردید تحت نفوذ برادر ناتنی بزرگش بهاءالله بود!⁵⁶ دوره ای کوتاه و آرام بر بابی‌ها گذشت؛ تا این که ترور ناصرالدین شاه توسط بابیان (آوت 1852)⁵⁷ ورق را برگرداند. صبح ازل به عنوان رهبر شناخته شده بابی‌ها، تحت تعقیب قرار گرفت؛ تا جایی که تصمیم گرفت ایران را به مقصد بغداد (پایتخت عثمانی آن زمان) ترک کند. در مقابل، بهاءالله دستگیر شد و برای چهار ماه در سیاهچال تهران محبوس گشت. با تقاضای رسمی کنسول روسیه در تهران، بهاءالله به شرط این که تهران را ترک کند، در دسامبر 1852 آزاد شد. او هم بغداد را برای تبعید برگزید و در اوایل ژانویه یا آوریل 1853 به آنجا رفت.⁵⁸

تصمیم رفتن به عراق دارای مزایای زیادی بود؛ زیرا در این شهر شیعیان زیادی زندگی می کردند و همین طور اماکن مقدسه شیعی در عراق قرار داشت که موجب رفت و آمد زیادی از ایران به عراق می شد و این موقعیت ارتباط تبعید شدگان را با وطن تضمین می کرد. با مهاجرت رهبر بابیان به بغداد، برای نخستین بار وزنه ی این گروه به خارج از کشور منتقل شد. سپس سالهای بی ثباتی ظاهر شد. چه هرج و مرجها گذشت که

در آن مدعیان من یظهر الاهی سر بر آوردند.⁵⁹ در بین آنها اسد الله خوبی معروف به دیان بود. او در سال 1856 توسط بابیان در شط العرب در آب خفه شد؛ جایی که خود به‌الله شخصا حضور داشت و دستور قتل او را صادر کرد.⁶⁰

مدعیان گوناگون مقام من یظهر الاهی با بهاء‌الله، که ادعای پیامبری خود را کنار نگه‌داشته و هنوز آشکار نکرده بود، در ارتباط بودند. در ابتدا او سعی داشت با وضعیت سردرگم موجود مقابله کند و قوانین سخت باب را تسهیل نماید؛ ولی نمایندگان مکتب قدیم با هر نوآوری مقابله و مقاومت می‌کردند⁶¹ او که از این مسئله عصبانی بود در 12 رجب 1270 (دهم آوریل 1854) بغداد را به سوی سلیمانیه، در کوه‌های کردستان ترک کرد؛ تا زمانی که صبح ازل او را دوباره دعوت کرد تا به بغداد باز گردد. بهاء‌الله دستور برادر را اطاعت کرد.⁶² او چندین بار اعلام کرده بود که رهبری برادرش را کاملاً قبول دارد.⁶³

بهاء‌الله در 12 رجب 1272 (19 مارس 1856) درست دو سال قمری بعد از رفتنش به کردستان، به بغداد باز گشت. او توانست از آشوبها بهره برداری کرده و رهبری را تصاحب کند و برادرش صبح ازل را به پشت صحنه انتقال دهد.⁶⁴ البته نقش صبح ازل در بغداد به هیچ وجه بی اهمیت نبود⁶⁵ زیرا او بود که مردم را جذب می‌کرد و از نظر پیروان مرکز اطلاعات و فرماندهی تلقی می‌شد.⁶⁶ او در خلوت زندگی کرد و با تقیه⁶⁷ (که هم در تشیع و هم در میان بابیان به آن عمل می‌شد) از رهبری ظاهری و رویارویی علنی دوری جست. تحت رهبری غیر رسمی بهاء‌الله، وضعیت تقریباً آرام شد و پیروان او اتحاد درونی را تجربه کردند.⁶⁸

در جهت جلوگیری از یک شورش جدید، دولت ایران از پادشاهی عثمانی خواست رهبر بابی‌ها را از موقعیت استراتژیک بغداد دور کند. باب عالی⁶⁹ به درخواست تهران تن داد و دستور جابجایی تبعید شدگان را به استانبول صادر کرد. کمی قبل از سفر رهبران بابی به استانبول (آوریل و می 1863) در باغ نجیب پاشا که در نزد بهائیان به باغ رضوان بغداد معروف است، بهاء‌الله در حضور جمعی از پیروانش اظهار داشت که او همان من یظهر الله، یا موعود باب و بیان است.⁷⁰ شرح حال و گزارش چنین رویدادی البته ضد و نقیض و متضاد است.⁷¹

هرنان رومر⁷² معتقد است: « در تاریخ نویسی بابی - بهائیان، از همان آغاز، شکی قوی در مورد گزارش اعلان بهاء‌الله در بغداد جلب توجه می‌کند.»⁷³ پروفیسور ادوارد براون متخصص جنبش بابی و کسی که خودش مدتی بابی بود نیز به اظهار من یظهره الاهی در باغ رضوان بغداد از طرف بهائیان با تردید نگاه می‌کند و آن را امری که بعداً طراحی شده تلقی می‌کند.⁷⁴ به نظر می‌رسد که صبح ازل از چنین اظهاری و چنین اجتماعی

با چنین تنش و دشمنی داخلی بی خبر بوده است. گویا هیچ عکس‌العملی از طرف وی وجود نداشته، ولذا در منابع بهایی از آن گزارشی موجود نیست.

رهبران بابی و همراهان آنها در 1863/8/16 به استانبول رسیدند.⁷⁵ همان طور که مقامات عثمانی ده سال پیش از انهم آنها را با احترام نپذیرفته بودند، در استانبول هم با سردی از آنها استقبال کردند.⁷⁶ اختلافات و درگیریهای دو برادر و طرفدارانشان ادامه یافت. این موضوع باعث شد تا امپراتور عثمانی تصمیم بگیرد آنها را به بخش اروپایی عثمانی تبعید نماید. بنابراین آنها چهار ماه بعد، در تاریخ 1863/12/12، به عنوان تبعیدی، در بخش اروپایی بودند.

در ادرنه، روابط بین دو برادر، صبح ازل و بهاء‌الله، به شدت تیره شد. اعتماد از میان آن دو رخت بر بست؛ در حالی که هنوز صبح ازل به عنوان رهبر بایبان شناخته می‌شد و در آن زمان، آیاتی را منتشر می‌کرد که در آنها، مقام جانشینی او آشکارتر از همیشه بیان شده بود. این امر اختلاف بین آن دو را غیرقابل ترمیم ساخت و هیچ راه سازشی برای این اختلاف به نظر نمی‌رسید. حتی ظاهراً حملات مسمومی نیز نسبت به بهاء‌الله صورت گرفته باشد.⁷⁷ این پس از آن بود که طرفداران صبح ازل، برخی اقدامات خصمانه را از سوی بهاء‌الله مشاهده کردند.⁷⁸ لذا بهاء‌الله ارتباطات خود را با صبح ازل قطع کرد و زمان را برای طرح و علنی ساختن ادعای خویش مناسب یافت. او در مارس 1866 قصدش را برای جدایی از برادر علنی ساخت و خود را موعود و منصوب باب خواند. او همچنین ادعا کرد که حداقل تا 1000 سال بعد، پیامبر دیگری نخواهد آمد.⁷⁹ ادعای بهاء‌الله بیش از حد مورد توجه قرار گرفت و در ایران، سوریه و جاهای دیگر، بایبان ازلی از صبح ازل جدا و به سوی بهاء‌الله متمایل شدند.

چون اختلافات و کشمکش‌های دو برادر خاتمه نیافت، باب عالی فرمان داد تا آن دو برادر از هم جدا شوند. در تاریخ 1868/9/5 صبح ازل به همراه 14 نفر دیگر به فاماگوسا (قبرس) وارد شد. بهاء‌الله نیز همراه با طرفدارانش (77 نفر) در روز 1868/8/31، به عکا در فلسطین، رسید. چهار بهائی که برای جاسوسی در کار صبح ازل تعیین شده بودند، طی سالهای 1871 و 1872، چند سال پس از رسیدن به فاماگوسا مردند. یکی از آنها مشکین قلم بود که در تضعیف جایگاه ازل موفق بوده است.⁸⁰

از چهار بابی طرفدار صبح ازل که قرار بود همراه بهاء‌الله به عکا بروند تنها 3 نفر آماده سفر شدند.⁸¹

یکی از آنها قبل از آغاز سفر، در ادرنه به قتل رسید و سه نفر دیگر طی سالهای 1870 تا 1872، در عکا

سربه نیست شدند.⁸² یکی از آنها حاجی محمد اصفهانی بود (قتل 1872).⁸³ این موضوع باعث محدودتر شدن صبح ازل گردید.⁸⁴

بهاء الله در عکا، از سوی دولت عثمانی به خیانت متهم گردید⁸⁵ و زندانی شد (1870).⁸⁶ سپس تحت نظر قرار گرفت و بازداشت خانگی شد. او در سال 1877 به مزرعه که خانه راحتی بود، نقل مکان کرد. او در سال 1879 املاک بهجی را در عکا، جایی که زندگی می‌کرد، خرید و تا پایان عمر در آنجا زیست (1892) و در همانجا به خاک سپرده شد.

صبح ازل نیز تا تاریخ 1912 / 4 / 29 در فاماگوسا زندگی کرد. او و پیروانش تا پایان عمر به تعالیم بابی وفادار ماندند و به نام گروه ازلی شناخته شدند. این گروه اگرچه به تدریج ضعیف و از جمعیت آن کاسته شد، ولی در فعالیتهای سیاسی جامعه ایران و از جمله در انقلاب مشروطه ایران، طی سالهای 1905 تا 1909 تأثیرگذار بود. در استانبول نیز بین ازلیان و نشریه فارسی زبان مشروطه خواه اختر و همین طور افراد شناخته شده جنبش اصلاح طلب، از جمله اصلاح طلب و پان اسلامیت سرشناس، سید جمال الدین افغانی (اسدابادی - م) (1839 - 1897)، ارتباط نزدیکی وجود داشت. ازلیان بیش از پیش، به عنوان یک جنبش مترقی و آزاداندیش شناخته شدند.⁸⁷ اگرچه جایگاه دینی خود را تا حد زیادی از دست دادند. پس از ازل، ظاهراً تغییراتی به وجود آمده است. از جمله، کمتر درباره جهاد و کشتار و اعدام غیر بایبان صحبت می‌شود. جمعیت‌های کوچک ازلیان باقیمانده، در ایران، ترکمنستان و ازبکستان زندگی می‌کنند.

2 - 2 - آیین بهائی خود را اثبات می کند

با اقامت بهاءالله در عکا (فلسطین) تعالیم سید باب دستخوش تغییر و تحول اساسی شد؛ زیرا بهاءالله پس از خنثی سازی ازلیان، توانست نقش موعود منجی متعلق به سید باب را نیز از آن خود کند. بدین ترتیب، جدایی کاملی از تعالیم بابی به وجود آمد که نه تنها به عنوان یک جدایی، بلکه به عنوان استمرار وحی الهی تلقی شد. البته آیین باب دورانداخته نشد، بلکه به عنوان مقدمه و مبشر آیین بهائی تلقی گردید. بدین ترتیب، آیین بابی به رغم تاریخ کوتاه خود، از نظر بهائیان در ردیف دین های بزرگی چون یهودی، مسیحی و اسلام قرار گرفت که همه به عنوان مظهر اراده خداوند معتبرند. به همین ترتیب، به آیین بهائی نیز چیزی بیش از وعده اسلام، بلکه به عنوان تحقق اهداف تمام ادیان نگریسته شد.

در نگرش جدید، آنچه باب به عنوان من یظهره الله وعده داده بود، شخصی مهمتر از قائم و مهدی ع مسلمانان، بلکه به عنوان مظهر خداوند در دور جدید، و به تبع آن، در همان مقامی که پیامبران گذشته بودند، قرار دارد. آیین بهائی خود را دینی مستقل می داند و خود را به عنوان شاخه ای از بابیان - یا کمتر از آن شاخه ای از اسلام - تلقی نمی کند. آیین بهائی نسبت خود را به آیین باب، همان نسبت مسیحیت و یهودیت می داند. امروزه استقلال آیین بهائی توسط تمام دین پژوهان تأیید شده؛ و با وجود آنکه هیچ گونه تاثیری بر روی هیچ فرهنگی نداشته، به عنوان جوان ترین آیین جهانی شناخته می شود.

3- بهاء‌الله و آثار او

1- 3- دین، کتاب و قانون

بهاء‌الله مانند بغداد و ادرنه، در عکا نیز به کار نوشتن پرداخت. بدین ترتیب، دین او از ادیانی است که دارای کتاب‌اند. در کنار آن، دیانت بهائی دینی قانونمند است که دارای قوانین الهی است. جدایی دین و اجتماع در نزد بهائیان، همانند یهودیت و اسلام، ممکن نیست. سیستم‌های دینی نیز قطعی نیست و حداقل به دوره‌های هزار ساله تقسیم بندی شده‌اند.

1- 1- 3- مکتوبات بغداد

درست در زمانی که صبح ازل قدرت و رهبری را در اختیار داشت، بهاء‌الله شروع به نوشتن آیاتی کرد که در آن ادعای پیامبری خود را مشروعیت می‌بخشید. یکی از نخستین نوشته‌های او در تبعید بغداد، بین سالهای 1857 تا 1858، کتابی کوچک به نام «کلمات مکنونه» است که در آن گفته‌های صوفیانه جمع‌آوری گردیده است. بهائیان این اثر را مانند «کتاب فاطمه س» می‌دانند که جبرئیل برای تسلی خاطر ایشان در مرگ پدر (پیامبر اسلام ص) برای او آورد. از آنجا که این کتاب در طول غیبت امام دوازدهم⁸⁸ از دسترس دور است و فقط با ظهور او آشکار می‌شود، بهاء‌الله اثر خود را «کلمات غایب شده» نامید. بدین ترتیب او خود را به انتظار فرج تشیع گره زد، و با صوفی‌گری خود را با آنچه باب به آن بشارت داده، یعنی «من یظهره الله» پیوند داد.

از دیگر کتب صوفیانه بهاء‌الله می‌توان از «هفت وادی» و کتاب کوچک‌تر دیگری به نام «چهار وادی» نام برد که به کتاب «منطق الطیر» نوشته فریدالدین عطار نیشابوری نزدیک است. در این کتب، ایستگاههای متعددی بیان شده که طالبان خداوند باید از آنها بگذرند تا به مطلوب خود دست یابند.

مهم‌ترین کتاب نوشته شده در بغداد «کتاب ایقان» در سال 1862⁸⁹ است که پس از «کتاب اقدس» مهم‌ترین کتاب پیامبر بهائی به شمار می‌آید. بهائیان این کتاب را در تأیید حقانیت باب و بشارت «بیان فارسی» - نوشته باب - می‌دانند. «کتاب ایقان» سعی در این دارد که اعتقاد به مهدی موعود را از نظر مسلمانان و مسیحیان اثبات کند. این کتاب، کتاب من یظهره الله⁹⁰ است؛ اعتقادی که انجیل یهودی - مسیحی، قرآن و بیان و

همچنین «لوح محفوظ» به آن پرداخته‌اند. در این کتب مهدی (یا قائم) در ردیف و طول پیامبران صاحب شریعت قرار داده شده است. محمد به عنوان «خاتم الانبیاء»⁹¹ آخرین پیامبر نیست، بلکه او بیان کننده دوباره اراده خداوند و خاتم و مهر تایید بر زمان گذشته است.

2- 1- 3- مکتوبات ادرنه

بهاء‌الله پس از درگیری با صبح ازل⁹²، ادعاهای نهفته قبلی خود را بر روی پیامبری خویش متمرکز کرد. او نوشته‌های زیادی تحت عنوان «لوح یا الواح» به رشته تحریر درآورد. مهم ترین آنها صورت الهیکل نوشته 1867 است. در این لوح او بیانیه‌ای درباره بایان می‌نویسد و با دلایلی پیامبری خود را اثبات می‌کند. الواح سلاطین شامل مجموعه نامه‌ها به پادشاهان دُول شرق و اروپایی جهت پذیرش دین جدید، یکی از این الواح است⁹³ این الواح در اواخر اقامت در ادرنه و اوایل عکا نوشته شده است.⁹⁴

3- 1- 3- مکتوبات عکا

در عکا (فلسطین) بسیاری از الواح و دیگر مکتوبات نوشته شد. معروف ترین آنها کلمات فردوسییه است که در سال 1890 نوشته شد و شامل گفتارهایی درباره ریاضت‌های صوفیگری است. کتاب مهم دیگر لوح ابن الذئب است که در سال 1891 نوشته شد. بهاء‌الله در این کتاب، بحث و جدلی جدی در برابر دشمنی با عقاید جدید خود مطرح می‌کند و صبح ازل را متهم می‌کند و پرشور و پرحرارت از پیامبری خود دفاع می‌نماید.

4- 1- 3- کتاب اقدس

این کتاب در سال 1873 در عکا نوشته شد. کتاب به زبان عربی، زبان انبیاء، است. این کتاب، کتاب قوانین بهائی و به همین جهت، مهم ترین منبع اعتقادی جامعه بهائیان می‌باشد. کتاب اقدس به عنوان تنها کتاب حاوی قوانین الهی در عصر حاضر، جایگزین تمام کتابهای مقدس گذشته از جمله: تورات، انجیل، قرآن، بیان سیدباب و به طور کلی تمام نوشته‌های الهی ادیان گذشته است.

یکصد و نود بخش یا بند اقدس حاوی حقوق و روابط دینی، سنتی، قانونی و سیاسی است و با اقتباس از اسلام، پنج ستون یا اصل عبادی را بیان می‌کند: (1) شهادت (2) نماز (3) روزه (4) زکات (5) حج. در ادامه، قوانین

اجتماعی و عرفی و سازمانی بهائی را معرفی می کند و در کنار آن، دعوت و تذکر به خود، و همچنین احکام خاص زیادی را مطرح مینماید.

او می گوید قوانین اسلامی تکراری و کهنه شده است. در مقابل، اعتقاد اسلام به یکتایی خدا مطرح می شود. در همین حال، اعتقاد به بهاء الله به عنوان یکی از ضروریات الهی مورد بحث قرار می گیرد. نمازهای پنجگانه به سه بار در روز کاهش می یابد که باید قبل از آن وضو گرفت. قبله، یعنی جهت نماز، به سمت عکا، محل دفن بهاء الله است. سن نماز از 15 سالگی است. قوانین روزه اسلامی ساده تر شده و زمان روزه در آخرین ماه تقویم بهائی (شهر العلا) است که با نوروز ایرانی (21 مارس) پایان می پذیرد. زکات اسلامی ولی به نام حقوق الله، به قوت خود باقی است و 9% از مازاد درآمد را شامل می شود که به بیت العدل پرداخت می گردد. همانا حج، زیارت بیت الاعظم، خانه بهاء الله در بغداد، و خانه سید باب در شیراز، برای تمام مردان واجب است. زنان از این واجب مستثنی هستند. با ساخت مراکز بهائی در عکا و حیفا، مکان زیارت به فلسطین (اسرائیل کنونی) تغییر کرد که بهائیان آن را «زیارت حق» می نامند.

از میان قوانین متعددی که در کتاب اقدس وجود دارد، می توان به موارد زیر اشاره کرد: امانت و پرهیزگاری، صداقت و عدالت، تحریم قتل و آدم کشی، دزدی، نگهداری اسلحه، آتش افروزی، گدایی، تنبلی و بی کاری، قمار، شکار، استعمال مواد مخدر و الکل، ورود به خانه اشخاص بدون اذن دخول صاحبخانه، بوسیدن دست، از ته تراشیدن موی سر، فرو بردن انگشت در غذا، همجنس بازی، زنا و بسیاری دیگر. تحصیل اجباری (همین طور برای دخترها) و تدفین اموات واجب است.⁹⁵ ازدواج⁹⁶ با توافق والدین دو طرف و پرداخت مهریه جایز، و چند همسری ممنوع است. بهاء الله بیشتر از دو همسر را نمی پسندد (در حالی که خود او سه همسر داشت) و در همین حال تک همسری را ترجیح می دهد. طلاق ناپسند شمرده شده ولی ممنوع نیست؛ اما فقط مرد می تواند تقاضای طلاق بدهد. وارث غیربهائی از ارث محروم است. اگر فرزندی نباشد، ارثیه به بیت العدل پرداخت می گردد. نوشتن وصیت نامه بر هر فرد بهائی معتقدی واجب است.

قوانین سازمانی بر پایه نظم الهی است.⁹⁷ قوانین کیفری اصولاً بر پایه جزای تقدی است؛ ولی در مواردی چون قتل، کیفر مرگ هم وجود دارد. در مورد دزدی، کیفر زندان پیش بینی شده که اگر تکرار شود، مهربی بر پیشانی دزد زده می شود.⁹⁸

کتاب اقدس (بنا بر تفسیر شیعی، که بهائیان نیز تحت عنوان حکمت آن را به کار می گیرند)⁹⁹ برای بیش از صد سال به زبان های دیگر ترجمه نگردید¹⁰⁰ تا آنکه در سال 1992 به انگلیسی برگردانده شد. از سال

2000 ترجمه آلمانی آن هم انجام شد. به دلیل وقفه طولانی و مهجور بودن این کتاب، بسیاری از قوانین آن، به خصوص در بخش قوانین حکومتی، قابل استفاده نیست.¹⁰¹ این کتاب حاوی قواعدی برگرفته از وضعیت آشفته اجتماعی دوران حیات و ظهور بهاءالله و بی تناسب با روابط و نظم امروزی است. این مطلب به خصوص در مورد قوانین جزایی آن صدق می‌کند و برای جامعه‌ای است که در آن، از نظرساختار سیاسی، آیین بهائی تحت فشار باشد.¹⁰² به نظر میرسد رهبران بهائی نیز از این مشکلات و تبعات منفی آن آگاه بوده‌اند؛ به همین منظور؛ این کتاب برای مدت زیادی از دسترس عموم خارج بود. (ادو شفر، U.Shaefer, Desinformation als Methode, P.259)

2- 3 - شکوفایی آیین بهائی

در 24 سال آخر عمر بهاءالله در عکا (فلسطین)، موقعیت بهائیان در ایران بهبود یافت. البته هنوز محدودیت‌هایی برای پیروان یک فرقه دینی نشان‌دار وجود داشت و آنها هرگز آزادی کامل دینی پیدا نکردند. در آن زمان (بین 1880 تا 1900) تعداد بهائیان صد هزار نفر تخمین زده شد. ابتدا تبلیغ بر غیرمسلمانان - مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان - متمرکز بود و موفقیت‌های بزرگی نصیب آنها شد.

بهاءالله در عکا، زائران را می‌پذیرفت، ولی بیشتر از طریق کتا بهایش روی آنها تأثیر می‌گذاشت. در این مدت، دشمنی عمیق در برابر صبح ازل باقی بود که با حملات سخت، پرخاش‌های سنگین و تهمت‌های ویرانگر از پا درآمد. در طول این زورآزمایی، از کشت و کشتار نیز دریغ نشد. شانزده ازلی توسط پیروان بهاءالله به قتل رسیدند. در میان آنها حاجی سید محمد اصفهانی¹⁰³، دست راست صبح ازل بود که از طرف بهائیان، به لقب دجال دیانت بهائی ملقب گردید و بهاءالله در کتاب اقدس قتل او را توجیه کرده است. (کتاب اقدس، عبارت 184 و ادوارد ج براون، سفرنامه شخص سیاح، ص 359) ¹⁰⁴

در دنیای غرب که آیین بهائی هنوز گسترش نیافته بود، این جنگ و جدال و زورآزمایی داخلی آشکار نبود. تبلیغ در غرب (ابتدا آمریکای شمالی و اروپا) از اوایل قرن بیستم شروع شد.

3-3 - مرگ بهاء الله ، و جانشینان او

بهاء الله سیزده سال آخر عمر خویش را در خانه خود ، در بهجی، نزدیک عکا به سر برد . او در دوم ذی القعدة 1309 (29 می 1892) در سن 75 سالگی پس از بیماری کوتاهی درگذشت. مراسم خاکسپاری وی در همان روز، در خانه اش انجام شد و مدفنش از آن پس تا کنون قبله بهائیان و مکان زیارتی است.

از بهاء الله چهار پسر و سه دختر باقی ماند. در وصیت نامه خود به نام «کتاب عهدی» پسر بزرگش «عباس» معروف به «عبد البهاء» را به عنوان جانشین و مبین احکام تعیین کرد. پسر کوچک تر او محمدعلی (1853 - 1937) با این حکم مخالفت کرد. او نه با جانشینی، بلکه با تبعات آن، یعنی اختیارات پیامبرگونه برای عبدالبهاء مخالف بود.¹⁰⁵ این دشمنی به شدت اوج گرفت و جامعه بهائی را در شرق و غرب به هم ریخت. خانواده دو قسمت شد، عده زیادی به جانشینی محمدعلی معتقد شدند و با عبدالبهاء به مخالفت برخاستند. این واقعیت که تقریباً تمام خانواده و بسیاری از پیروانی که به بهاء الله نزدیک بودند با عبدالبهاء مخالفت کردند¹⁰⁶، به سبب تفاوت های عقیدتی دو حریف بود¹⁰⁷ و نه قدرت طلبی محمدعلی و آنچه که تاریخ نویسان رسمی بهائی نوشته اند. در اینجا گزارشی از پیروان بی طرف وجود ندارد؛ به طوری که پی بردن به پشت پرده آن وقایع، به سختی قابل بیان است.¹⁰⁸

زمان زیادی این توازن برقرار بود تا وقتی که محمدعلی و پیروانش تصمیم گرفتند که عبدالبهاء و گروه او را از پای در آورند. این درگیری، جدال و کشمکش ده ها ساله بین بهاء الله و صبیح ازل در بغداد و ادرنه را به یاد آورد.¹⁰⁹ این جدال طولانی در سال 1898 به اوج خود رسید و باعث التهاب در جامعه بهائی در ایران، مصر، سوریه و بخصوص در آمریکای شمالی گردید. در اینجا بود که پیشکسوت و پیشقراول معروف بهائی، دکتر جرج ابراهیم خیرالله، پس از بازدید از عکا و به طرفداری از محمدعلی، وارد صحنه شد و عبدالبهاء در سال 1902 شخص قابل اعتماد خود را برای جلوگیری از نفوذ خیرالله به آمریکا اعزام کرد.

4 - عبدالبهاء

1 - 4 - کانون اتحاد و مرکز عهد و میثاق

عباس معروف به عبدالبهاء ، بزرگ ترین پسر بهاءالله بود. او در پنجم جمادی الاولی سال 1260 هجری قمری (23 می 1844) مطابق با روز ادّعی سید باب، در تهران به دنیا آمد. از همان کودکی ، همراه با اعضای خانواده ، مجبور به تحمل تبعید و تعقیب بود. در ادرنه معتمد پدر بود و پدر وی را لقب «آقا» داد و بدین ترتیب، او را از قبل به عنوان جانشین خود در نظر گرفت. در سال 1873 با منیره خانم ازدواج کرد. حاصل این ازدواج دو پسر و هفت دختر بود ؛ که از آنها تنها چهار دختر زنده ماندند.

عبدالبهاء ، پس از درگیری بر سر جانشینی با برادرش محمدعلی¹¹⁰ ، توانست یک آرامش درونی به جامعه بهائی ببخشد. او به سبب بصیرت و رفتار انسانی، توانست بین پیروان، بیشترین شهرت و آبرو را کسب کند و تحت رهبری او بهائیان توانستند ، حتی در میان غیربهائیان، قدر و منزلتی بیابند. بهائیان عبدالبهاء را به عنوان «مرکز عهد و میثاق» می ستایند؛ میثاقی که بهاءالله در «کتاب عهدی» پایه گذاری کرد.¹¹¹ مقام عبدالبهاء برای بهائیان یکی از اسرار الهی است که هیچکس توان کشف و کاوش آنرا ندارد. به همین دلیل، یکی از القاب دیگر عبدالبهاء «سراالله» است. او تنها مبین مصون از خطا و مجاز این امر الاهی است. او نشانه محبوب خدا، پدر پیروان و سرمشق کامل جامعه است. تصویر او را تقریباً در تمام خانه های بهائی می توان یافت؛ در حالی که تصویر بهاءالله زیاد دیده نمی شود و چاپ آن تقبیح شده است.

2 - 4 - ترویج و تبلیغ در شرق و غرب

از بزرگ ترین خدمات عبدالبهاء می توان مسافرت های تبلیغی موفق او به شرق و غرب را نام برد. وی به سبب دوراندیشی و وقوف کامل به فرهنگ غرب، توانست آیین بهائی را با تفکر غربی نزدیک ، و تعالیم این آیین را بر آن منطبق کند. او به این خاطر، تفکرات متعصبانه را کنار گذاشت و از اجرای احکام دینی که در دنیای غرب ناشناخته بود، صرف نظر کرد . تا جایی که آیین بهائی را در چهارچوب وحدت ، خرد ، و مدارا و تساهل محدود کرد. او بیشترین تمرکز تبلیغاتی در غرب را بر این نکته گذاشت که بهاءالله، همان مسیح است¹¹² و دین بهاءالله، طبق مقتضیات زمان بوده و با مطالبات دنیای امروز مبنی بر تطابق دین با علم و عقل همخوانی

دارد. ایده تساوی زن و مرد ، و برنامه الفت و برادری در دنیای بهائی ، که توسط بسیاری با نوعی جهان‌شهرگرایی اشتباه گرفته می‌شود، عامل توجه بسیاری به این دیانت گردید.

آیین بهائی در فاز اول، بیشتر بعنوان حرکتی که تمام مذاهب و ادیان را در بر می‌گیرد، شناخته می‌شود، تا ایینی بر پایه قانون. این آغوش باز جهانی نسبت به مذاهب دیگر تحسین می‌شود؛ نظری که تا به امروز غالب بوده است. در زمان عبدالبهاء، گروههای زیادی در اروپا و به ویژه در آمریکای شمالی، تأسیس شد که در این گروهها ، افراد تحصیلکرده به این تعالیم جدید روی آوردند. با تشکیل جوامع بهائی در هند و آسیای جنوب شرقی، آیین بهائی به تدریج به تمام جهان سرایت کرد. در ایران، که همیشه بیشترین بهائیان زندگی می‌کردند، تعالیم همچنان تحت محدودیت شدید بود. همین محدودیت‌ها ، کم و بیش، در دیگر کشورهای اسلامی دیده می‌شود. در ایالات متحده آمریکا، این عقیده از سال 1893 به خصوص توسط جرج ابراهیم خیرالله تبلیغ شد، کسی که قبل از اختلافش با عبدالبهاء، فعالیت‌های تبلیغی گسترده ای انجام داد و نخستین مراکز و جوامع بهائی را در قاره آمریکا بنیاد نهاد.¹¹³

با فروپاشی حکومت عثمانی و به قدرت رسیدن ترکهای جوان (1918 - 1908) جامعه بهائی در عکا آزادی کامل یافت. عبدالبهاء در همسایگی عکا، در حیفا، مسکن گزید که باعث ایجاد دومین مرکز برای جامعه بهائی شد. او بر روی کوهی به نام کرمل، آرامگاهی (مقام اعلی) ساخت تا جسد باب که تا آن روز در جاهای مختلف به طور پنهانی نگهداری می‌شد، سرانجام در 21 مارس 1909 در آنجا دفن شود.

پس از آنکه عبدالبهاء توانست با آزادی کامل مسافرت کند، بین سالهای 1911 تا 1913 سفرهای متعددی به اروپا و ایالات متحده آمریکا انجام داد. او در شیکاگو سنگ بنای نخستین مشرق الاذکار¹¹⁴ در دنیای غرب را نهاد. سفرهای تبلیغی بسیار موفقیت آمیز بود؛ چرا که هر جا که او می‌رفت، به زودی، جامعه‌ای جدید تشکیل می‌شد.¹¹⁵ در جهت انتشار عقاید، سعی بر این شد که عقاید و ایده‌های بهائی را با عقاید مسیحی سازگار کنند. بدین ترتیب ، تعالیم وام گرفته از اسلام، به طور وسیع، پنهان شد و این مطلب برای اکثر پیروان غربی روشن نیست . او نیز مانند پدر دارای مکتوبات زیادی است و به لطف پیروانش ، نوشته‌های او همردیف نوشته‌های بهاءالله است.

نوشته قابل ذکر او «مقاله شخصی سیاح» در سال 1886 است که تاریخچه دوران بابی و اوایل دوران بهائی است. این کتاب که در بین بهائیان زیاد دیده نمی‌شود، در سال 1891 توسط شرق شناس مشهور، ادوارد براون، به فارسی و همراه ترجمه انگلیسی، به چاپ رسید.¹¹⁶ کتاب معروف دیگر او «النور الابهی فی

مذاوضات عبدالبهاء» گردآوری لورا کلیفورد بارنی است. یکی از مهم ترین آثار عبدالبهاء که به بسیاری از زبان‌ها ترجمه گشته، پاسخ به چند سوال (در انگلیسی، و در آلمانی: پاسخ به سوالات) است. بهائیان آن را یکی از مهمترین منابع می‌دانند.

3-4 - درگذشت عبدالبهاء ، و جانشینان او

عبدالبهاء کمی قبل از مرگ ، مفتخر به دریافت نشانهای افتخار دنیوی شد؛ چرا که او در 27 آوریل 1920 از دولت انگلستان که بر فلسطین حکومت می‌کرد، به خاطر دفاع از منافع بریتانیا در فلسطین و ایران، نشان افتخار دریافت کرد.¹¹⁷ عبدالبهاء یک سال و نیم بعد در 28 نوامبر 1921 در حیفا درگذشت. او در همان آرامگاهی مدفون است که یک سال قبل، در کوه کرمل برای سید باب احداث کرده بود.

بهاءالله در کتاب اقدس و کتاب عهدی معین کرده بود که پس از عبدالبهاء (غصن اعظم)، جانشینی به برادر ناتنی کوچک‌ترش، محمدعلی (غصن اکبر) ، برسد. دشمنی دو برادر مانع از آن شد؛ به طوری که عبدالبهاء در وصیتنامه خود، نوه‌اش شوقی ربانی (معروف به شوقی افندی) را به عنوان جانشین انتخاب کرد و لقب «ولی امرالله» را به او داد. این حکم باعث اعتراض‌های شدیدی شد و محمدعلی و پیروانش آن را رد کردند. مخالفت‌های بیشتری به این جهت بروز کرد و صحت و اصالت وصیتنامه عبدالبهاء زیر سوال رفت. دوباره جامعه بهائی درگیر مناقشه بر سر جانشینی شد و مورد امتحان سختی قرار گرفت.

5 - شوقی افندی ربانی

1-5 - ولی امرالله

شوقی افندی (شوقی ربانی) در 27 رمضان 1314 (یکم مارس 1897) در عکا به دنیا آمد. او پسر بزرگ ضیائییه خانم، دختر بزرگ عبدالبهاء بود. پدرش، میرزا هادی افنان، یکی از خویشاوندان سید باب بود ؛ البته نه از نسب مستقیم او، چرا که تنها فرزند باب در کودکی از دنیا رفت. در وصیت‌نامه عبدالبهاء که در 28 نوامبر 1921 درگذشت ، شوقی 24 ساله به عنوان جانشین تعیین شد.¹¹⁸ در این زمان، شوقی در انگلستان بود و یک ماه بعد به فلسطین بازگشت و در مورد این جانشینی اظهار تعجب، و از وجود ولی‌امرالله اظهار بی‌اطلاعی کرد.¹¹⁹

در رابطه با علنی شدن وصیت‌نامه، اظهارنظرهای متناقضی وجود دارد که به سختی می‌توان آنها را منظم کنار هم چید. پس از آنکه وصیت‌نامه در مجالس خصوصی قرائت و سپس قسمتی از آن مورد اطلاع عموم قرار گرفت، در فوریه 1922 در نیویورک ترجمه انگلیسی آن منتشر شد.¹²⁰ انتشار تمام وصیت‌نامه در اوایل فوریه 1944 (23 سال پس از انتصاب شوقی!) به زبان انگلیسی انجام شد. تا آن موقع فقط نسخه تایپ شده‌ای از آن در دسترس بود.¹²¹ این مطلب و اتفاقات بعدی¹²² این شک را قوت می‌بخشد که وصیت‌نامه تحریف شده است. شکی که تا به امروز نیز مورد ادعاست.¹²³

با اعلام شوقی به عنوان «ولی امرالله»، او خود را در برابر مخالفان سرسختی دید. این مطلب او را وادار ساخت که مدت کوتاهی پس از منصوب شدن به بالاترین مقام جامعه بهائی، اواخر آوریل یا اوایل ماه می 1922، حیفا را به مقصد کوههای آلپ در سوئیس ترک کند و تا آخر سال آنجا بماند؛ اگرچه با وجود مشکلات موجود، حضور او در حیفا کاملاً ضروری می‌نمود. [او در بیان] علت سفر [خود می‌نویسد]: «این خادم... طوری پر از درد و غم، و پیچیده در مشکلات از طرف دشمنان خداست که بر این عقیده ام که وجود من اینجا (حیفا) و در چنین زمانی و چنین فضایی، با وظیفه مهم و مقدس من در تعارض است.»⁷ یازده سال بعد، ولی امرالله در نامه ی 21 مارس 1933، از «سالهای طوفانی، که باعث پرده برداری از یک دستخط مهم (وصیت عبدالبهاء) شده است» یاد می‌کند.

مخالفت با ولی امرالله، شوقی افندی، سالها و دهه‌ها باقی ماند و در سالهای 1941 و 1942 با طرد و تکفیر تمام یا اکثر قریب به اتفاق خانواده بهاء‌الله و عبدالبهاء، این مخالفت‌ها به اوج خود رسید. ولی امرالله برای آنکه بتواند در برابر مخالفان بایستد، در ماه می 1922 دستور سانسور کامل را داد و پیروان را موظف کرد که از الواح وصایا تحت هر شرایطی اطاعت کنند.

2 - 5 - دوران آهنین

پس از نزاع و درگیری به خاطر قوانین جانشینی وضع شده توسط عبدالبهاء¹²⁴، اغلب پیروان ساکت شدند و شوقی افندی هر نوع مخالفتی را ممنوع کرد و اقتدار خود را دیکته نمود. تحت رهبری منسجم ولی امرالله که خود آن را دوران آهنین نام گذاشت¹²⁵، با کمک حربه طرد¹²⁶ مخالفت دشمنان بالقوه و بالفعل بی

اثر گشت. در نوشته‌ها، نامه‌ها و دستوره‌های بسیار زیادی از شوقی افندی، او از پیروان اطاعت بی چون و چرای همیشگی می‌خواهد و آنها را از انشعاب و دو دستگی بیم می‌دهد.

شوقی افندی همیشه به عنوان یک حاکم مطلق العنان عمل می‌کرد، ولی خود را پشت صحنه نگه می‌داشت. هیچ وقت خود را در انظار و عموم ظاهر نمی‌کرد. هیچ وقت سخنرانی نکرد و در هیچ یک از سفرهایش به خارج از کشور، از هیچ جامعه بهائی دیدار ننمود.¹²⁷ به این ترتیب، نزدیکان و اطرافیانش او را بعنوان شخصیت مورد پرستش جلوه دادند و با نام «ولی امرالله دوست داشتنی» خواندند؛ کسی که لقب «پادشاه جهان»¹²⁸ به هیچ وجه برآورده او نبود.

از نظر تولید کتاب او بسیار فعال بود. مشهورترین آثار وی عبارتند از: «نظم بهائی» (1936) - (1929)، «الواح بهاءالله» (1934)، «ظهور عدل الهی» (1938)، «روز موعود فرا رسیده» (1941)، «قرن بدیع»¹²⁹ (1954)، همچنین کتابی تحت عنوان «مطالع الانوار» که «مختصر ترجمه تاریخ نبیل» نوشته نبیل زرنندی (1831 - 1892) است که تاریخ رسمی بابی و اوایل بهائیان می‌باشد.¹³⁰ علاوه بر آن تعداد زیادی نوشته کوچک و نامه وجود دارد که اغلب تحت عنوان «طبق نظر ولی امرالله» نوشته می‌شود.

3 - 5 - پایان دوره‌ی ولی امرالله

شوقی ربانی در 4 نوامبر 1957، به سبب بیماری آنفلوآنزا، در لندن درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد. او پس از مرگش نه ارثی از خود به جا گذاشت و نه کسی را به عنوان «ولی امرالله» به جانشینی خود انتخاب کرد. او از ازدواجش با روحیه خانم نیز صاحب فرزند نشد.

طبق وصیت عبدالبهاء، ولی امرالله باید قبل از مرگش مردی را از سلاله خود به عنوان جانشین معین کند. شوقی این کار را نکرد. او نه کسی را جانشین کرد¹³¹ و نه وصیتی از خود به جا گذاشت. به این ترتیب، او هم به دستور عبدالبهاء بی توجهی کرد و هم به دستور کتاب اقدس¹³² که نوشتن وصیت‌نامه را برای هر بهائی معتقدی واجب کرده است. بخصوص این دستور در مورد چنین موضوع مهمی بیشتر صادق است.¹³³ به این ترتیب، ولی امراللهی با مرگ نخستین کسی که این مقام را دارا بود، پایانی زود هنگام داشت.

پس از صعود شوقی افندی، مجمع ایادیان امرالله که در سال 1950 تشکیل شده بود، رهبری تشکیلات بهائی را به عهده گرفت تا اینکه در سال 1963 «بیت العدل اعظم» متشکل از 9 نفر از بهائیان محافل

ملّی تشکیل شد¹³⁴ سه سال قبل از آن، چارلز میسون ریمی (1874 - 1974) که از سال 1951 رئیس شورای بین‌المللی بهائی بود، مدّعی شد که او باید جانشین شوقی شود. ریمی سعی داشت تا گروهی را (در ایالت متحده، فرانسه¹³⁵ و پاکستان) گرد خود آورد و به همین دلیل از تشکیلات اخراج شد.

گروه بهائیان ارتدکس در اکتبر 1965، «ژول برای مارانزلا»¹³⁶ را به عنوان جانشین شوقی و رهبر خود انتخاب کرد. مرکز این گروه در ایالت متحده است. عده‌ی کمی به این گروه پیوستند و در درون نیز به شاخه‌های دیگری تقسیم شدند. چرا که اشخاص دیگری مدعی مقام ولی امر الهی شدند.

6 - تعالیم بهائی

1 - 6 - تعالیم توحیدی و جهانی

آموزه‌های دینی مربوط به خداوند در آیین بهائی با تعالیم بابی و اسلام مطابقت دارد. خداوند (الله) «علت العلل»، ازلی، علت ازلی هر چیز، «واجب الوجود»، واحد و قائم به ذات است. وجود او کاملاً آن جهانی است و نیازمند دلیل نیست و هیچ‌کس توانایی درک آن را ندارد. ذات خداوند قابل درک نیست، بلکه خداوند را فقط می‌توان از طریق صفات و پیامبران شناخت.¹³⁷ حلول و یکی شدن با خداوند ممکن نیست. خداوند در مقابل جهان، ازلی است و جهان در وجود خداوند هیچ سهمی ندارد. خداوند قبل از جهان و بدون آن وجود داشت. هر تشابهی با خداوند و مخلوقاتش بر خلاف اعتقاد مطلق بودن و توحید خداوند است. همچنین تجسم و تجسد خداوند و پسر خدا بودن مسیح که در اعتقادات مسیحیت وجود دارد، تکذیب می‌شود. جهان وجود، یعنی جهان بی‌پایان، آغازی ندارد. چرا که نام و صفات خداوند، نه خود خدا، به وجود خلق نیازمند است. صفت خالقیت خداوند هم مانند خود خدا، قدیم است¹³⁸. به همین دلیل جهان نیز ابدی است.

مخلوقات به وجود می‌آیند و از بین می‌روند. همه از یک منشأ به وجود می‌آیند. همچنین ماده در اول یکی بوده که به تدریج شکل‌های متفاوت به خود گرفته؛ در حالی که در هر عنصر، ماده اصلی، از جهات مختلف تأثیر پذیرفته است. جهان مادّی از نظر زمان، ابدی، ولی از نظر شکل، جدید است. از به هم پیوستن

عناصر، مخلوقات و اشکال متفاوت به وجود آمدند. زندگی بر روی زمین از ابتدا وجود نداشت، بلکه به تدریج شکل گرفته است.

جهان غیرمادی متفاوت از جهان مادی است. تکامل روح در مقابل نقصان ماده قرار دارد. اولی را نور و دومی را تاریکی می‌نامند. هر مرحله پایین در جهان، در مقابل مرحله بالایی، هیچ است. همین طور وجود موجودات بی روح در مقابل وجود انسان، هیچ است. به همین طریق وجود مخلوقات در مقابل وجود خداوند، هیچ است.

2 - 6 - نبوت

بهایان تعالیم نبوت را هم از اسلام می‌گیرند. از نظر بهائیان وحی الهی در سیکلی بزرگ انجام می‌شود. خداوند همیشه پیامبران یا رسولانی می‌فرستد تا اراده و فرمانهای او را به مردم برسانند. اما این سیکل ارسال رسل نه تنها با محمد (ص) پایان نمی‌یابد (برخلاف اعتقاد قطعی و خدشه ناپذیر خاتمیت در اسلام) بلکه به صورت مداوم در دوره‌های تاریخی ادامه خواهد یافت. طبق این دیدگاه، حضرت محمد ص (خاتم النبیین)، پایان تاریخ پیامبری نیست که پس از او وحی نازل نشود. بلکه پایان یک دوره از نزول وحی الهی است.¹³⁹ واژه‌ی خاص بهائی برای پیامبر الهی ظهور، مظهر و «من یظهره الله» است. پیامبر، تشعشی از خداوند، بهاء (نور) و آئینه (مرآت الله) اوست و آنچه را در آسمان و زمین و بین آن دو وجود دارد، منعکس می‌کند. حلول خداوند در پیامبر مردود بوده، بلکه بین خداوند و رسولانش اشراق وجود دارد.

پیامبران سفیران پیام خداوند هستند. آنها در عرصه‌های مختلف تاریخ ظهور می‌کنند و یک سیکل و دوره‌ی نبوت را به وجود می‌آورند. هر دینی تابع مقتضیات زمان خود است و با آمدن دین جدید، دین پیشین خاموش خواهد شد. مانند یهودیت که با آمدن مسیحیت، و مسیحیت که با آمدن اسلام، پایان یافت. دقیقاً همین مطلب با آمدن بهائیت، برای اسلام و تمام ادیان گذشته صادق است. وجود همزمان چند دین در کنار هم شدنی نیست. در دور هزارساله‌ی کنونی، بهائیت تنها دین راستین مطلق است. پس از آن، دور جدید دیگری خواهد آمد.

یکی از مطالب اصلی تعالیم بهائی، وحی الهی به مردم از طریق انبیاست. هدف این وحی، اعلام امر الهی است. ولی وحی، حادثه‌ای نیست که خود خداوند در آن دست به کار شود و انسان تجسمی از خداوند باشد. وحی در اینجا کتابی است که در آن قوانین الهی جمع شده است. آیین بهائی همان طور که دینی مبتنی بر کتاب

الهی است، دینی مبتنی بر قوانین است که با خداوند دارای رابطه قراردادی است. خداوند با انسان‌ها عهد و میثاق بسته است و به آنها حدود و احکام خود را ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، تصدیق و عمل صالح، هر دو با هم وجود دارند. قوانین شکلی ضروری در روابط بین خداوند و مردم است. کسی که از قوانین سر باز زند، زیانکار خواهد بود؛ چرا که تنها در سایه اطاعت از قوانین است که نظم مورد رضایت الهی تحقق می‌یابد.

3 - 6 - انسان و تقدیر او

انسان، همانند حیوانات و گیاهان، یکی از مخلوقات خداوند است. آنچه او را از دیگر موجودات متمایز می‌سازد، وجود معقول و منطقی روح او است. این بالاترین مرحله در تقدیر انسان است. تنها او می‌تواند خداوند را بشناسد¹⁴⁰ و به او توجه کند و به این خاطر اشرف مخلوقات است. سلامت انسان در اطاعت و اجرای قوانین و تصدیق امر بهاء‌الله است. هنگامی که انسان مطیع امر خداوند شد، تحت میثاق خداوند است که بالاترین نعمت است.

نفس درست در هنگام به وجود آمدن خداوند خلق شد (ازلی است). عوالم قبل، رجعت، تناسخ، و زنده شدن مردگان در روز رستاخیز، وجود ندارد. پس از مرگ، روح به سوی خداوند برمی‌گردد تا نسبت به آنچه انجام داده پاسخگو باشد. برای اعمال نیک، پاداش گرفته و برای اعمال زشت، جزا می‌بیند. فقط خداوند نسبت به اعمال بندگان تصمیم می‌گیرد؛ چرا که او هر چه بخواهد انجام می‌دهد.

ورود روح پس از مرگ به وجود مطلق که نه مکان و نه زمان می‌شناسد، یکی از مراحل تکامل در عقبی دنیای غیرمادی خداوند - است. جهان ابدی، غیرمادی است. بهشت و جهنم، دو واژه‌ی نمادین، برای فهم تکامل و نقصان، است. بهشت یعنی قرب و نزدیکی خدا و همخوانی با اوامرش، و جهنم در جدایی از خداوند و باقی ماندن در این غم خلاصه می‌شود.¹⁴¹

4 - 6 - واجبات دینی

1 - 4 - 6 - نماز

از جمله عبادات دینی محدود نزد بهائیان، به جا آوردن نماز است که در کتاب اقدس¹⁴² آمده است. هر بهائی باید سه بار در روز نماز بخواند: صبح، ظهر و عصر. یک متن برای هر سه نوبت نماز وجود دارد و متنی بلندتر برای به جا آوردن حداقل یک بار نماز در روز. کوتاه‌ترین نماز شامل یک جمله یا آیه است. قبل از نماز باید با شستن دستها و صورت، وضو گرفت. برای اقامه‌ی نماز، حرکات خاصی هم در نظر گرفته شده است. قبله به سمت عکا، آرامگاه بهاء‌الله، است. سنّ نماز برای مردان و زنان 15 سال است. برای بیماران و افراد بالای 70 سال و بانوان، در دوران عادت ماهانه، این واجب برداشته شده است. البته در این دوران، عملی جایگزین پیش‌بینی شده است.

نمازهایی از بهاء‌الله و عبدالبهاء نقل شده، که همه آنها را وحی الهی می‌دانند. کوتاه‌ترین شکل آن که گواهی اعتقاد به بهاء‌الله است، جمله‌ی «یا بهاء‌الله» است. این جمله فرم دیگری از جمله‌ی «الله ابهی» است که در کنار نماز واجب، 95 بار در روز باید گفته شود.

2 - 4 - 6 - آداب غذا خوردن و روزه

در بهائیت چیزی به نام آداب غذا خوردن وجود ندارد؛ به جز اینکه مصرف الکل و مواد روانگردان، غیر از موارد درمانی، ممنوع است. مصرف دخانیات زشت شمرده شده؛ ولی مانند آیین بابی، حرام نیست.

یکبار در سال به مدت 19 روز، روزه در نظر گرفته شده که زمان آن در ماه «علا» (2 تا 21 مارس) قبل از نوروز است. از طلوع آفتاب تا غروب آن، خوردن، آشامیدن و سیگار کشیدن ممنوع است. روزه برای دختران و پسران از 15 سالگی تا پایان هفتاد سالگی واجب است؛ به جز بیماران، مسافران، مادران باردار و شیرده و همچنین زنان در دوران عادت ماهانه.

3 - 4 - 6 - تقویم و روزهای تعطیل

تقویم بهائی به سید باب برمی‌گردد¹⁴³ که در «کتاب الاسماء» آن را آورده است. سال به 19 ماه و هر ماه به 19 روز تقسیم شده که روی هم 361 روز می‌شود. تطبیق آن با سال شمسی، با اضافه کردن ایام «ها» بین ماههای 18 و 19 انجام می‌شود. در سالهای معمولی، ایام «ها» 4 روز و در سالهای کبیسه 5 روز است. شروع تقویم بهائی از سال 1844 (سال بعثت باب) است. سال نو، طبق تقویم ایرانی، از اول فروردین یا 21 مارس شروع می‌شود که مطابق نوروز باستانی ایرانی است. هفته 7 روز است و هر روز با طلوع و غروب خورشید شروع می‌شود و پایان می‌پذیرد. نخستین روز هفته شنبه و آخرین روز آن جمعه است. هفته و ماه بر اساس صفات خداوند نامگذاری شده است.

در تقویم بهائی 9 روز تعطیل جهت جشن و عزا وجود دارد که در این روزها نباید کار کرد. این روزها عبارتند از: اول سال نو ایرانی (21 مارس)، اول ایام رضوان (اول اردیبهشت)، نهم ایام رضوان (نهم اردیبهشت)، دوازدهم ایام رضوان (12 اردیبهشت)¹⁴⁴، بعثت باب (9 جولای)، مرگ بهاءالله (29 می)، شهادت سید باب (9 جولای)، تولد سید باب (20 اکتبر)، تولد بهاءالله (12 نوامبر).

از جمله مهم ترین فعالیتهای جامعه بهائی، «ضیافت نوزده روزه» است. این مراسم در اول هر ماه تقویم بهائی انجام می‌شود و چیزی شبیه «سبت» یهودی و یکشنبه مسیحی است، ولی ربطی به کار کردن ندارد. در این روز، بهائیان به جهت خواندن مناجات، مذاکره در مسائل مهم داخلی جامعه بهائی و دیدار یکدیگر جمع می‌شوند. حضور در این جمع برای بهائیان بالای 15 سال واجب است.¹⁴⁵ البته این وجوب در کتاب اقدس¹⁴⁶ دوباره لغو شده است¹⁴⁷. افراد زیر 15 سال اجازه حضور در ضیافت را دارند؛ ولی غیربهائیان مجاز نیستند¹⁴⁸.

4 - 4 - 6 - مشرق الاذکار

تنها عبادتگاه بهائی، مشرق الاذکار است که در زبان روزمره عمدتاً معبد خوانده می‌شود. اعمالی که در معبد انجام می‌شود، مانند ضیافت نوزده روزه¹⁴⁹ و دیگر مراسم، شامل خواندن مناجات از روی کتب مقدس

[بهائی] است. همچنین در اینجا متن‌هایی از کتب دیگر ادیان هم خوانده می‌شود¹⁵⁰. نماز به جماعت خوانده نمی‌شود؛ چرا که در کتاب اقدس، از آن نهی شده است. مناجات توسط شخصی (غیر رسمی) بدون آلات موسیقی خوانده می‌شود. منبر، تابلوهای زینتی، شمع و از این نوع اشیاء وجود ندارد. تعداد مشرق‌الذکارها در سراسر دنیا بیش از چند عدد نمی‌باشد. قدیمی‌ترین آنها در شیکاگو (ایالات متحده آمریکا) واقع است که خود عبدالبهاء در سال 1912 سنگ بنای آن را گذاشت.

5 - 6 - ازدواج، خانواده، تربیت

ازدواج واجب است؛¹⁵¹ زیرا از طرف خداوند امر شده است. آنچه در کتاب اقدس در مورد وجوب ازدواج نوشته شده «خداوند ازدواج را به شما امر کرده» امروز نفی می‌شود¹⁵² و گفته می‌شود که ازدواج فقط بسیار توصیه شده است.¹⁵³ مرد مجاز به اختیار بیش از دو زن نیست؛ ولی یک زن بهتر است.¹⁵⁴ در کنار آن مرد می‌تواند یک دختر باکره را به خدمت بگیرد.¹⁵⁵ برای ازدواج، رضایت والدین دو طرف الزامی است و مرد ملزم به پرداخت مهریه به زن است. طلاق فقط به درخواست مرد جاری می‌شود. در اینجا به وضوح تساوی حقوق زن و مرد خدشه دار می‌شود.¹⁵⁶ تربیت فرزندان به عهده پدران است.¹⁵⁷ تحصیل (برای دختران هم) اجباری است که شامل تحصیلات مذهبی نیز می‌شود. به ثبات خانواده و تربیت فرزندان بر اساس دستورهای دین تأکید شده است.

6 - 6 - وجوب تبلیغ و برنامه وحدت جهانی

آیین بهائی دینی تبلیغی است.¹⁵⁸ بر خلاف دیانت باب که عمدتاً در ایران و کشورهای اسلامی محدود شده، بهائیان این محدودیت را شکسته و صرف نظر از دین، نژاد و ملیت، خود را بر تمام مردم دنیا عرضه کردند. این اعتقاد در ابتدا از مصر و خاورمیانه شروع شد و خیلی زود به اروپا و آمریکا رسید، جایی که توانست بدون فشار و تعقیب، گسترش یابد. با وجود این، ایران به عنوان مهد امرالله، جایی که بیشتر بابیان به دین جدید بهاءالله گرویدند، باقی ماند؛ در حالی که مرکز روحانی در خارج (فلسطین) متمرکز بود، این موضوع تأثیری منفی بر جای نگذاشت. وجود مقر در عکا و حیفا بسیار مفید و سودمند به نظر می‌رسید. زیرا فلسطین وطن یهود، مسیحی و اسلامی بود و از هر جای دنیا زائر داشت.¹⁵⁹

بهاء‌الله خود را نه مجدد اسلام، بلکه حامل پیام جدید از خداوند معرفی می‌کرد. او نه تنها موعود اسلام، بلکه ظهور خداوند در هزاره کنونی است. بشریت به اطاعت از این موعود و ظهور دعوت شده؛ [دعوتی] که بدون آن جهان از دست خواهد رفت.¹⁶⁰ به همین جهت و از آنجا که در آیین بهائی طبقه روحانی وجود ندارد، تبلیغ وظیفه‌ی هر فرد معتقد است. هدف نهایی بهائیان ایجاد یک نظام جهانی دینی در چارچوب یک دولت جهانی بهائی است که وحدت تمام دنیا را در پی خواهد داشت؛¹⁶¹ ولی این نیت روحانی، برای اکثر پیروان واضح و روشن نیست و رهبران بهائی در جهت تحقق این هدف بسیار محافظه کارانه عمل می‌کنند. در نوشته‌های بهائی از طرح واژه روحانی پرهیز شده و به جای آن از اتحاد نامشخص و مبهم دین‌ها و تمام مردم سخن رفته است. «از آنجا که نظام‌های حکومتی موجود فاقد راهبرد الهی/دینی هستند و با ایده‌ی وحدت عالم بشری در تعارض هستند، وجود یک مظهر الهی و قانون الهی جان بخش ضروری است.» «جایگزینی یک چیز بهتر و خراب نکردن شیء قبلی، مفهوم این شعار است.» جهان باید توسط نظم نوین بهاء‌الله تغییر کند و به اتحاد جهانی برسد. «به زودی این نظم کنونی برچیده خواهد شد و نظمی نوین شکوفا خواهد گشت.» بهاء‌الله.¹⁶²

7-6 - تعالیم دوازده گانه

در رابطه با وحدت جهانی، آیین بهائی دوازده اصل را بیان می‌کند که تا حد زیادی خط فکری و اعتقادی این آیین را نشان می‌دهد:

1 - وحدت عالم انسانی

2 - تحری حقیقت

3 - وحدت اساس ادیان

4 - دین باید سبب اتحاد و الفت بین انسانها شود

5 - دین باید مطابق عقل و علم باشد

6 - تساوی حقوق رجال و نساء

7 - ترک تعصبات (پیش داوری از هر نوعی ممنوع است)

8 - صلح جهانی

9 - تعلیم و تربیت همگانی

10 - تعدیل معیشت اقتصادی و از بین بردن فقر

11 - زبان و خط واحد همگانی در جهان

12 - محکمه کبرای جهانی

این فرامین و تعالیم که خیلی ساده بیان شد، عقیده بهائیان و برنامه جهانی آنهاست؛ هرچند که بسیار کلی گفته شده و جزئیات این برنامه‌ها بیان نشده است و منتقدین آن را «مجموعه ای از آرزوهای دینی» و «توهّمات کلی و تهی» نامیده‌اند¹⁶³. ولی این اصول در تعالیم بهائی باعث بازتاب گسترده ای شده و تصویری از تعالیم فراعقیدتی و پیشرفته به وجود آورده که خود را موظف به اصل وحدت می دانند. علیهذا هدف بهائیان [برپایی] نظامی دینی و قوانین مذهبی جهانشمول است که کمتر به آن اشاره شده و این مطلب در تبلیغات مذهبی نیز از قلم افتاده است.

7 - نظم اداری بهائی

سال 1921 آغاز دوره جدیدی برای این بهائی بود. با مرگ عبدالبهاء «عصر رسولی» به پایان رسید و «عصر تکوین» که شوقی آن را «عصر آهنین» نامید، شروع شد¹⁶⁴. بهاء‌الله و (طبق تصور رایج) عبدالبهاء، رسالت خود را بر اساس قدرت خداوند اعلان کردند¹⁶⁵، بدین ترتیب یک واسطه نیاز است که این عقیده را به آیندگان برساند. این عقیده، آغاز تثبیت عقیده متعصبانه نظم اداری در جامعه بهائی است.

1 - 7 - جایگاه قوانین و حقوق در آیین بهائی



جامعه بهائی مبتنی بر نظامی قانونمند اداره می شود و اجرای قانون در آن الزامی است. ادو شیفر، حقوق دان بهائی می نویسد: «قوانینش معتبر است... نه به خاطر منطقی بودنش، بلکه به خاطر تطابق با زندگی، قدرتمند است.»¹⁶⁶

تبعیت از این قواعد، تنها به صلاحدید پیروان گذاشته نشده، بلکه بیشتر مقتدرانه است و بدون توجه به خواسته های فرد وضع شده اند. این قوانین، عمومی و فقط برای یک منظور خاص نیست. در این قواعد، نه زور... و نه التزام به عمل وجود دارد. جامعه بهائی، با اعضا و جوارح خود به این قواعد معتقدند و باید مراعات کنند.¹⁶⁷ و توسط جامعه غیرقابل تغییر می باشند.¹⁶⁸

قوانین و حقوق بهائی، قوانین و حقوق الهی است. به عنوان مرجع قوانین، هرکدام به تنهایی موضوعیت دارند.

این قوانین سه نوع اند:

(1) قانون الهی که با وحی نازل شده است؛

(2) قوانین واسطه ای خداوند که توسط بیت العدل وضع شده اند؛

(3) قوانین انسانی.

قانون و حقوق دینی ناشی از وحی است. در کنار وحی، مکتوبات عبدالبهاء (در نخستین خط وصیت او)¹⁶⁹ به عنوان الهام خداوندی معتبر است¹⁷⁰ و همچنین به عنوان مرجع تشخیص قوانین اعتبار دارد. قوانین غیر مستقیم الهی که توسط بیت العدل اعظم¹⁷¹ وضع می شود، دارای اقتدار الهی و بدون خطا می باشد. قوانینی که از طرف بیت العدل وضع می شود، از طرف خداوند است.¹⁷² و در مرحله سوم حقوق موضوعه و مدون بشری، که از طرف جوامع و مجالس ملی و محلی کشورها وضع می شود؛ قرار میگیرد.

از آنجا که حقوق دینی (بهائی) ذاتاً خدایی است، در مقابل قوانین سکولار، قرار دارد و این قوانین را نمی پذیرد. به همین دلیل قوانین دنیوی یا دولتی از نظر آیین بهائی مرجع و الگو نیستند¹⁷³ قوانین بهائی بدون

در نظر گرفتن ملیت و وطن، در تمام کشورها گسترش یافته است. نظم اجتماعی یا قوانینی که در دین ریشه نداشته باشد، پذیرفته نیست. دایره قوانین بهائی، پیروان دیگر ادیان را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا قوانین الهی برای همه انسان‌هاست.¹⁷⁴ حقوق عرفی و سنت در آیین بهائی وجود ندارد.

2- 7- انحصارطلبی در نظم اداری

بهائیان نظم اداری خود را (اصطلاحی که بهائیان به سازمان و تشکیلات دینی خود داده‌اند)¹⁷⁵ الهی و ماوراءالطبیعی می‌دانند.¹⁷⁶ به همین دلیل کامل و منحصر به فرد است. این تنها دین الهی است که حتی پس از نابودی نظام، پیروان سردرگم دین از هم پاشیده را متحد می‌سازد.¹⁷⁷

تأکید بر مطلق و منحصر به فرد بودن نظم اداری بهائی در کتب بهائی نه تنها موجود است، بلکه موضوع غالب مباحث آنهاست. نظم اداری پایه و وسیله حاکمیت قانون الهی بر روی زمین است. به همین دلیل، تنها یک جامعه و قانون نظام مند الهی می‌تواند وجود داشته باشد. هیچ یک از نظام‌ها و سیستم‌های گذشته و کنونی، دنیوی و دینی، از عهده آن بر نیامده‌اند.¹⁷⁸ تنها آیین بهائی می‌تواند نجات بخش باشد. به همین دلیل بهائیان بر اتحاد تمام انسانها تأکید دارند.¹⁷⁹

عضویت همزمان در یک دین دیگر و هر نوع فعالیت سیاسی نهی شده است.¹⁸⁰ انتظار می‌رود در نظم اداری بهائی پیوند کامل وجود داشته باشد؛ زیرا ویژگی منحصر به فرد آیین بهائی، ادیان، تشکیلات و نظامات دیگر را پس می‌زند.¹⁸¹ شوقی افندی هشدار می‌دهد: «یا باید امر را بدون هر گونه قید و شرط بپذیریم یا از بهائی بودن دست بکشیم»¹⁸² به همین دلیل، تشکیلات اداری از پیروان انتظار اطاعت محض و بی چون و چرا دارد.¹⁸³ سرپیچی و مخالفت باعث محرومیت از حقوق اداری (طرد اداری)¹⁸⁴، و یا در صورت ترک جامعه، منجر به طرد روحانی می‌شود، عملی که در طول تاریخ کوتاه این تشکیلات بارها رخ داده است.

با طرد، نه تنها عضویت فعال، بلکه عضویت غیر فعال نیز لغو می‌شود. موضوعی که در نظم الهی (اتحاد دین، دولت و جامعه) به معنی از دست دادن «شخصیت»¹⁸⁵ و به تبع آن، محرومیت از کلیه حقوق اجتماعی می‌شود. در همان حال، تمام ارتباطات خانوادگی قطع می‌شود تا جایی که ارتباط با نزدیک‌ترین افراد خانواده ممنوع می‌شود همچنین، رفت و آمد با طرد شدگان نیز ممنوع است.

3- 7 ساختار نظم اداری

1- 3- 7 ولی امرالله

در نظم اداری بهائی، ولی امرالله در بالاترین مرتبه قرار دارد. او رئیس مقدس جامعه، آیت خداوند و سنگ اصلی نظم اداری امر بهاءالله است. نام کامل او «ولی امرالله» یا «نگهبان دستورهای الهی» است. او مفسر مجاز کتاب آسمانی است، ضامن اتحاد جامعه، و تنها نهاد مسئول و مختار است که حقیقت ایمان را بدون اغماض، در درون تک تک پیروان در می‌یابد.¹⁸⁶

عبدالبهاء (1844 - 1921) در وصیت نامه خود، شوقی ربانی¹⁸⁷ 24 ساله را به عنوان نخستین ولی امرالله تعیین کرد. او اختیارات بی نظیر و بی چون و چرایی به شوقی بخشید که در تاریخ ادیان مشابه ندارد.¹⁸⁸

ولی امرالله در نقش خود به عنوان رئیس جامعه و تنها قدرت بی چون و چرأ، ریاست بیت العدل جهانی¹⁸⁹ را نیز به عهده دارد (البته در زمان شوقی افندی بیت العدل جهانی هنوز وجود نداشت). او مسائل مربوط به پیروان را کنترل و فعالیتهای اداری و تبلیغی جامعه را تعیین می‌کند. بالاترین وظیفه ولی امرالله که حق منحصر به فرد اوست، تفسیر و تبیین نصوص دینی است. یک بهائی در این مورد هیچ حقی ندارد. ولی امرالله تنها نهاد مسئول و مقتدر است. او تعیین می‌کند که به چه چیز باید ایمان داشت.¹⁹⁰

تصمیمات او از آنجا که مصون از خطاست، برای تمام اعضای جامعه فصل الخطاب است. آنچه او تصمیم می‌گیرد، از جانب خداوند است و هر کس از او اطاعت نکند، از خداوند اطاعت نکرده است.¹⁹¹ تصمیم ولی امرالله از نظر اغلب جوامع بهائی قطعی و لازم الاتباع قلمداد می‌شود.¹⁹² این تصمیمات غیرقابل تغییر و برای تمام زمانها معتبر می‌باشند.¹⁹³

جانشینی ولی امرالله از طریق قانون به فرزند ذکور ارشد میرسد. ولایت انتخابی نبوده، بلکه به نخستین فرزند ذکور به ارث میرسد. شوقی افندی نخستین ولی امرالله جامعه بهائی، در اواخر سال 1957 درگذشت. او نه جانشینی انتخاب کرد و نه وصیت نامه ای باقی گذاشت.¹⁹⁴ در نبود وارث ذکور برای شوقی افندی، این ارثیه و سمت ولی امراللهی، با مرگ نخستین ولی امر متوقف شد.

2- 3- 7- ایادی امرالله

موسسه ایادی امرالله به زمان بهاءالله باز می‌گردد. چند نفر از پیروان شایسته دریافت این لقب بودند. از آنجا که این لقب نه در کتاب اقدس و نه در هیچ جای دیگری عنوان نشده، به عنوان یک نهاد حقوقی که از طرف مظهر امر مطرح شده باشد، نبوده و فقط جنبه لقب دارد. برای نخستین بار در وصیتنامه عبدالبهاء، به ایادیان امرالله نقش حقوقی داده شد و در نظم اداری به آنها وظایف زیادی واگذار شد.

وظیفه ایادیان شامل نشر نفعات الله، یعنی هماهنگی و هدایت تبلیغ جهانی می‌شود. بدین ترتیب، آنها موظف به وظایفی شدند. نهاد ایادیان امرالله نیز سازماندهی الهی دارد.

همانند ولی امرالله، پروسه انتخابات برای ایادیان وجود ندارد و صرفاً انتصابی است. این انتصاب توسط ولی امرالله انجام می‌شود. این انتصاب چنانچه لغو نشود، مادام العمر است. این لقب به ارث نمی‌رسد. ایادیان امرالله مستقیماً زیر نظر ولی امرالله هستند و فقط به ولی امرالله پاسخگو می‌باشند.

در کنار نشر و تبلیغ، از دیگر وظایف ایادیان حفاظت و صیانت از امر است. همانند ولی امرالله، اختیار طرد و تکفیر به ایادیان نیز واگذار شده است. عدم وجود جانشین برای ولی امرالله به معنی پایان وجود ایادیان امرالله با مرگ آخرین آنهاست. از مشهورترین ایادیان امرالله، خانم مری مکسول ساترلند (1910 - 2000) بیوه شوقی افندی بود که در میان بهائیان به روحیه خانم مشهور است.

3- 3- 7- بیت العدل اعظم جهانی

بالاترین نهاد قانونگذاری، اجرایی و قضایی در میان بهائیان، بیت العدل اعظم جهانی است که قبلاً بیت العدل بین المللی خوانده می‌شد. نشر جهانی عقاید (و نه حق تفسیر وحی الهی)¹⁹⁵ و حق طرد ناقضین عهد و میثاق از وظایف و اختیارات این نهاد است.

در هیچ یک از کتابهای بهاءالله به چنین مقام بالایی اشاره نشده است.¹⁹⁶ او همیشه از نام بیت العدل برای مؤسسات محلی استفاده می‌کرد. این نشان می‌دهد که بهاءالله وجود چنین مقام بالایی را پیش بینی نکرده بود.¹⁹⁸

نخستین بار از بیت العدل بین المللی در آثار عبدالبهاء نام برده شده است و تأسیس آن به 21 آوریل 1963، نخستین روز عید رضوان (13 جلال 119 بدیع) شش سال پس از مرگ شوقی افندی بر می‌گردد. این

مؤسسه از 9 عضو مرد (زنان حق عضویت در بیت العدل را ندارند) تشکیل می‌شود که هر پنج سال یکبار توسط نمایندگان محافل روحانی ملی بهائی انتخاب میشوند. مقر آن در حیفا (اسرائیل) است.¹⁹⁹

بیت العدل اعظم به عنوان بالاترین مقام جهانی بر بسیاری از امور جامعه بهائی نظارت دارد؛ در حالی که این دو موضوع در مورد محافل ملی و محلی صدق نمی‌کند. از نظر بهائیان تصمیمات این نهاد عاری از خطا و اشتباه است. سرپیچی از این نهاد به معنی نقض قوانین تشکیلات و باعث طرد و اخراج از جامعه بهائی خواهد شد. بیت العدل آخرین پناه تمدن درهم شکسته، و تنها نهاد بدون اشتباه و مصون از خطای جهانی است که همه باید از آن اطاعت کنند.²⁰⁰

4 - 3 - 7 - بیت العدل ملی

بیت العدل ملی یا مرکزی نیز مانند بیت العدل جهانی توسط خود بهاء الله وضع نشده بود. اولین بار در الواح وصایای عبدالبهاء از آن نام برده شده است. در آنجا او از اعضای محفل ملی صحبت می‌کند. بیت العدل ملی، «محفل روحانی ملی» نیز خوانده می‌شود. نام واقعی آن زمانی مشخص شد که نشرو تبلیغ عقاید و تثبیت سازمانی در جامعه بهائی پیشرفت کرد. محفل روحانی ملی از نه عضو تشکیل شده است (زنان نیز حق ورود دارند) و هر سال توسط کانونشن ملی انتخاب میشوند.

محفل روحانی ملی بالاترین مقام قانونگذاری، اجرایی و قضایی یک کشور است. این محفل از امداد الهی بهره می‌برد و ارشادات آن در یک فضای روحانی خالص و پر از فداکاری انجام می‌شود.²⁰¹ پیروان باید مطیع محض دستورهای محفل ملی باشند.²⁰² محفل روحانی ملی بر محافل محلی احاطه دارد و در عین حال، بر عضویت اعضای محافل محلی نظارت می‌کند.²⁰³ این محفل همچنین بر صندوق تبرعات ملی (کمکهای مالی داوطلبانه بهائیان به تشکیلات و جامعه بهائی) نظارت و به اختلافات میان بهائیان رسیدگی می‌کند. این محفل حق دارد در مصوبات اشتباه و خلاف محافل محلی دخالت نماید. همچنین حق دارد در مورد تسجیل (عضویت رسمی فرد در جامعه بهائی) پیروان نظر دهد و یا عضویت آنها را لغو کند.²⁰⁴ طرد روحانی و اداری به عهده بیت العدل اعظم می‌باشد (قبلاً توسط ولی امرالله و ایادیان امرالله انجام می‌شد).

5- 3- 7- بیت العدل محلی

بیت العدل محلی تنها مؤسسه اداری - روحانی است که توسط بهاءالله پیش بینی شده است. تأسیس چنین مؤسسه ای در کتاب اقدس²⁰⁵ امر شده که البته بدون کلمه «محلی» و فقط به نام بیت عدل بیان شده است.²⁰⁶

بهاءالله مقرر کرده بود که در هر کجا که حداقل نه بهائی زندگی می کنند، یک بیت عدل تأسیس شود. تأسیس چنین محفلی در زمان زندگی عبدالبهاء انجام شد، و به نام «محل روحانی» نامگذاری گردید. تشکیل یک محل روحانی نشان دهنده تثبیت جامعه بهائی است. انتخابات محافل محلی هر سال در نخستین روز عید رضوان (21 آوریل) انجام می شود. محل از نه نفر تشکیل می شود (زنان نیز می توانند انتخاب شوند). محل روحانی عهده دار سرپرستی، قانونگذاری و امور قضایی در جامعه بهائی است.

وظایف محل محلی در قدم اول شامل تشکیل جلسات و ضیافات 19 روزه، جشنها، سالروزها، نحوه مصرف درآمدهای محلی، تربیت دینی کودکان و غیره می شود.

انجام امور قضایی تا امور شخصی و مدنی پیروان نیز کشیده می شود. دستورهای محل باید اطاعت شود. در صورت بروز تخلف نباید به دادگاههای محلی در شهر رجوع شود، بلکه به محل روحانی مراجعه می گردد²⁰⁷ و در کل، هیچ کاری بدون تأیید آنها نباید انجام شود.²⁰⁸ تصمیمات محل مانند تصمیمات محل ملی،²⁰⁹ الهام شده از سوی خداوند است.²¹⁰ به همین نحو در اینجا نیز، بهائیان باید بدون چون و چرا از محل تبعیت کنند.²¹¹

8- آیین بهائی در جهان

1- 8- دین سالاری و حکومت دینی جهانی

آیین بهائی یک هدف دینی را دنبال می کند: خداوند جهان را آفریده تا جوامع اجتماعی و دینی به وحدت برسند. مخاطب نه افراد جامعه بهائی، بلکه تمام انسانها هستند. سعادت آنها در گرو پیروی از دستورات خداوند است. بنابراین، عملکرد دین، نظم دادن به تمام ارکان بشریت است.

در این سیستم، نه عشق، بلکه حق و عدالت مبنای پاداش و کیفر، زیربنا و اصول نظم جهانی الهی است.²¹² سرچشمه و منبع قواعد اخلاقی تنها در قوانین آسمانی است. توانایی و استقلال انسان در تشخیص مستقل خوب از بد، نفی شده است.²¹³

آیین بهائی به جدایی دین از حکومت معتقد نیست،²¹⁴ و به تبع آن مدل اجتماعی سکولار و پلورالیستی (قبول و تحمل عقاید دیگران) را رد می‌کند. آیین بهائی خود را نسبت به نظم حکومتی و قوانینش موظف می‌داند، در حالی که اشتغال فعال در سیاست را نهی می‌کند،²¹⁵ چرا که با روح عشق کاملاً در تضاد است.²¹⁶ بهائیان بر این اعتقاد نیستند که یک نظم نابود شده را حفاظت یا احیا می‌کنند. بهائیان در اکثر اجتماعات دینی جهانی و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی شرکت می‌کنند و در این مواقع به معرفی، تقویت و گسترش پرستیژ خود می‌پردازند. اما در اصل این پیام را می‌دهند که تمام نظام‌های غیربهائی، موسسات، نظام‌ها و برنامه‌ها، با اهداف پیام جدید خداوند در تقابل‌اند و به همین دلیل، در پایه ریزی یک نظم نوین جهانی، طبق آنچه آیین بهائی می‌گوید، ناتوان هستند. هدف بهائیان لغو و براندازی نظم ملت - دولت حاضر و تأسیس یک نظام جهانی مشترک المنافع بر پایه اعتقادات بهائی است.²¹⁷

ولی ضعف حکومت مرکزی جهانی آنجا خود را نشان می‌دهد که در اقتصاد، تجارت و تربیت، و هدایت و کنترل مرکزی مغلوب می‌شود. یکی از اهداف اصلی بهائیان، ویژگی اقتصادی جامعه مشترک المنافع بهائی است.²¹⁸ جامعه بهائی باید هم از نظر اجتماعی و سیاسی، و هم از نظر اقتصادی به حکومت برسد. جهانی سازی تجارت و صنعت... فرجام منطقی آنهاست.²¹⁹

اگر لازم باشد، تولید و صنعت و تجارت باید توسط دولت انجام شود. اعتصاب ممنوع است. طبق آثار بهاءالله در رابطه با کار، کار هر قدر هم سطح پایین و کم ارزش باشد، باید به آن افتخار کرد.²²⁰ «چرا که رابطه نزدیک دین و اقتصاد مورد توجه است»²²¹ «وحدت اقتصاد جهانی از طریق یک سیستم متمرکز، از طریق راه‌اندازی نظامات جهانی سازی، تسریع می‌شود.»²²²

ادوشر معتقد است که آیین بهائی در جهت تحقق ساختار و نظم جدید، به معنای واقعی رادیکال است. آیین بهائی رادیکال‌ترین جنبشی است که امروزه وجود دارد.²²³ البته رادیکال بودن را در روش نفی می‌کنند، ولی در هدف گذاری خیر. بهائیان بر این باورند که سیستم قدیمی و پوسیده دولت - ملت بدون کمک آنها، مانند

یک میوه فاسد از بین خواهد رفت و آنها وظیفه خود را «تأسیس یک نظم جهانی جدید، و حاکمیت و فرمانروایی از طرف خداوند می‌دانند»²²⁴

این نظم جدید جهانی در یک ترکیب سست، یا مجموعه ای از حاکمیت‌های دولت - ملت به صورت فدراسیون و مشترک المنافع دیده نشده است (حتی اگر این مضمون به صورت تبلیغاتی مورد استفاده قرار گیرد یا خیلی از پیروان، از روی نادانی، از هدف گذاری واقعی چنین تصویری داشته باشند).

بهائیان طرفدار اتحادی شامل دولت‌های غیر معتقد به آیین بهائی و یا وحدت و برادری جهانی بر پایه عشق به خداوند نیستند؛ بلکه خواهان ایجاد یک دولت جهانی بهائی، و تحقق و اجرای جهانی قوانین دینی و اداری بهائی می‌باشند.²²⁵ حتی امروزه بهائیان سیستم و نظم خود را به عنوان نطفه و مرحله جنینی نظم جهانی آینده²²⁶ دانسته و بیت العدل جهانی²²⁷ را بعنوان بالاترین نهاد مسئول حاکمیت در دنیای متحد آینده می‌دانند.²²⁸ بیت العدل قانون را تصویب و دولت آن را اجرا می‌کند.²²⁹

2- 8 - رابطه با ادیان دیگر و موضوع تساهل و مدارا

بهائیان وانمود می‌کنند که به وحدت ادیان معتقدند و وحدت انسان‌ها و ادیان در بالاترین جایگاه قرار دارد. از آنجا که خداوند یکی است، پس مخلوقات او (انسان‌ها) یک واحد را تشکیل می‌دهند و فقط یک حقیقت تفکیک ناپذیر وجود دارد. تفاوت در ادیان مانع اتحاد نیست. تمام ادیان از نظر بشارت پیام الهی یکسان‌اند.

ادیان فقط از نظر شکل تاریخی و نحوه بیان پیام - که آن هم به خاطر چگونگی روند شکل گیری فرهنگی آنهاست - با هم متفاوت‌اند. به این ترتیب، آیین بهائی خود را به عنوان دین بردبار و با مدارا می‌شناساند که در آن تمام ادیان، به عنوان ادیان الهی به رسمیت شناخته می‌شوند.

با وجود این، آیین بهائی به همزیستی ادیان مختلف در کنار هم معتقد نیست. آنها معتقدند وحی الهی جدا از تاریخ نازل نشده، بلکه در دوره تاریخی معلوم و معین صورت گرفته است. تمام ادیان از طرف خداوند هستند، ولی آن حقیقت فراگیر الهی، همیشه در یک چارچوب تاریخی محدود قرار دارد. هر دور ارسال رسل با توانایی یا بلوغ روحی انسان‌ها در زمینه تاریخی - فرهنگی معاصر خود تطابق دارد. چنانچه بر اثر تحول

روحانی این مقتضیات تغییر کند، خداوند یک دین جدید نازل خواهد کرد که با فهم جدید و مقتضیات جهان در حال تغییر مطابقت داشته باشد.

به این ترتیب، تعالیم قدیمی - با وجود آنکه در دوره خود الهی بودند - اعتبار خود را از دست می‌دهند. فقط یک حقیقت می‌تواند وجود داشته باشد. وجود همزمان حقایق مختلف غیرممکن و محال است. در عصر حاضر، خداوند در بهاءالله تجلی یافته است که به معنی فرجام و پایان تمام مراتب دینی گذشته است. بدین ترتیب تمام ادیان گذشته منسوخ شده‌اند. به دلیل چنین طرز تفکر انحصارطلبانه‌ای، ثابت می‌شود که آیین بهائی دین بردباری و وحدت در کثرت نیست.

بردباری در میان بهائیان همواره و صرفاً یک بردباری ظاهری بوده است. آیین بهائی تنها یک بردباری تشریفاتی را نسبت به عقاید دیگر ادیان داشته و آزادی دینی ظاهری به دیگر ادیان تفویض کرده است. دیانت بهائی نسبت به بردباری عمیق و واقعی، که شامل گذشت و رواداری و تسامح نسبت به اعتقادات دیگران باشد، بیگانه است. زیرا آنها نسبت به عقاید دیگران ارزش حقیقی و مشابه عقاید خود قائل نیستند و عقاید دینی موازی در کنار هم را نفی می‌کنند. به همین ترتیب، بهائیان در میان خود نیز دارای چنین تساهل و شکیبایی نیستند. چرا که آنها عقاید گوناگون داخل جوامع بهائی را نیز بر نمی‌تابند و چنین افرادی را طرد می‌کنند.

به رسمیت شناختن ادیان گذشته توسط دین جدید، موضوع تازه‌ای نیست؛ بلکه از اسلام گرفته شده که عقاید و تعالیم یهودی و مسیحی را مقدم بر بعثت اسلام می‌داند. [در اسلام] مسیحیت و یهودیت از آنجا که دارای کتب الهی هستند (اهل کتاب)، محترم شمرده شده و مورد شکیبایی و احترام قرار می‌گیرند.

در میان بهائیان، علاوه بر آن، دین‌های زرتشتی، هندوئیسم و بودیسم نیز به عنوان ادیان الهی به رسمیت شناخته شده‌اند. صحت پذیرش هندوئیسم و بودیسم از سوی بهاءالله، جای سؤال است و در هیچ یک از کتابهای او صحبتی از آنها نشده است. همچنین هیچ یک از ادیان شرق دور، به معنی واقعی، دارای کتاب نیستند، زیرا در هیچ یک از آنها صحبتی از وحی الهی و کلام الهی نیست.

بنا به نظر بهائیان، هندوئیسم، دین نیست بلکه تلفیقی از یکتاپرستی، چندخدایی و نیروهای مرکب و مختلف است که برخی هم اصلاً الهی نیستند. بودیسم هم که کاملاً دین بی‌خدایی است. بودا، نه خدا، نه پیامبر، نه گیرنده و نه بشارت‌دهنده فرمان الهی است. بودیسم یک عقیده بی‌خدایی است که با توجه به تعالیم و موازین بهائی باید ابتدا دین بودن خود را ثابت کند تا وصله الحادی بودن از روی آن برداشته شود.

البته ذکر بودیسم و هندوئیسم در ردیف ادیان و ارسال رسل به این جهت است که تعداد پیامبران در این ردیف به عدد نه²³⁰ (عدد مقدس بهائیان) برسد. لذا این دو تعلیم شرق دور نیز جزو ادیان توحیدی و آسمانی به شمار آمده است.

3 - 8 - گسترش

آیین بهائی و قبل از آن آیین بابی، در ایران ریشه دارند. بهائیان ادعا می‌کنند که با 300000 پیرو (یا به عبارت دیگر 0.4 درصد از کل جمعیت) بزرگ‌ترین اقلیت دینی ایران را تشکیل می‌دهند.* در اوایل قرن بیستم، این عقیده در دیگر نقاط خاورمیانه، و سپس در اروپا و امریکای شمالی، و خیلی زود در آسیا (هند، برمه، ویتنام) گسترش یافت. آیین بهائی هیچ‌گاه در ایران رسمیت نیافت. تنها در بعضی موارد درباره آن سکوت اختیار شد. با انقلاب شیعی آیت الله (امام) خمینی (اوایل 1979) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه بهائی در موطن خود مورد آزمایش سختی قرار گرفت و با مشقت مداوم مواجه شد. در دیگر کشورهای اسلامی نیز وضعیت بهائیان به همین صورت بود.

ورود به جامعه بهائی آسان است. امضا یا اثر انگشت مبنی بر قبول بهاءالله به عنوان «مظهر الهی» کافی است. این اقرار بعد از پانزده سالگی معتبر می‌باشد. غسل تعمید یا چیزی شبیه به آن وجود ندارد. تنها چیزی که لازم است این است که از فرد می‌خواهند به خاطر وحدت تمام ادیان، به دین جدید روی آورد و از دین قبلی خود برگردد.²³¹ خروج از جامعه هم آسان است و با اعلام به محفل روحانی ملی وقت انجام می‌شود. بسیاری از بهائیان به خاطر کناره‌گیری یا بیزاری درونی، بدون اعلام رسمی، از جامعه بهائی خارج شده‌اند.

بهائیان آمار پیروان خود را از طریق محافل محلی می‌گیرند. طبق آمار سال 2001 در جهان 11470 محفل محلی و 182 محفل ملی بهائی وجود دارد. طبق آمارمنتشره از سوی بهائیان در ویکی پدیا (دائرةالمعارف اینترنتی به زبان انگلیسی) بیش از 5 میلیون بهائی در جهان زندگی می‌کنند (آمار سال 2006).

طبق آمار ویکی پدیای آلمانی زبان (2009) در سال 2008، هفت میلیون و هشتصد هزار بهائی در جهان زندگی می‌کنند که از این تعداد دومیلیون و یکصد هزار نفر در قاره آمریکا، سه میلیون و هفتصد هزار نفر در آسیا، 148 هزار نفر در اروپا، 851 هزار نفر در امریکای لاتین، 857 هزار نفر در امریکای شمالی و 133 هزار نفر در اقیانوسیه²³² زندگی می‌کنند. فقط در هند بیش از دو میلیون نفر بهائی زندگی می‌کنند.²³³

روزنامه تایمز آلمانی زبان (لندن 2008) آمار 6.4 میلیون پیرو را اعلام کرده است. دیگر منابع، آمار به مراتب پایین تری را اعلام می‌کنند. به عنوان مثال؛ دائرة المعارف شرق، دو تا پنج میلیون پیرو در جهان تخمین می‌زند: "امروزه دو تا پنج میلیون بهائی در جهان زندگی می‌کنند" (بهائیان رقمی بیش از 5 میلیون نفر را اعلام کرده‌اند؛ ولی ناظران و محققان کمتر از دو میلیون نفر را تخمین می‌زنند).²³⁴ اگرچه ناظران و نویسندگان بهائی بی طرف آمار بهائیان را بسیار پایین تر می‌دانند.²³⁵

چنانچه آمار 7.8 میلیون نفر را درست بدانیم و حدود 12000 محفل محلی در جهان وجود داشته باشد، در هر محفل تقریباً 650 نفر عضو خواهند بود؛ در حالی که برای تشکیل محفل روحانی محلی به نه نفر نیاز است، عددی که شمار بهائیان در بیشتر جاها به ندرت از آن تجاوز می‌کند. در جهان غرب - و دیگر جاها - تعداد افراد بهائی در هر محل و شهر به ندرت از چند دوجین نفر تجاوز می‌کند.

خوان ریکاردو کول، تاریخدان و متخصص بهائی، عدد 5 میلیون را مبالغه آمیز توصیف می‌کند و تعداد پیروان را به 2.9 میلیون تن تقلیل می‌دهد که از این تعداد حدود 1.3 میلیون نفر بهائی فعال می‌باشند. او تعداد بهائیان امریکا را (از حدود 140000 نفر) به 60000 نفر کاهش داده که اینجا هم حدود 26000 نفر فعال‌اند.²³⁶

حقیقت این است که تعداد پیروان بهائی، به خصوص در دنیای غرب، سیر نزولی دارد؛ مسئله ای که باعث نگرانی مرکز جهانی بهائیان در حیفا شده است.²³⁷ مانفرد هوتز، کارشناس دین پژوه، اظهار می‌دارد که «تبلیغ موفق در اروپا و امریکای شمالی به وضوح کم شده است».²³⁸ و برخلاف آن، در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین افزایش داشته است. با توجه به اینکه در این مناطق رویکرد جمعی یا سریع به یک عقیده رواج دارد، تداوم و کیفیت چنین افزایشی جای سؤال است. یک رشد دو - سه میلیونی در طول دو سال، یعنی فرضاً پنج میلیون نفر در سال 2006 و باز هم فرضاً هشت میلیون در سال 2008؟! رشد آماری 60٪ برای دو سال کاملاً مشکوک به نظر می‌رسد و نشان دهنده یک تبلیغ واقعی نیست. در اینجا باید گفت که بهائیان برای رسیدن به اهداف تبلیغی خود دارای روحیه جهاد مذهبی (!) و برنامه ریزی سالانه هستند که دقیقاً مشخص می‌کند کجا و چطور، چند محفل در طول یک دوره مشخص باید ایجاد شود. اگرچه آمار ناقص و تعصب الود، که صرفاً حاوی آمار افرادی باشد که به این عقیده روی آورده‌اند، مد نظر نیست.

باید توجه داشت که بهائیت در اسرائیل رشد و گسترش نیافته است. با وجود آنکه مقر اصلی جامعه بهائی در اسرائیل است²³⁹، ولی از طرف دولت، تبلیغ آیین بهائی و تشکیل محفل ممنوع است: «دولت اسرائیل به بهائیان اجازه داده که مرکز خود را در این کشور تشکیل دهند، ولی آنها را از تبلیغ منع کرده است»²⁴⁰.

4 - 8 - تعقیب و پیگرد در ایران

در ایران نود و نه درصد جمعیت مسلمانان هستند. از این تعداد، بیش از نود درصد پیروان شیعه دوازده امامی (یا اثنا عشری)²⁴¹ می‌باشند که بزرگ‌ترین فراکسیون شیعه است. حدود هشت درصد سنی هستند. بقیه جمعیت بین مسیحیان شرقی (بیشتر ارمنی، آشوری، کلدانی) و پروتستان، با جمعیتی حدود 250.000 نفر تقسیم می‌شوند. اقلیت‌های کوچک‌تر یهودیان و زرتشتیان هستند. حدود 300.000 نفر خود را بهائی می‌دانند. این تعداد یعنی 0.4 درصد کل جمعیت، که بدین ترتیب بزرگ‌ترین اقلیت غیرمسلمان در ایران می‌باشند.

در ایران، پیروان یهودیت و مسیحیت قائل به انجیل (و زرتشتیان و صابئین - مترجم) به عنوان اهل کتاب²⁴² به رسمیت شناخته می‌شوند. از نظر روحانیون اسلامی و شریعت، باندکی محدودیت در حقوق، با آنها مدارا می‌شود. اگرچه وضعیت آنها در بسیاری از کشورهای اسلامی دشوار است، ولی بیشتر با آنها مدارا می‌شود. در عمل، کم و بیش، در اعمال عبادی و احوال شخصیه خود آزاد هستند. بعضی اوقات محدودیت‌هایی نیز گزارش شده است. ادیانی که دارای بیش از یک خدا هستند، مشرک شناخته شده، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در 3 نوامبر 1979، تشیع دوازده امامی به عنوان دین رسمی انتخاب شد. در کنار آن، بعضی از اقلیت‌ها (یهودی، مسیحی، زرتشتی و صابئین) از طرف دولت به رسمیت شناخته شدند. بعضی اقلیتها از این گروه بندی مستثنی شده اند؛ مانند بابیان و بهائیان.

از ابتدای تشکیل، این دو گروه همواره تحت پیگرد بودند. اما در بعضی زمانها پنهانی مورد مدارا قرار می‌گرفتند. در زمان حکومت رضا شاه پهلوی سکولار (1941 - 1925) و جانشین او محمدرضا پهلوی (1979 - 1941) بهائیان توانستند، با وجود محدودیت‌ها و خصومت‌های عمومی و مردمی، تا حدودی شکوفا شوند.

ورود به مؤسسات دولتی یا خصوصی (مدیریتی، آموزشی، دانشگاهی، نظامی، تحقیقاتی، سیاسی و دیپلماتیک) برای آنها ممنوع نبود.²⁴³ با وجود این، ان دو پادشاه نتوانستند در مقابل فشار مردم و روحانیت شیعه بایستند، و در زمان آنها درگیری‌های خونینی بین مسلمانان و بهائیان به وقوع پیوست.

با آغاز انقلاب اسلامی به رهبری آیت الله (امام) خمینی (اوایل 1979) وضعیت دشوار بهائیان به وخامت گرایید. آنها از برخی حقوق شهروندی محروم شدند و نزدیک بود که وسایل زندگی آنها غارت شود. آنها از خدمات دولتی اخراج، مدارس و مراکز مذهبی و مغازه‌های آنها تعطیل و یا تخریب شد. محصولات آنها نابود و خانه‌هایشان غارت گردید. حسابهای بانکی آنها بسته شد. برگزاری اجتماعات عمومی آنان ممنوع و برخی از قبرستان‌های آنها تخریب گشت و ورود به دانشگاهها و تحصیلات عالی برای آنان ممنوع گردید.

طبق آمار مؤسسات بهائی، بیش از دویست بهائی اعدام شدند و صدها نفر بازداشت و حداقل ده هزار بهائی از کشور خارج شدند. پس از ارتحال آیت الله خمینی (1989) وضعیت بسیار آرام شد؛ البته اقدامات ضد بهائی باقی ماند. بعضی اوقات حملاتی توسط ارگانهای دولتی و یا گروههای غیردولتی در برابر آنها انجام می‌شد. به مرور زمان دستگیری‌ها به وضوح کم شد و تا اوایل سال 2009 تعداد آنها به 30 نفر کاهش یافت.²⁴⁴

با تمام گلابه‌ها و شکایاتی که بهائیان به خاطر وضعیت سخت خود داشته‌اند، مستندات فراوانی در رد و انکار وقایع توصیف شده فوق وجود دارد. با این حال، بهائیان از تکرار اینکه در اوایل تاریخ بابی و بهائی 20000 شهید داده‌اند، خسته نشده‌اند. در حالی که تاریخدانان این آمار را به 2000 تا 2300 نفر تقلیل داده‌اند.²⁴⁵ به طور کلی، گرایش آشکاری وجود دارد تا تاریخ بابی و بهائی را قهرمانانه معرفی کند؛ به گونه ای که بخشی از آن تاریک و ناپیدا باشد یا آن را به نحوی مرتب و روتوش کنند که چهره ترسیم شده خوب آنها را خدشه دار نکند.²⁴⁶ این مطالب یک نمایش تبلیغاتی و احساسی ایده آل است که به خوبی می‌توان آن را به نمایش گذاشت.

دنيس مک اوئن می‌نویسد²⁴⁷: «مقامات بهائی با تأکید بر آزار و اذیت بهائیان در سال 1955 در ایران، و از سرگیری آزار و کشتار در جمهوری اسلامی، نه تنها بر مفهوم شهادت تأکید کردند، بلکه از قدرت آن در جهت ترویج و تبلیغ تعالیم خود، به خصوص در سطوح مقامات دولتی و فرا دولتی در دیگر کشورها استفاده کردند. در اوت 1955 شوقی افندی خطاب به بهائیان امریکا، آزار و اذیت اخیر در ایران را توضیح داده و می‌گوید که از سازمان ملل درخواست کرده تا مداخله کند. وی می‌نویسد: از زمان آغاز تاریخ کوتاه امر بهائی، چنین تبلیغ گسترده ای برای امرالهی سابقه نداشته و یا بسیار کم نظیر بوده است. با چنین اقبالی...

در جهت گسترش و افزایش حجم این تبلیغات... جامعه بهائی امریکا... باید کاملاً و به طور قطع همکاری و شرکت نماید.»²⁴⁸ در سال بعد، او با اشاره دوباره به آزار بهائیان در ایران، از تدارک مالی جهت استخدام یک نماینده تبلیغاتی حرفه ای صحبت می کند تا بتواند تبلیغی را که از قبل در رسانه های عمومی وجود داشته، تقویت نماید.²⁴⁹

رویکرد مشابه آن 30 سال بعد تکرار شد. بیت العدل اعظم در پیامی در ژانویه 1982 نوشت که آزار اخیر بهائیان در ایران، باعث شده تا نام و خصلت دیانت محبوب ما به طوری مورد توجه جهانیان قرار گیرد که در تاریخ بی سابقه بوده است... روزنامه های مهم دنیا و همچنین رسانه های محلی، پیام های همدردی با بهائیان را با میلیون ها خواننده خود در میان گذاشتند و ایستگاه های تلویزیونی و رادیویی، آزار و اذیت در ایران را موضوع اخبار خود قرار داده اند.²⁵⁰ چند ماه بعد، بیت العدل اظهار داشت که آثار این تحولات (آزار بهائیان در ایران) فرصتی طلایی برای تبلیغ و انتشار بیشتر امر است که اگر با قوت و غیرت انجام شود، می تواند به همبستگی و افزایش جمعیت بهائیان بینجامد.²⁵¹ اینکه چنین اقدامات و روشهایی از سوی بیت العدل - تا آنجا که نویسنده می داند - اعتراضاتی را در جامعه بهائی به دنبال نداشته، نشانه مهمی است که چقدر اهداف تبلیغاتی و تلاش برای بهائی کردن دیگران بر اهداف دینی اولیه پیشی گرفته است.

ناشر بهائی آلمانی، هنریک.م. برودر، که سالها منتقد سرسخت اسلام و متخصص جامعه بهائی بود، به این آتش هنگامی دامن زد که وضعیت همکیشان خود را با وضعیت یهودیان در دوران رایش سوم یکی دانست.²⁵² با توجه به تمام اعتراضات به تحت فشار بودن بهائیان، چنین مقایسه ای مناسب و مقبول نیست.

تعداد کشته شدگان بهائی از سال 1848 تا به امروز، با قربانیان بیشمار آلمان نازی قابل مقایسه نیست. همچنین در ایران هیچ محله خاص بهائی نشین، بازداشتگاه اسرا، قتل عام با گاز، برنامه ریزی قتل افراد معلول و ناعلاج، نسل کشی نژادی و دینی و یا آزمایش داروهای جدید خطرناک بر روی زندانیان نبوده و نیست. تعقیب و پیگرد بهائیان به خاطر نژادپرستی و یا فقط به خاطر مسائل مذهبی نبوده است. آنها در ایران قبل از انقلاب، دارای مقامات سیاسی بودند که در قضاوت ناظران غربی کاملاً از قلم افتاده است.

هنگامی که علی محمد باب در سل 1844 اعلام کرد که باب امام دوازدهم شیعیان، حضرت مهدی ع، است و چند سال بعد، در 1848، خود را امام زمان معرفی کرد²⁵³، در همان ابتدای تبلیغ، خود را در مقابل جریان اصلی مذهب قرار داد. او همچنین در اولین نوشته اش، قیوم الاسماء برای رسیدن به اهداف خود اعلام جهاد کرد.²⁵⁴ و در کتاب دیگرش «دلایل سبعة» پروایی نداشت که با زبانی پرخاشگرایانه، نه فقط بر ضد

اسلام، بلکه بر ضدّ تمام ادیان به میدان آید و آنان را سرزنش کند که پیامبر خدا را به رسمیت نمی شناسند و به همین خاطر محکوم به نابودی هستند.²⁵⁵

علی محمد باب در سال 1846 دستگیر و در سال 1850 از سوی حکومت اعدام شد. پس از مرگ او، پیروانش تهییج شدند و حکم جهاد باب در برابر مذهب شیعه و قوای دولتی را به اجرا گذاشتند.²⁵⁶ هدف آنها برپایی دولت دینی بابی در کل ایران بود، که در آن پیروان هیچ آیین دیگری (اسلام و مسیحی) حق زندگی نداشتند.²⁵⁷

طی سالهای 1850/1853 - 1848 در مناطق مختلف ایران، جنگهای سختی بین بابیان و قوای دولتی درگرفت که همه آنها به نفع قوای دولتی به پایان رسید. در سال 1852 تروری نا فرجام بر علیه پادشاه مملکت - ناصرالدین شاه قاجار - انجام دادند. در کجای دنیا، چنین اعمالی بدون واکنش و عکس العمل شدید می ماند؟

پس از شورشهای نافرجام، بابیان نفوذ خود را از دست دادند و جای خود را به بهائیان تحت رهبری بهاءالله (1817 - 1892) سپردند. این مطلب قابل توجه است که گرچه این بهائی در سال 1866. 258. تاسیس شد، ولی تاریخ تقویم خود را از سال 1844، یعنی سال تاسیس جنبش بابی قرار می دهد و بدین ترتیب، از نظر تاریخی، خود را به عملکرد و تعالیم بابیان پیوند می زند و سرنوشت خود را با پیامد عقاید رادیکالی دوران باب مرتبط می سازد.²⁵⁹

به علت تجربیات تلخ گذشته، بهاءالله خود را از موضوع جهاد مذهبی دور کرد. با وجود این، خصومت عمیق بین اکثریت شیعه و گروه بهائی تا کنون حل نشده است. از دیدگاه مسلمانان، بهائیان مرتدند و باید با آنها مبارزه کرد. (چنان که پیشتر نیز خاطر نشان شد، بهائی زادگان از موضوع ارتداد خارج اند. افزون بر این، حکم اسلام درباره مرتدان، مبارزه و جنگ نیست و همان گونه که نویسنده محترم اشاره کرده، حتی رهبر بابیان نیز نه به خاطر ادعاهایش، بلکه به سبب شورشهایی که به تحریک او و بخاطر او در کشور ایجاد شد، اعدام گشت. مترجم) در همین حال، بابیان و بهائیان دین اسلام را منسوخ می دانند. آنچه بیشتر جلوه می کند این است که بابیان و بهائیان خود را کاملاً از ریشه اسلامی جدا می کنند؛ امری که در چشم مسلمانانی که اسلام را تنها دین کامل می دانند، خوش نمی آید.

جنبش بابی گرچه بر حقوق الهی و نظم اجتماعی تکیه می کند، با وجود قرابت درونی، با اسلام مطابقت ندارد. علاوه بر این، در ایران هنوز بقایای باقیمانده از شورشهای بابیان وجود دارد²⁶⁰ که هدفش از بین بردن

تمامیت ارضی کشور به نفع دولت دینی بابی و اخراج تمام پیروان ادیان دیگر بوده است. همچنین ترور نافرجام شاه (1852) تأکیدی بر جنگ طلبی و افراطی‌گری بابیان است. طبیعی است که چنین وقایعی همواره در حافظه تاریخی ایرانیان باقی بماند.²⁶¹

طرز تفکر بهائیان در مورد ایران و ایرانی از اظهارات تحقیرآمیز آنان در نوشته‌هایشان پیداست. شوقی افندی ربانی که از سال 1921 تا 1957 رئیس و ولی امر جامعه بهائی بود، مردم ایران را مردمی رو به انحطاط در دنیای مدرن، بسیار ناآگاه، وحشی، سنگدل، اسیر پیش‌داوریها، و نوکر صفت نامید.²⁶² مشابه چنین زخم‌زبانیهایی در بقیه منابع بهائی نیز وجود دارد که هرگز مورد قبول اکثریت جامعه ایرانی نخواهد بود.²⁶³

بنابراین، موضع خصمانه ایران در برابر بهائیان، نتیجه یک رشته اختلافات دینی، تاریخی و سیاسی و همچنین به دلیل دشمنی و خصومت گسترده از سوی جامعه بهائی است. این مطالب، آزار بهائیان در ایران را توجیه می‌کند و نشان دهنده این است که موضوع بسیار پیچیده‌تر از حدس و گمان ناظران غربی است.

کتاب اقدس

منشور بزرگ تمدن جدید جهانی

دین قانونمند (دین صاحب شریعت و احکام)

آیین بهائی خود را مبتکر توسعه و پیشرفت روح انسانی از طریق دین می‌داند. پیام آسمانی جدیدی که با نیازهای دنیای در حال تغییر مطابق است و انسانیت را به سمت وحدت جهانی هدایت می‌کند. در این مفهوم، آیین بهائی دیگر یک عقیده صرف نیست، بلکه در مرحله اول، یک نظام پایه‌ریزی شده دینی است که در آن انسان جدا از ارتباطات روحی، به سوی یک حقیقت ماورایی، به مفهوم اجتماعی، سیر می‌کند. آیین بهائی بین دنیای مادی و روحانی جدایی نمی‌بیند. برای بهائیان دین و دنیا یکی است. مانند اسلام و یهودیت از پیروان می‌خواهد که آنچه را خداوند فرمان داده است، اطاعت کنند. این دستورها در کتاب اقدس¹، کتاب آسمانی که بر بهاء‌الله (1817-1892) نازل شده آمده است.

آنچه در کتاب اقدس آمده، از آنجا که الهی است، بدون اشتباه، غیر قابل تغییر، و در دور هزار ساله² بهائی مطلقاً معتبر است. این دستورها غیرقابل لغو و غیرقابل تغییر می‌باشند. تفسیر و تبیین کلمات الهی فقط توسط عبداله‌ه‌اء (1844 - 1921) و شوقی افندی (1897 - 1957) مجاز است و هر آنچه توسط آن دو صورت گرفته، مصون از اشتباه و غیر قابل تغییرند.

قوانین مصوب بیت العدل اعظم (که از سال 1963 بالاترین مقام اجرایی است) مادامی که در کتاب اقدس به روشنی از آن صحبت نشده باشد، از اشتباه میرا است. وظایف بیت العدل شامل وضع قوانین عمومی و موردی، اداره جامعه بهائی و صدور احکام است. این نهاد بعنوان بالاترین مقام قضایی نیز عمل می‌کند.³ مهم‌ترین وظیفه بیت العدل وضع قانون است.⁴ این مرکز همچنین ریاست محافل روحانی ملی و محلی را به عهده دارد. تصمیمات بیت العدل مانند کلمات بهاء‌الله و تفاسیر عبداله‌ه‌اء و شوقی افندی نیست، بلکه بر حسب نیاز می‌تواند تغییر یابند یا لغو شوند.

احکام و مقررات کتاب اقدس

در بین کتب فراوان بهاءالله، کتاب اقدس بالاترین مقام را داراست. این کتاب نقش کتاب مادر را در دین بهائی دارد و از بقیه کتب بالاتر است. نکته تعجب آور این است که این کتاب در سال 1873 به عربی نوشته شد و برای مدت طولانی در دسترس نبود و به همین خاطر، از نظر بسیاری از پیروان مخفی ماند. نخستین ترجمه انگلیسی رسمی آن در سال 1992 منتشر شد.⁵

از سال 1996 ترجمه فرانسه و در سال 2000 ترجمه آن به زبان آلمانی در دسترس قرار گرفت.⁶ دلیل مخفی بودن مهم ترین کتاب بهائی این طور توضیح داده شده که قوانین این کتاب، بخصوص آنچه مربوط به نظم حکومتی و قوانین کیفری است، مربوط به آینده است، و برای جامعه‌ای پیش بینی شده که با ساختار سیاسی امین بهاءالله شکل گرفته باشد.⁷

کتاب اقدس بعنوان کتاب قانون، به صورت مجموعه قوانین امروزیین نوشته نشده است. این کتاب یک مجموعه قانون دینی نیست که در آن دستورهای بهاءالله به صورت مجموعه سیستماتیک جمع شده باشد؛ بلکه احکام او را به صورت یکسری «دستورالعمل‌های درهم ارائه می‌دهد»⁸ که از هیچ نظم واحدی پیروی نمی‌کند. ادو شفر، حقوق‌دان و رئیس محفل بهائیان آلمان، در مورد این کتاب می‌گوید: «مؤسس این امین به صورت سیستماتیک عمل نکرده است. تعالیم او تعالیمی سیستمی و منطقی و روشنفکرانه نیست. ماهیت این دین غیر منطقی است. قوانین عهد عتیق ... نیز به صورت مجموعه سیستماتیک نبوده است. عالمان و روحانیون آنها را به صورت سیستماتیک درآوردند»⁹

کتاب اقدس شامل دستورهای آیینی - نماز، روزه و زیارت - رهنمودها و احکام، دستورهای مربوط به منابع مالی جامعه (خیرات و تبرعات، مالیات اجتماعی، بنیادهای مذهبی، ارث، جزای نقدی)، قوانین مربوط به نظم تشکیلات اداری و جامعه (تأسیس مؤسسات مربوط به تشکیلات) و دستورهای کیفری و مدنی (ازدواج، ارث، احکام مربوط به پیگردهای قانونی و کیفری) می‌باشد.

1 - 2 - احکام

احکام شامل نحوه اجرای نماز، دستورهای مربوط به روزه و زیارت مکانهای مقدس بهائی می‌شود. هر فرد بهائی از سن 15 سالگی تا پایان 70 سالگی موظف است سه بار در روز (صبح، ظهر، شب) نماز واجب

صادر شده از جانب بهاء‌الله را به جا آورد (اقدس 6). همانند اسلام، باید قبل از نماز وضو گرفت. باید رکعت‌های نماز را رعایت کرد و به سمت قبله، آرامگاه بهاء‌الله در عکا، ایستاد. بیماران، افراد ناتوان و زنان هنگام عادت ماهیانه از این نماز معافاند و در عوض به نماز کوتاه‌تری دستور داده شده‌اند (اقدس 10 و 13). نماز به صورت انفرادی خوانده می‌شود و به جماعت نیست. فقط نماز میت به جماعت خوانده می‌شود (اقدس 12). علاوه بر آن، تمام بهائیان باید ذکر الله ابهی را 95 بار در روز تکرار کنند (اقدس 18).

روزه برای تمام معتقدان بین 15 تا 70 ساله در ماه علا (2 تا 21 مارس) واجب است. بیماران، افراد ناتوان، مسافران و همچنین زنان شیرده، آبستن و در دوران عادت ماهانه، از آن معاف می‌باشند. روزه شامل نخوردن و نیاشامیدن از طلوع تا غروب آفتاب می‌شود (اقدس 17). اینکه آیا روزه تماس جنسی را هم شامل می‌شود، چیزی گفته نشده؛ ولی احتمالاً آن هم منهی است.

زیارت "بیت اعظم" بهاء‌الله در بغداد و یا خانه "نقطه اولی" (سید باب) در شیراز برای تمام مردان واجب است. زنان از این واجب معاف هستند (اقدس 32). پس از مرگ بهاء‌الله، عبدالبهاء آرامگاه بهاء‌الله را در عکا (اسرائیل امروز) به عنوان مرکز زیارتی بهائیان قرار داد. (اقدس، ضمائم 54)

2 - 2 - قوانین، احکام و کیفرهای مختلف

قوانین، احکام و کیفرها به نحوه رفتار اجتماعی و شغلی افراد بر می‌گردد. بالاترین حکم، پیروی از دستورهای الهی است: «همه باید از آنها پیروی کنند. پروردگار من کاری می‌کند که برایش باقی بماند. او انتخاب می‌کند و هیچ کس حق ندارد در انتخاب او شک کند» (اقدس 7).¹⁰

احکام اجباری همچنین شامل آموزش علمی و دینی کودکان (اقدس 150 و 48)، اطاعت در برابر حاکمان و دولتها (اقدس 95) فعال بودن در زمینه شغلی (اقدس 33، 147)، نو کردن اثاث خانه هر 19 سال یکبار (اقدس 151)، نوشتن وصیت‌نامه (اقدس 109)، دفن اموات (ممنوعیت سوزاندن مردگان، و اینکه قبرستان‌ها نباید بیش از یکساعت راه از محل زندگی باشد) (اقدس 130) ... و ایمان به بهاء‌الله به عنوان مظهر الهی در دوره هزارساله کنونی می‌باشد.

اعمال زیر ممنوع است: ارائه تفسیر برای آثار و نصوص الهی (اقدس 105، ضمایم 130 و 180)¹¹؛ برده‌داری (اقدس 72) ریاضت و رهبانیت (اقدس 36)، اعتراف به گناه (اقدس 34)، تکدی‌گری و همچین پول دادن به گدا (اقدس 147)، بوسیدن دست دیگران (اقدس 34)، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی (اقدس 119، 155، 190)، قمار (اقدس 155)، صدمه زدن به بدن و جنگ و دعوا (اقدس 148)، حمل اسلحه (تا جایی که ضرورت نباشد) (اقدس 159)، قتل و آدم کشی (اقدس 19)، رابطه جنسی نا مشروع (اقدس 19)، فحشاء و همجنس بازی (اقدس 107)، تن پروری و تنبلی (اقدس 33) فحش دادن و تهمت زدن (اقدس 19)، ورود به خانه دیگران بدون اجازه صاحبخانه (اقدس 145)، زمزمه آیات الهی در ملأ عام (اقدس 108)، فرو بردن انگشتان در غذا - غذا خوردن با دست - (اقدس 46)، تراشیدن سر و خط ریش در مردان تا بالای لاله‌های گوش (اقدس 44).

ممنوعیت‌های زیر لغو شده‌اند:

محدودیت مربوط به لباس پوشیدن و ریش و سبیل، نجس بودن منی، نجس بودن اشیاء و انسان‌ها، محدودیت در سفر کردن، ممنوعیت استفاده از اشیاء از جنس طلا و نقره، ممنوعیت موسیقی و...

از پیروان خواسته شده که:

با پیروان دیگر ادیان به مهربانی رفتار کنند؛ به والدین خود احترام بگذارند؛ تعالیم بهائی را آموزش دهند و تبلیغ کنند؛ در یادگیری تعالیم بهائی تعمق نمایند؛ خود را از کلمات الهی دور نکنند و نگذارند که گمراه شوند؛ از اختلاف در مورد نوشته‌های مقدس پرهیز کنند؛ آیات مقدس را شب و روز آهنگین بخوانند؛ علوم و هنرهایی را بیاموزند که برای انسان سودمند است؛ از گناهان خود در برابر خداوند توبه کنند؛ ناخن‌های خود را کوتاه نمایند؛ عطر بزنند و در آب پاکیزه حمام کنند و لباس بی عیب و نقص بپوشند.

3-2 - اساس تأمین مالی جامعه

در جهت تضمین اساس مالی جامعه بهائی، کتاب اقدس، منابع متفاوتی را ذکر می‌کند. این منابع شامل پرداخت حقوق الله، زکات، اوقاف، مالیات بر ارث، دیه و نذورات می‌باشد.

حقوق الله (حق الله) 9% از مازاد درآمد کسب شده است (اقدس 97) و بهائیان این 19% را به خداوند بدهکارند. حقوق الله به چه کسی باید پرداخت شود؟ در کتاب اقدس ذکر نشده است. در تفسیر این آیه آمده است که به بیت العدل باید پرداخت شود. این عمل بعنوان «حداقل مشارکت روحانی» تعریف شده است؛ ولی حداقل امروزه نمی‌تواند به صورت اداری درخواست شود. (اقدس، شرح 125)

زکات دیگر منبع درآمد است و چیزی مثل مالیات اجتماعی است (اقدس 147). در مورد مقدار زکات و دریافت کننده آن در کتاب اقدس مطلبی نیامده است. مطالب و جزئیات مربوط به این دستورها به بیت العدل اعظم واگذار شده است. (اقدس، شرح 161).

اوقاف یا وقف، تحت نظارت بیت العدل انجام می‌گیرد (اقدس 42)؛ ولی آیا منظور از بیت العدل، بیت العدل اعظم، ملی یا محلی است؟ مشخص نشده است. بنا بر تفسیر آیات 66 و 67 کتاب اقدس، منظور باید بیت العدل اعظم باشد؛ هرچند که در متن چیزی ذکر نشده است.¹² از منابع دیگر مالی، مالیات بر ارث، دیه و نذورات میباشد.

4 - 2 - نظم اداری

در کتاب اقدس به طور مشخص از جانشین بهاء الله سخنی به میان نیامده است. در این کتاب می‌خوانیم: «هنگامی که دریای وصال فرو رفت و کتاب وحی من بسته شد، روی به سوی کسی کنید که خداوند او را خواسته؛ کسی که از این ریشه کهن جدا شده است (اقدس 121)». به این ترتیب نامی از جانشین برده نشده است.

بهاء الله در 1890، یعنی هفده سال پس از تألیف کتاب اقدس، در وصیت‌نامه‌اش (کتاب عهدی) پسر بزرگش عبداله‌اء را بعنوان جانشین معرفی می‌کند. به این ترتیب، منظور از آن شخص در متن اقدس عبداله‌اء بوده است. (اقدس، شرح 145)

از دیگر دستوره‌ای بهاء الله، برپایی بیت عدل در هر شهر است که در آن به عدد بهاء (نه نفر) بهائی جمع شده باشند. (اقدس 30) این بیت عدل امروزه «محل روحانی محلی» خوانده می‌شود. بیت عدل جزء تشکیلات

اصلی جامعه بهائی است که هر سال باید انتخاب شده و از اعضای زن و مرد تشکیل می‌شود. بیت عدل توسط روح القدس مدیریت و هدایت می‌شود.

در کتاب اقدس به تأسیس بیت العدل جهانی اشاره‌ای نشده است. در فهرست کتاب (کلمه: بیت العدل، جهانی - تأسیس) [صفحه 328 ترجمه آلمانی] به آیه 42 اقدس ارجاع داده شده است، اما حاوی چنین اطلاعاتی نیست.

در این متن چنین آمده است: «اختیار اوقاف اختصاص یافته برای خیرات در دست خداست و هیچ کس حق ندارد بدون اجازه مطلع وحی، در آنها تصرف کند. پس از او¹³ این اختیار به اغصان¹⁴ و بعد از او به بیت عدل می‌رسد - اگر تا آن زمان برپا شده باشد - تا آنها این خیرات را برای مکانهایی به کار ببرند که در امر الهی برپا شده‌اند و همین طور برای انجام آنچه آنها از جانب او، خداوند قدرت و عظمت، مأموریت یافته‌اند.»

از مجموع متن (اقدس 42) به وضوح بر می‌آید که در اینجا از مؤسسات خیریه¹⁵ و نه تأسیس «بیت العدل اعظم جهانی» سخن گفته شده است.¹⁶

همچنین عبارت 42 شرح کتاب اقدس درباره آیه 21 قابل توجه است:

«هرگاه بهاء الله در کتاب اقدس درباره بیت عدل سخن می‌گوید، به وضوح اشاره نمی‌کند که منظورش بیت العدل اعظم یا بیت العدل محلی است. بیشتر اوقات او فقط به بیت عدل اشاره می‌کند و آن را به عهده آن سطحی می‌گذارد که قانون به آن مربوط می‌شود.»¹⁷

به واقع، در کتاب اقدس هیچ اشاره‌ای به تأسیس بیت العدل اعظم نشده است. بلکه در الواح و وصایای عبدالبهاء¹⁸ برای نخستین بار از تأسیس بیت العدل جهانی (یا بین المللی) بعنوان مؤسسه‌ای بالاتر از بیت العدل ملی و محلی سخن به میان آمده است.

بیت العدل اعظم که نخستین بار در سال 1963 از آن سخن رفته، بالاترین مقام رهبری جامعه جهانی بهائی است. مقر آن در حیفا (اسرائیل) است و از 9 عضو مرد (زنان حق عضویت ندارند) تشکیل شده که هر پنج سال یکبار از میان نمایندگان محافل روحانی ملی انتخاب می‌شوند. دستورهای آن بدون خطا و اشتباه است و نباید به آنها شک کرد.

در کتاب اقدس از «ولی امرالله» و «ایادیان امرالله» نیز سخنی نیست.¹⁹ ولی امراللهی به عبدالبهاء بر می‌گردد که در وصیت نامه خود شوقی (شوقی افندی 1957 - 1897) را بعنوان جانشین خود و نخستین ولی امرالله تعیین کرد.²⁰

شوقی افندی از سال 1921 تا پایان عمرش در سال 1957، در این مقام، با قدرت مطلق و نامحدود فرمانروایی می‌کرد.²¹ از آنجا که او نه جانشینی معرفی کرد و نه وصیت نامه‌ای داشت²²، سمت ولی امراللهی و همچنین سمت ریاست تشکیلات اداری، با مرگ وی پایان پذیرفت. پس از مرگ وی شورای 9 نفره ایادیان مقیم ارض اقدس رهبری را تا نخستین انتخابات و معرفی بیت العدل اعظم در سال 1963 به عهده گرفت.

تأسیس محافل ملی نیز در وصیت نامه عبدالبهاء پیش بینی می‌شود.²³ محفل روحانی ملی بالاترین مقام رهبری جامعه بهائی در داخل مرزهای یک کشور است. انتخابات آن سالانه است و از نه عضو (مرد و زن) تشکیل می‌شود. پس از آن محافل روحانی محلی قرار می‌گیرند. بهائیان باید از هر دو محفل اطاعت کنند.²⁴

5 - 2 - دستوره‌های مدنی

1 - 5 - 2 قوانین ازدواج

نکاح از طرف خداوند تعیین شده و واجب است: «خداوند ازدواج را برای شما مقرر کرد... کسی که موقع ازدواجش رسید، این دستور من است که به شما می‌دهم (اقدس 63). در یکی از ضمایم کتاب اقدس (پرسش و پاسخ) - که شامل نحوه اجرای قوانین مربوط به کتاب است - حکم ازدواج²⁵ بر خلاف متن فوق واجب شمرده نشده است. (اقدس پرسش و پاسخ 46)

بهاءالله توصیه می‌کند که بیش از دو زن اختیار نشود؛ در همین حال، می‌گوید که یک زن بهتر است: «بیرهزید که بیش از دو زن اختیار کنید. هنگامی که مرد به یک همسر از میان کنیزان خداوند بسنده کند، هر دو در آرامش زندگی خواهند کرد (اقدس 63).²⁶ مرد می‌تواند در کنار همسر خود، یک خدمتکار باکره اختیار کند، البته این را با متانت انجام دهد.» (اقدس 63)²⁷

در شرح کتاب اقدس (اقدس - شرح 89) در مورد چند همسری چنین گفته شده است: «این گفته کتاب اقدس نشان دهنده این است که ظاهراً چند همسری مجاز می‌باشد. بهاءالله البته به تک همسری سفارش می‌کند که باعث رضایت خواهد شد!»

کلمه «ظاهرًا» توضیح داده نشده است؛ زیرا هنگامی که بهاء الله چند همسری را منع نکرده است، پس آن را مجاز می‌شمرد. در ادامه شرح مذکور آمده است: «بر طبق فرمایشات عبدالبهاء، صاحب اختیار مکتوبات، کتاب اقدس در حقیقت به تک همسری فرمان می‌دهد.» برای اثبات آن، مفسر به نامه‌های عبدالبهاء اشاره می‌کند، جایی که او می‌گوید: «این واقعیت که چند همسری به شرایطی غیر قابل تحقق مشروط شده²⁸، دلیل روشنی بر ممنوعیت قطعی آن است. به همین دلیل، اختیار بیش از یک زن برای مرد مجاز نیست.»

این شرح شاید برای تأکید بر قدر شناسی از زنان مناسب باشد؛ اما مغایر منطق تفسیر و مخالف فصل الخطاب بودن و غیر قابل تغییر بودن قوانین بهاء الله است. (اقدس 7، 138)

عبدالبهاء به عنوان مفسر رسمی سخنان بهاء الله، می‌تواند آن را تفسیر کند، ولی نمی‌تواند آن را تغییر دهد یا مفهوم دیگری برای آن قایل شود.²⁹ شفر هم این موضوع را بیان می‌کند: «عبدالبهاء به هیچ وجه این صلاحیت و اختیار را ندارد که قوانین الهی را تفسیر به رأی نماید و به خاطر مصلحت‌اندیشی منسوخ کند.»³⁰

انتخاب همسر آزاد است. (اقدس 65) ازدواج با زن پدر ممنوع می‌باشد. (اقدس 107)³¹ سن 15 سالگی سن بلوغ و ازدواج است. (اقدس، پرسش و پاسخ 92) ازدواج منوط به رضایت والدین عروس و داماد است. (اقدس 65) این مطالب هنگامی که والدین بهائی نباشند و یا سالها از هم جدا شده باشند هم صدق می‌کند. (اقدس، شرح 92) از شرایط ازدواج، تعیین مهریه است که مرد باید قبل از ازدواج توانایی پرداخت آن را داشته باشد. (اقدس 66) چنانچه پس از ازدواج، داماد بفهمد که همسرش باکره نیست، می‌تواند تمام خرج ازدواج و مهریه را از عروس مطالبه نماید. چنانچه باکره بودن زن جزء شرایط ازدواج باشد، خلاف آن باعث فسخ ازدواج خواهد شد. (اقدس، پرسش و پاسخ 47). ارتباط جنسی خارج از ازدواج (تحت نام زنا)، و همجنس‌بازی ممنوع است و مجازات دارد (اقدس 19 و 49، پرسش و پاسخ 49، شرح 134)

در پاسخ به این سوال که آیا می‌توان با غیر بهائی ازدواج کرد، کتاب اقدس به ممنوعیت سید باب در این خصوص اشاره می‌کند:

او (باب) می‌گوید: ازدواج با کسی که به بیان اعتقاد ندارد، مجاز نیست.³² چنانچه یکی از زوجین چنین اعتقادی داشته باشد³³، زوج دیگر نسبت به مال و اموال او هیچ حقی ندارد تا اینکه به این اعتقاد درآید.³⁴

اینکه بهاء‌الله دستورهای باب را بدون تغییر بازگفته است، نشان می‌دهد که او حرمت ازدواج با غیر بهائیان را تأیید می‌کند که با آمدن موعود - که بهاء‌الله خود را همان موعود می‌داند - این قانون لازم الاجرا گردیده است. ولی در عین حال، در بخش سوال و جواب در کتاب اقدس (84) جمله ای آمده که ظاهراً ازدواج با غیر بهائیان مجاز شمرده شده است: «ازدواج کردن مجاز است.» در تفسیر کتاب اقدس (شرح 158) بدون اشاره دقیق تأکید می‌کند که بهاء‌الله قوانین سید باب را منسوخ کرده است. در صورتی که در آیه 139 اقدس به طور مشخص به باب اشاره می‌کند که با اظهار امر او، که ما او را به واقع آشکار کردیم (بهاء‌الله)، قانون منع تزویج نه تنها لغو نمی‌شود، بلکه تازه به اجرا گذاشته می‌شود.

2 - 5 - 2 قوانین طلاق

طلاق ناپسند شمرده شده است (اقدس 70) و طی دوره یکساله (ایام تربص) امکان رجوع وجود دارد (اقدس 68). کتاب اقدس فقط درباره درخواست طلاق از طرف مرد صحبت کرده، که قاضی شفر³⁵ نیز با آن موافق است. اگرچه او بر این باور است که باید حق مشابهی هم به زن داد تا او نیز تقاضای طلاق کند.³⁶

در شرح کتاب اقدس می‌خوانیم: «شوقی افندی مقرر می‌دارد که مرد و زن هر دو حق تقاضای طلاق دارند؛ هنگامی که یکی از آن دو ادامه زندگی را ممکن نداند.» در اینجا نکته قابل توجه این است که شوقی افندی تحت عنوان تفسیر، حق تغییر قوانین غیر قابل تغییر و مورد قبول بهاء‌الله را ندارد. او به عنوان ولی امرالله، پس از عبدالبها، بالاترین مقام تفسیر را دارد و می‌تواند از این قدرت مطلق در تفسیر (شرح، توضیح یا روشن کردن) مکتوبات استفاده کند؛ ولی نمی‌تواند قانون وضع کند.³⁷ ولی امرالله در اجرای دستورهایش و در شرح نصوص و تعالیم، و سوالات مربوط به دفاع از امر³⁸ معصوم و مصون از خطاست. طبق قوانین بهاء‌الله، بیت العدل اعظم تنها وظیفه اش اجرای قوانین است. بیت العدل مجاز نیست، وحی قابل تغییر (از قبیل قوانین کتاب اقدس) را تفسیر کند، تخفیف دهد، تغییر یا منسوخ یا لغو نماید.³⁹

زنی که به خاطر خیانتی ثابت شده طلاق داده شود، در زمان نگه داشتن عده، به مدت یکسال، حق نفقه خود را از دست می‌دهد. (اقدس 70) و کلاً در مورد نحوه پرداخت نفقه پس از طلاق، سخنی به میان نیامده است. همچنین - علیرغم تساوی حقوق زن و مرد، که در آیین بهائی به شدت تبلیغ می‌شود - هیچ مجازاتی برای مردی که به همسرش خیانت کند، در نظر گرفته نشده است.

3- 5- 2- حقوق مربوط به ارث

بر هر کس واجب است که وصیت خود را بنویسد. (اقدس 109) اقدس فقط از مرد به عنوان میراث گذار نام برده است. در مورد حق به جا گذاشتن ارث زن چیزی گفته نشده است. (اقدس 29 - 20)⁴⁰ میراث گذار می تواند در مورد دارایی هایش آزادانه تصمیم گیری کند. تقسیم اموال باید پس از پرداخت حقوق الله⁴¹ و پرداخت دیون و بدهی، و پس از پرداخت وجه کفن و دفن، انجام شود (اقدس 28). وراثت مرد سهم بیشتری نسبت به وراثت زن دریافت میکنند و ترجیح داده شده اند. (اقدس 25، شرح 44) چنانچه متوفی، وارثی نداشته باشد، ماترک او به بیت العدل داده می شود (اقدس 21) وراثت غیر بهائی از ارث محروم هستند. «کسی که خارج از دین است، صرف نظر از تقسیم بندی ارث، به منزله قابل دسترس نبودن تلقی می شود و ارث به او تعلق نمی گیرد.» (اقدس، سوال و جواب 34)

6- 2- قوانین مربوط به کیفر و مجازات

بر طبق مبانی و فرهنگ بهائی، «خیمه نظم جهانی» بر دو ستون استوار است: «پاداش و کیفر»⁴². نه عشق و مهربانی، بلکه قانون و نظم اداری اولویت مطلق هستند.⁴³ خیمه هستی بر تیرک های عدالت پابرجاست و نه بر پایه بخشش. دوام بشر بر عدالت متکی است، نه بر گذشت و بخشش⁴⁴. به همین دلیل، عدل، و نه عشق، ارزش اساسی در نظم جهانی است.⁴⁵ هدف اصلی مجازات، مکافات عمل و تقاص است.⁴⁶ بهاء الله در کتاب اقدس (آیه 45) می نویسد: «ما شما را با ترکه حکمت و احکام تربیت می کنیم، مانند پدری پسرش را؛ و این جز به خاطر امنیت شما و ارتقاء مقام شما نیست.»

در کتاب اقدس، برای کیفرگناهان، در درجه اول، پرداخت پول به عنوان مجازات و مکافات در نظر گرفته شده است. زنا (اقدس 19 و 49)، خیانت در ازدواج (اقدس، یادداشت 36 و سوال و جواب 77) و همجنس بازی (اقدس 107) حرام است.⁴⁷ در کتب بهائی از تجاوز جنسی سخن صریحی به میان نیامده، ولی برای آن تعبیر زنا به کار برده شده است (اقدس، یادداشت 36). از میان تخلفات نامبرده شده، فقط روابط جنسی مجردان و افراد غیرمتاهل، موجب کیفر است (اقدس، یادداشت 36). تعیین اقدامات تنبیهی و کیفر و مجازات درباره بقیه خلاف های جنسی به آینده موکول و برعهده بیت العدل جهانی (اقدس، یادداشت 36) یا محافل محلی نهاده شده است (اقدس، پرسش و پاسخ 49، شرح 77). هدف اصلی این کیفرها، رسوا کردن و بی آبرو ساختن و مفتضح کردن مجرمان در جامعه است (اقدس، شرح 77).

کیفر دزدی، تبعید و زندان است (اقدس 45). برای بار سوم بر پیشانی دزد مُهری می‌زنند، تا در کشورها و شهرهای خدا جایی نداشته باشد (اقدس 45). در مورد شکل این مهر یا علامت، مطلبی گفته نشده است (اقدس، شرح 71). خود بهائیان به مهری مانند داغ کردن حیوانات اشاره می‌کنند.⁴⁸ معلوم است که با چنین مهر ننگی بر روی بدن، هدف مفتضح ساختن فرد در اجتماع و خلع صفات انسانی از کسانی است که این نشان را بر بدن دارند. حقیقتی که برای دین جدید مدعی ارزش‌های حقوق بشری، بسیار سنگین به نظر می‌رسد. کیفر آتش افروزی و قتل و آدم کشی نیز مرگ است.⁴⁹ کسی که خانه‌ای را عمداً آتش بزند، باید سوزانده شود. کسی که جان انسانی را عمداً بگیرد، باید کشته شود (اقدس 62). کیفر جایگزین می‌تواند حبس ابد نیز باشد (اقدس 62). مجازات و مرگ و حبس ابد (نه فقط به طور سمبلیک) اشد مجازات است. تفکر اینکه این مجازات‌ها دوباره به اجتماع ما باز گردند، غیر ممکن است.⁵⁰

3 - کلام آخر

بهائیان به کتاب اقدس، به عنوان بالاترین کتاب آسمانی بهاء‌الله، ارزش می‌نهند. «در این کتاب مقدس که دستورهای آن حداقل برای هزار سال معتبر است و اجرای آن تمام کره زمین را در بر خواهد گرفت، انسان می‌تواند حلول پر تلولو روح بهاء‌الله را در کتاب و فرمان نظم جهانی او ببیند. (اقدس، 19)

این کتاب گنجینه‌ای از مرواریدهای وحی او و اصول و نهادهایی است که توسط او پیش بینی شده... کتاب آسمانی بی‌همتا و بی‌بدیل است. از نخستین تا فرجامین کلمه اعتقادات بهائی. کتاب اقدس قوانین و دستورهای آیندگان را در خود جای داده، و نظم جهانی آینده بر روی آن استوار است.» (اقدس، 19f) کتاب اقدس «معدن سعادت حقیقی، ترازوی مصون از خطا، ریسمان مستقیم و خالق انسانیت جدید است.» (اقدس، 22) قوانین این کتاب نفس حیات برای تمامی مخلوقات، قلعه‌ای مستحکم، بالاترین وسیله برای تحقق نظم در جهان و امنیت برای ساکنان آن است. آسمانی که ما (بهاء‌الله) با ستارگان قوانین و دستورهایمان آن را زینت بخشیدیم (اقدس، ص 23). با چنین پشت گرمی بالایی، اعتماد به نفس بهائیان شکل می‌گیرد که حامل تمدن جدید هستند و تمام ادیان و همه انسانها تحت لوای بهاء‌الله متحد خواهند شد. شعار بهائیان این است: یک خدا، یک دین، یک بشریت، یک پیکره جهان گستر، یک نظم جهانی.

پایه این جهان متحد، قوانین بهاء‌الله و قوانین موجود در کتاب اقدس است. کتاب قانون بهائیان، اهم امور اجتماع داخلی [بهائیان] را تنظیم می‌کند. در عین حال، برای تمام انسانها است⁵¹؛ انسانهایی که حاضرند

مطیع نظم جهانی بهاء الله باشند. این کتاب پایه قوانین دینی و شریعت جهان یکپارچه است که در آن حکومت بهائی جایگزین ارزشهای سکولار و سیستم‌های منظم کنونی می‌شود.⁵²

ثبات و پایداری در کتاب اقدس تضمین نشده است؛ به طوری که دستورها در این کتاب یا در تفاسیر آن، یکباره تغییر داده می‌شود؛ و بار دیگر رد و درجای دیگر جایگزین می‌گردد! قانونگذاران بهائی خود نیز دچار سردرگمی و پوچی می‌شوند. قانون غیر قابل تغییر در یکجا تأیید و در جای دیگر محدود، نفی یا تغییر داده می‌شود.

اصالت دینی که قوانین خود را به خاطر دیدگاه‌های متفاوت، مدام تغییر می‌دهد، از بین می‌رود. بدین ترتیب، دستورهای غیر قابل تغییر الهی، مورد استفاده ابزاری قرار می‌گیرد. قابلیت تطبیق در موقعیت‌های مختلف، این اجازه را می‌دهد که هر وقت بخواهند، موضوع نظم را مطرح کنند؛ و هر جا لازم شد، از قوانین بهاء الله در بستر وسیع تری استفاده کنند. به همین دلیل، بهائیان نمی‌توانند سیستم و نظم و قوانین خود را جهانی کنند.

این سوال همیشه مطرح است که آیا می‌شود به سیستمی که از قوانین و مقررات یک جامعه دینی جدا شده، ارزش جهانی داد؟ آیا چنین قانون دینی می‌تواند ادعا کند حداقل هزار سال پابرجا خواهد بود؟ آیا اصولاً آیین بهائی این قابلیت را دارد که خود را به عنوان جایگزین واقعی تنوع دینی اجتماعات موجود معرفی کند؟ آینده ثابت خواهد کرد که چقدر این تصورات واقعی خواهند بود؟ اما واضح است که کتاب اقدس هیچ یک از ویژگی‌های کثرت‌گرا، غیر متعصبانه و مدارا مدارانه مورد ادعای بهائیان را ندارد. بیشتر قوانینش منسوخ شده به نظر می‌رسند و با وجود روتوش‌های صورت گرفته، نتیجه عکس داده است. باید تکرار کنم که قوانین بهاء الله برای حداقل هزار سال اعتبار خواهند داشت. به طور کلی، این قوانین آن قدر جذاب نیستند که بدون قید و شرط به نظم نوین جهانی بپیوندند. به این ترتیب، قوانین کتاب اقدس، در این دنیای سرعت در حال تغییر، نمی‌تواند بدون بازتاب و عکس العمل وارد مجموعه قوانین شود.⁵³ بیشترین تضاد در کتاب اقدس مربوط به کیفر مرگ (اقدس 62) و مهر زدن به پیشانی دزدان می‌باشد (اقدس 45). این قوانین توهین به حقوق بشر بوده، و بیشتر شبیه ایدئولوژی‌های قرون وسطی است، تا آنچه امروز بهائیان ادعا می‌کنند؛ یعنی دین روشنفکرانه ایده آل!

ترجمه کتاب اقدس به زبانهای اروپایی با تاخیر تقریباً 150 ساله انجام گرفت. این دیرکرد باعث شد تا ارزیابی قابل اطمینان از اصول و احکام بهائی برای دهها سال به تأخیر بیفتند. ترجمه حاضر از کتاب اقدس کافی است تا یک ارزیابی دقیق در مورد سیستم قوانین بهائی صورت گیرد.⁵⁴

البته سوال این است که آیا تغییرات خودسرانه و بسیار فرصت طلبانه قوانین بهاء الله⁵⁵ اجازه می دهد که کتاب اقدس منصفانه و واقع بینانه نقد شود؟⁵⁶ در اینجا نا هماهنگی های زیادی وجود دارد که با یک نظر دقیق به راحتی قابل مشاهده است. به عنوان مثال، توضیحات و تفسیرهای موجود، در تضاد با نص قوانین کتاب اقدس و کلام و احکام بهاء الله می باشند. بسیار سهل انگارانه سعی کرده اند نظرات را تغییر دهند تا بتوانند آن را به نویسنده کتاب نسبت دهند و به زور وحی الهی را تفسیر و تبیین کنند.⁵⁷

بخش سوم

ایین بهائی، از ادعا تا واقعیت

1 حکومت صلح و عصر طلایی

دیانت بهائی مدعی است که تنها دین واقعی و مطلق است. دلیل این ادعا این است که خداوند همواره در طول تاریخ، در جهت تحقق اراده اش، در شکل و زبان مقتضی، پیامبرانی را به سوی انسان فرستاده است. بهاءالله (1817-1892) مرکز این انگیزش جدید است. او، پیامبر زمان، آمده است تا تمام ادیان گذشته و تمام انسان‌ها را تحت یک اعتقاد، و تحت یک جامعه جهانی، با صلح و دوستی، با هم متحد کند.

یکی از تعالیم مدرن، مدارا مدارانه و عقلانی بهائی این است که بر تمام مشکلات مذهبی و اجتماعی فائق آمده، تساوی کل بشر را نوید می‌دهد. با علم سازگاری دارد، و آزاد از هر نوع تضاد و درگیری است. دیانت بهائی به منظور تطبیق با این ایده آل‌ها، خود را قهرمان حکومت صلح و دوستی در یک عصر طلایی می‌داند و تعالیم خود را در تاریخ ادیان، در بالاترین سطح می‌بیند.

ولی وقتی در تعالیم بهائی عمیق شویم، می‌بینیم که ادعا با واقعیت همخوان نیست و تضادهایی وجود دارد که نشان می‌دهد چنین اعتماد به نفس بالایی سزاوار جامعه بهائی نیست.

بهائیان معتقد به دور ارسال پیامبران هستند. بنا بر این عقیده، خداوند امر خود را در هر عصری و به طور مداوم، نازل می‌کند؛ به گونه ای که هر دین جدید، کامل و ناسخ دین قبلی است. به این ترتیب، تمام ادیان و پیامبران یکی هستند. ادیان یهودی، مسیحی، اسلام و زرتشتی، و بابی و بهائی - با وجود عمر کم - هر یک بخشی از این حقیقت الهی اند. اندکی بعد هندویسم و بودیسم نیز، با وجودی که به ندرت با اسلام و سایر ادیان الهی تطابق دارند، جزو این سلسله ادیان قرار گرفتند.¹

تمام ادیان از جانب خداوندند؛ پس به رسمیت شناخته شده و با هم یکسان هستند. به خاطر ضرورت وجود تعالیم جدید در آیین بهائی، این دین در دور جدید امر الهی، به عنوان ایینی با ارزش تر شناخته شده و از تعالیم و ادیان گذشته بالاتر است. به این ترتیب، دیگر بحث از تنوع و تساوی اعتقادات نیست، و تساوی، چیزی جز یک لفظ و کلمه تهی و زینتی نمی باشد.

اگر دقت شود، آیین بهائی تساوی در تنوع و وحدت در کثرت را نمی خواهد، بلکه تلاش می‌کند تمام ادیان گذشته در این دین جدید داخل شده، یکسان سازی و همتراز شوند.² طبق تفسیر آنان، با ظهور بهاءالله تمام ادیان گذشته تکراری و غیرقابل اجرا شده است. از قرار معلوم، اتحادی که بهائیان از آن دم می زنند، ظاهری است و بر خلاف تمام ایده‌های مربوط به تنوع ادیان، ابزاری برای پنهان ساختن انحصار طلبی است.

آیین بهائی، انجیل و قرآن را به عنوان کلام الهی به رسمیت می‌شناسد؛ ولی البته در کتاب اقدس، مقدس‌ترین کتابشان، کلام مقدس خود را دارند که با کتب دیگر ادیان در تناقض است. طبق تفسیر بهائی، فقط تعالیم و قوانین موجود در این کتاب - اقدس - معتبر است. البته این تفسیر با ادعای واقعی آنها در تناقض نیست؛ ولی با وحدت در کثرت مورد تبلیغ آنان، که فقط با تساوی و یکی دانستن دیگر ادیان و برابری با اعتقادات خودشان به وقوع می‌پیوندد، در تضاد است.

در آیین بهائی نه تنها بر وحدت و همزیستی مسالمت آمیز ادیان مختلف تأکید نمی شود، بلکه کمتر درباره ارتباط ادیان سخن گفته شده و بیشتر بر رتبه و مقام بالای تعالیم بهائی نسبت به دیگر ادیان تأکید می گردد. اگر تمام ادیان با هم یکی هستند، این سؤال پیش می‌آید که چرا بهائیان در یک مرزبندی مشخص با دیگر تعالیم و روش‌های فکری، سعی دارند خود را برجسته کنند؟ چرا پیروان دیگر ادیان باید از دین قبلی خود

برگردند؟³ شعار وحدت تمام ادیان و وحدت در کثرت، چه معنایی می دهد، وقتی که جامعه بهائی خود را تنها دین حقیقی در دنیای امروز می داند؟

وحدت ادیان مختلف وقتی معنا دارد که نه تنها هیچ تفاوت و جدایی بین ادیان و تفاسیر مختلف دیده نشود، بلکه بین آنها تساوی و شباهت دیده شود که بهائیان به هیچ وجه چنین دیدگاهی ندارند.

3- وحدت عالم انسانی

چنانچه تمام ادیان متحد شوند، تمام انسانها نیز یک اتحاد ناگسستنی را شکل خواهند داد. آیین بهائی چیزی به نام نژاد، گروه یا ملیت را نمی شناسد. این برادری و اخوت جهانی توانسته نگاه مثبت بسیاری را به سوی بهائیان جلب کند. برادری جهانی ایده آل هنگامی به وجود می آید که تمام ملت‌های دنیا تحت سیستم یکپارچه بهائی درآیند که در آن فقط یک فرهنگ جهانی واحد⁴ وجود داشته باشد و نظام حکومت ملی دیگری مطرح نباشد.⁵ تعالیم بهائی وحدت عالم انسانی را، در یک شکل دینی و جهانی هدف گرفته است.

«باید احکام و دستوره‌های (بهائی) به عنوان دین حکومتی مطاع باشد. دینی که راه خود را برای رسیدن به جایگاه عالی حکومت بهائی باز می کند و به مرحله ای می رسد که در انتها به اوج ایجاد یک جامعه مشترک المنافع بهائی می رسد، که به تعالیم و قوانین بهاءالله برمی گردد.»⁶

چنین سخنان شفافی در نوشته‌های بهائی به ندرت به چشم می خورد. این سخنان به خاطر تبلیغ دین و در جهت جلوگیری از اختلاف، اغلب تحریف شده، بی اهمیت جلوه داده شده یا خیالی جلوه گر می شوند و به ندرت نتایج آن برای پیروان آشکار است.⁷

آیین بهائی، «نظم اداری» خود را به عنوان تنها پایه محکم و استوار جهت استقرار یک جامعه جهانی فراملیتی می داند. در آثار و نوشته‌های بهائی اغلب سخن از «اتحاد دول جهانی» یا «حکومت فدرال جهانی» است. البته هدف رسیدن به یک اتحاد چند ملیتی دولت‌های مستقل، مانند نوعی اتحاد کشورهای مشترک المنافع یا یک جامعه فدراتیو نیست؛ بلکه هدف تأسیس یک نظم دینی (البته از ذکر کلمه دینی نیز اجتناب می شود) است که در آن، قوانین غیرقابل تغییر بهاءالله به عنوان ملاک تمدن جهانی جدید مطرح شود. بالاترین ارگان این دولت الهی جهانی، بیت العدل اعظم است که در سال 1963 در مرکز جهانی بهائی در حیفا (اسرائیل) بنا نهاده شد. «بیت العدل قوانین را تصویب و دولت آن را اجرا می کند.»⁸

با این بیان، دیدگاه سیاست بهائی و برتری بیت العدل اعظم بر تمام قدرت‌های دنیایی، آشکارا مشخص می‌شود. بیت العدل اعظم دارای ویژگی و مقام مصونیت از خطا و اشتباه است. آنچه تصویب می‌کند، از جانب خداوند است⁹ و نباید در آن شک کرد. مقابله و تقابل با آن نشانه خروج از جامعه و موجب طرد است. تمام مدل‌های اجتماعی آزاد¹⁰ سکولار، دموکراتیک¹¹، فدراتیو و چند ملیتی نفی شده است و آینده جهان فقط در نظم متمرکزی که از جانب خداوند تعیین و هدایت می‌شود، به وقوع می‌پیوندد. به همین دلیل، این اصول اعتقادی، فعالیت سیاسی را ممنوع کرده است.

برای اعضای جامعه بهائی، حقوق و قوانین موجود دنیا نه مرجع است و نه الگو و نه معتبر و الزام آور¹². با وجود این، از پیروان خواسته شده تا از قوانین دولتی تبعیت کنند و در مقابل حکومت و نظم و قوانین موجود مخالفت نکنند. دلیل آن را چنین عنوان می‌کنند که این سیستم‌های قدیمی سرانجام محکوم به ناپودی هستند¹³ و ارزش آن را ندارند که آنها را وصله پینه¹⁴ و یا دوباره احیا کرد. این مطلب بهائیان را از شرکت در مجالس و همایش‌های بین مذاهب و ملل مختلف باز نمی‌دارد؛ چرا که محل خوبی برای تبلیغ و ارائه تصویر مثبت و رویایی از خودشان می‌باشد.

4- تاریخ، مایه رنجش

بهائیان می‌کوشند در تعریف از خود، تشکیلاتشان را دارای هارمونی، اتحاد درونی و صلح طلب معرفی کنند. آنها خود را از تمام مشکلات تاریخی، زد و خورد های خشن، تعصبات، درگیریهای فرقه ای، مسلک گرایی، فرقه گرایی و سایر ضعفهای سازمانی که به زعم آنها در دیگر ادیان دیده می‌شود، مبرا می‌دانند. آنها موضوع را این طور برجسته می‌کنند:

"نظام اداری بهائی... به خاطر ریشه ها و ویژگیهای ممتازش، در تاریخ ادیان جهان بی نظیر است. می‌توان به جرئت گفت که هیچ پیامبری قبل از بهاءالله... نتوانسته چیزی بیاورد که این طور به ثبت رسیده باشد و بتوان آن را با نظم اداری امر قیاس کرد؛ نظمی که عبدالها از تعالیم بهاءالله ساخته است. به دلیل وجود قوانین اداری که خالق آن را تثبیت کرده، تشکیلاتی که او به وجود آورده و حق تفسیری که به او - ولی امرالله (شوقی افندی) - افاضه کرده، این نظم می‌تواند و باید این عقیده را از گسستگی حفظ کند؛ امری که در سایر ادیان دیده نشده است."¹⁵ در قدرت مطلق نظم اداری بهائی، راز این قدرت و تفاوت اصلی آن با نظامات سایر ادیان و سلاخی در برابر چند دستگی و اضمحلال نهفته است."¹⁶

قطعی و بی چون و چرا بودن نظم الهی، بهائیان را از هرگونه تفرقه و نفاق درونی حفظ می‌کند. آنها اعتقادات و تشکیلات خود را دارای اتحاد غیر قابل گسست و تزلزل و غیر قابل بحث بر می‌شمارند. ولی هنگامی که تاریخ را ورق می‌زنیم، با حقایقی رو به رو می‌شویم که با آنچه بهائیان از خود به تصویر می‌کشند، در تضادی آشکار است. در همان سالهای اول تاریخ بهائی، چند دستگی داخلی، دشمنی‌ها و درگیریهای خونین، و نیز دودستگی و دعوا و نزاع بر سر جانشینی دیده می‌شود که تا به امروز ادامه داشته است.

تاریخ پیچیده بهائی از آنجا شروع می‌شود که در سال 1844 هجری، در شیراز، شخصی¹⁷ به نام سید علی محمد باب (متولد 1819) مدعی شد که باب امام مهدی، موعود شیعیان، است.¹⁸ او توانست پیروان زیادی را دور خود جمع کند. به عنوان یک شیعه ارتدکس و مخالف دولت، در صدد برآمد تا دولتی الهی بر اساس تعالیم خویش تاسیس نماید.¹⁹ در سالهای 1848، 1851 و 1853 پیروان او به امید تحقق این هدف، در صحنه‌های مختلف اقدام به جهاد و آشوب خونین در برابر نظام دینی و نظام سیاسی و دولت حاکم کردند.²⁰

البته تمام شورشها شکست خورد و علی محمد باب (که از سال 1846 در زندان بود) در سال 1850 در ملا عام تیرباران شد.

باب، یحیی صبح ازل 19 ساله را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد. برادر ناتنی او، میرزا حسینعلی که 13 سال از او بزرگ تر بود، بعدها با لقب بهاءالله، به عنوان موسس آیین بهائی شناخته شد. صبح ازل قابلیت رهبری اندکی از خود نشان داد و برادرش همواره به این بهانه رهبری را از ان خود می‌دانست. خصومت و دشمنی بین دو برادر، سالها با تندی و تلخی، و گاهی با خشونت ادامه یافت و در سالهای 1866 و 67 سرانجام با ایجاد شکاف و جدایی بین دو رقیب ختم شد.

میرزا حسینعلی پیروز توانست با این ادعا که حامل امر جدید الهی است، اکثر بابیان را به سوی خود جلب کند. آیین جدید بهائی پدید آمد؛ در حالی که آیین بابی هم با تعداد اندکی پیرو به زندگی و حیات خود ادامه داد. پس از مرگ بهاءالله (1892) پسر بزرگ او عباس، معروف به عبدالبهاء، جانشین پدر شد. البته در این مرحله نیز وضعیت به همین صورت باقی نماند و برادر کوچک تر او، محمد علی (که دو برادر دیگرش بدیع الله و ضیاءالله، اکثر اعضای خانواده حضرت بهاءالله، و نیز دیگر پیروان به او ملحق شده بودند) بر سر جانشینی، دعوا و نزاع به راه انداخت.²¹ این اختلافات، پس از سالها درگیری، با پیروزی عبدالبهاء به پایان رسید؛ ولی نتیجه آن ایجاد دو دستگی خانواده مظهر الاهی بود.

در سال 1921، شوقی افندی (1897 - 1957) بر طبق یک وصیتنامه مورد اختلاف، از سوی عبدالبهاء²²، به عنوان ولی امرالله، رهبری جامعه بهائی را به عهده گرفت. تحت رهبری دینی او، خانواده پیامبر آیین وحدت، کاملاً از هم پاشید. ²³ به طوری که پس از مرگ او در سال 1957، کسی باقی نماند که جانشین او شود و به این ترتیب، مسولیت الهی و جایگاه ولی امراللهی پس از مرگ نخستین ولی امرالله پایان یافت.

در نوامبر 1950، شورای بین المللی بهائی، به عنوان مرحله جنینی بیت العدل جهانی، تاسیس شد تا رهبری جامعه بین المللی بهائی را عهده دار شود. ریاست این شورا، طبق حکم شوقی ربانی، بر عهده ایادی امرالله، چارلز میسن ریمی قرار گرفت. میسن ریمی (1874 - 1974) در سال 1960 ادعا کرد که دومین ولی امرالله است. اما او از سوی شورای ایادیان مقیم ارض اقدس از جامعه بهائی طرد شد و خود، طبق اصل جانشینی ولی امرالله، فرقه خود را تاسیس کرد که امروزه با نام «جامعه بهائیان ارتدکس» معروف هستند. حدود صد سال نزاع مداوم بر سر جانشینی این یا آن، با تاسیس بیت العدل جهانی به پایان رسید. مقر این بالاترین نهاد و موسسه بهائی در حیفا است و نه نفر عضو آن هر پنج سال یکبار انتخاب می شوند.

در آثار و نوشته‌های بهائی به ندرت در مورد این حقایق تاریخی مطلبی یافت می‌شود. این مطالب یا انکار شده، و یا برای حفظ ظاهر، تفسیر می شوند و هر گروه با حرارت زیاد به ستایش رهبر خود می‌پردازد. گذشته و حال جامعه بهائی کمتر با دید نقادانه نگریسته می‌شود؛ تا جایی که اکثر پیروان، همانند قبل، هنوز بر این عقیده‌اند که جامعه و نهادهای بهائی، تاریخی بدون درگیری و تعصب داشته‌اند.

5 - هشدار درباره دشمنان و تجزیه داخلی

مطلبی که در کتب بهائی بسیار به چشم می خورد، هشدار درباره خطر دشمنان، دعوت به اتحاد داخلی و اطاعت محض از دستورهای تشکیلات اداری است. هیچ چیز به اندازه مقابله با خطرات داخلی و خارجی، تبعیت از راهنمایی‌ها و هدایات مصون از خطا و گسترش نظم اداری، ادبیات و آثار بهائی را به خود مشغول نکرده است.

عجیب است که جامعه ای به ظاهر امن و صلح جو، با اتحاد درونی و دارای هارمونی، به این صورت بر روی هجوم خارجی و اتحاد داخلی تمرکز می‌کند. نکته دیگر اینکه منتقدان و نویسندگان بهائی، بر خلاف آزادی و شکیبایی مورد ادعا، با تهدید به محرومیت از حقوق اداری²⁴ یا طرد از جامعه، ساکت شده‌اند.²⁵

از همان سالهای اول، شوقی سناریوی توطئه‌های جهانی بر ضد امر را طرح ریزی کرد:

«ملت‌ها، اقوام و پیروان ادیان مختلف با هم متحد شده و، یکی پس از دیگری، بر خواهند خاست تا اتحاد بهائیان را از بین ببرند، قدرتشان را مضمحل کنند و نام مقدس او را نابود سازند. آنها نه تنها به روحی که در او تثبیت شده حمله ور می‌شوند، بلکه ساختار اداری - که مسیر، وسیله و تجسم این روح است - را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. زیرا هر چه اقتداری که بهاء‌الله، جامعه آینده بهائی را به آن ملبس کرده، آشکارتر شود، تهدیدها شدیدتر خواهد شد.»²⁶ «طولی نخواهد کشید که از دور و نزدیک، صدای مردم افریقا و امریکا، فریاد اروپاییان و ترک‌ها، و ناله هندوها و چینی‌ها شنیده خواهد شد. آنها با هم متحد شده و با تمام قوا برای نابودی امر او (بهاء‌الله) به پا خواهند ایستاد.»²⁷

بیش از آنکه به دشمنان خارجی هشدار داده شود، نسبت به وجود خطر تقابل داخلی هشدار داده شده است که در زبان بهائی به ناقضین معروف اند. ضرر پیمان شکنی و خطر آنها برای جامعه به سیاه‌ترین وجه به تصویر کشیده شده است. برطبق کلمات بهاء‌الله، آنها نفرت‌انگیز، خبیث، بدگو، تنفرآفرین، حيله‌گر، شریر، احمق، شکاک، شیروحشی و حيله‌گر، گرگ خونخوار و جانور خون آشام هستند.²⁸

اینک متنی از لوح عبدالبهاء به نام «از امر الاهی مراقبت کنید»²⁹: «بهاء‌الله دوستی خالصانه و صادقانه با کسانی را که به اتحاد صدمه زده‌اند، ممنوع کرده است؛ همچنین رفت و آمد با آنها و نزدیک شدن به آنها را؛ چرا که نفس آنها مانند سم مار است که انسان را در جا می‌کشد...!»

«در نوشته‌های الاهی، حداقل در هزار مورد، بر هم زندگان اتحاد را محکوم و لعن می‌کند...»³⁰ «رفت و آمد با بدان باعث می‌شود عاقبت خود از بدان شوی... بر هم زنده اتحاد مانند جذام است. هیچ انسانی نیست که با یک جذامی رفت و آمد کند، مگر آنکه خود او نیز به آن مبتلا شود!»³¹

بنابراین، وفاداری و استواری در تشکیلات بالاترین دستور است؛ از این رو، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه تفکر امر الاهی این است که از ناقضین کاملاً دوری کنیم؛ زیرا آنها امر الاهی را نابود می‌کنند، قوانین او را از بین می‌برند و تمام کوشش‌ها را بی ارزش می‌نمایند.³²

اعمالی که باعث می‌شود تا کسی جزو ناقضین عهد و میثاق باشد، تبعیت نکردن از قوانین بهاء‌الله (مثل نوشیدن مشروبات الکلی یا زنا...) نیست؛ بلکه سر باز زدن از نظم الاهی³³ و عدم پذیرش بی چون و چرای نهادهای اجرایی جامعه بهائی و انتقاد از موسسات امری، از جمله موارد نقض، و موجب طرد روحانی است.³⁴

هیچ کس حق ندارد، خصوصی یا در جمع، حتی یک کلمه از خود بگوید، یا چیزی را توضیح دهد، یا متنی را از کتاب اقدس تفسیر کند.³⁵ هیچ کس اجازه ندارد نظر شخصی خود را اظهار کند؛ یا ادراکات شخصی خود را بگوید. همه باید راهنمایی بجویند و به مرکز امر (شوقی افندی) و بیت العدل رجوع کنند. هر کس به جای دیگری مراجعه کند، در حقیقت، در گمراهی دردناکی است.³⁶ همه احباء³⁷ باید در هر موردی، با محفل روحانی مشورت کنند.³⁸ به این ترتیب، یک تمکین دسته جمعی خواسته شده است.³⁹

طرد به عنوان وسیله ای آزمایش شده جهت مقابله و پاک نگهداشتن جامعه از عناصر خرابکار است.⁴⁰ طرد از نظر تعالیم بهائی... جهت ایمن ساختن اتحاد در دین است و مانند جدا کردن سلولهای سرطانی برای نجات کل اعضا لازم است.⁴¹

با طرد، تمام روابط خانوادگی با نزدیک ترین بستگان (پدر و مادر، پدر زن و مادر زن، فرزندان، خواهر و برادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ...) قطع می شود. و عینا همین مجازات برای کسانی است که با طردشدگان رفت و آمد کنند.⁴² با طرد نه تنها عضویت در جامعه قطع می شود، بلکه تمام شخصیت فرد از بین می رود.⁴³ در جامعه ای که دولت مورد نظر بهائی حکمفرماست، تمام حقوق شهروندی فرد نیز از بین می رود.

6 - کلام آخر

آیین بهائی در اروپا و در کل دنیای غرب کمتر شناخته شده است. نخستین جامعه بهائی در اروپا و امریکا، در اوایل قرن بیستم به وجود آمد؛ ولی، با وجود تبلیغات زیاد، نتوانست در بین فرهنگ و جوامع غربی جای پای محکمی برای خود دست و پا بکند.

این نتیجه، از دینی با شعار و هدف جهانی، به سختی قابل قبول است. در اوایل، شعارهای تساوی حقوق رجال و نساء، وحدت عالم انسانی، و لزوم تطابق دین با علم⁴⁴ باعث علاقه و گرایش زیادی شد؛ در حالی که این تبلیغات و تعالیم از مدتها قبل در جوامع روشنفکری وجود داشت و به همین دلیل چندان نظر آنها را جلب نکرد.⁴⁵

در ابتدای تاریخ بهائی در غرب، که هنوز نتوانسته بود سازمان خود را استوار کند، خود را در مرحله گذار می دید. بهائیان آن دوره را دوران قهرمانان می خوانند.⁴⁶ پس از آن "دوران آهنین" تحت امر ولی امراللهی شوقی افندی (1957 تا 1921) شروع شد؛ که جامعه بهائی را تحت رهبری متمرکز و با دیسپلین قرار داد. در آن زمان، پس از عدم پذیرش و استقبال فوق الذکر، در اوایل شکل گیری جامعه،⁴⁷ به چند دستگی و مجادله دیگری برمی خوریم که به علت نبود کانال اطلاع رسانی، به ندرت، عمومی شد و نیز تأثیرات بعدی نداشت. تنها در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره سوم، به دلیل وجود اینترنت، تضادها و کشمکشهایی، که تا آن روز در درون تشکیلات وجود داشت، علنی و عمومی شد.

در غرب (اروپا و امریکای شمالی) که جامعه بهائی در دهه 60 گذشته، رشدی مشخص و محدود داشت، تعداد اعضا ثابت باقی ماند.⁴⁸ در مقابل، جریانات متفاوت و متضادی هم پدیدار گشت: شاخه اصلی بهائیان آزاد، بهائیان اصلاح طلب و بهائیان ارتدکس که همچنان معتقد به وجود ولی امرالله هستند.

در ایالات متحده امریکا، بخصوص از سال 1990، مخالفتها در برابر بنیادگرایی بهائی⁴⁹، رهبری مرکزی، محدودیت در اظهار آزادانه عقاید⁵⁰، طرد و دیگر عملکردهای منفی جامعه بهائی رو به رشد است. کارن باکت، فردریک گلیشر، دکتر یوهان کول و دکتر دنیس مک اوئن، در مرکز این مناقشات قرار دارند. کول و اوئن، هر دو از اعضای پیشین جامعه بهائی و از متخصصان بهائی شناسی می باشند. آنها به انتقاد از اصولگرایی و ایده ال گرایی بهائی پرداختند و توانستند بحثها و دیالوگهایی در درون جامعه ایجادکنند که با استفاده از رسانه‌های مجازی و اینترنتی ادامه یافت.

البته آیین بهائی در اذهان عمومی دارای شهرت است. تعالیم مربوط به تساوی و وحدت اساس ادیان و انسانها، و وحدت عالم انسانی، طرفدارانی در خارج از تشکیلات بهائی پیدا کرده است. همچنین ادعای تحری حقیقت، تطابق دین با علم، و تساوی حقوق زن و مرد، این آیین را به عنوان یک تفکر مترقی، معقول و روادار معرفی می‌کند. به سبب فشار به بهائیان در ایران و سایر کشورهای اسلامی، بین آنها همدلی و همبستگی گسترده ای به وجود آمده است.

اگرچه بهائیان هرگونه ارتباط با اسلام را نفی می‌کنند، ولی نمی‌توانند ریشه اسلامی دین خود را کتمان نمایند؛ لذا بر طبق آن سنجیده می‌شوند. در نزد مسلمانان، آیین بهائی تفکری انحرافی است که خود را یک دین مستقل می‌پندارد و می‌کوشد خود را از اسلام منفک کند. با وجود این، تشابهاتی که بیشتر مربوط به فهم دین می‌شود زیاد است. آیین بهائی نیز همانند اسلام اصولگراست و بر تشکیل دولت تئوکراتیک و دکتورین اجتماعی "حکومت دینی" تاکید دارد و هدفش، اتحاد تمام بشریت در سایه حکومتی مبتنی بر دستورها و احکام الهی است. این دین خود را تنها ریسمان هدایت در تمام ارکان زندگی انسانها میدانند و بر این باور است که تنها نظام الهی است که باید تمام تصمیمات شخصی، دینی، قومی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و قضایی را تنظیم کند.

چنانچه برای اسلام بنیادگرا واژه اسلام متحجر⁵¹ را در نظر بگیریم⁵²، همین مطلب برای آیین بهائی هم صدق می‌کند. البته برای آیین بهائی هم باید واژه ای هم معنا با اسلام متحجر ساخته شود. هدف بهائیان نیز مانند اسلام متحجر، تاسیس حکومت بنیادگرا (تئوکراسی) همراه و بر اساس دین جهانی است. البته آنها هرگونه اشتغال به امور دنیوی را نفی می‌کنند و اصول اعتقادی خود را به دور از هر فعالیت سیاسی می‌دانند.⁵³

آنها بر صلح جویی خود تاکید می‌نمایند و پیروانشان را موظف به اطاعت از اولیای امور می‌دانند؛ ولی نظام حکومتی و اجتماعی سکولار را نفی می‌کنند.⁵⁴ هدف و طرح آیین بهائی به عنوان دین حکومتی⁵⁵ همانا حکومت جهانی بهائی است.⁵⁶ مهم ترین و بالاترین عنصر این دیکتاتوری عقیدتی، اقتدار و مصونیت از خطا بودن بیت العدل اعظم است. بر اساس این منطق، آیین بهائی یک دین سیاسی و ایدئولوژیک است و در همان حال، به خاطر حاشیه‌های اجتماعی خود و برای تحقق اهداف مورد نظر خود، ناگزیر از خویششننداری شده است.

برخلاف چهره شناخته شده بنیادگرایی اسلامی، بهائیان توانسته‌اند خود را دینی جدید، مدرن، و پیشرفته معرفی کنند. اینکه بتوان در دنیای در حال تغییرکنونی، به ضرورت وجود دین یکپارچه جهانی رسید، چندان واقع گرایانه نیست. عموماً نظر بر این است که در نظامهای عقیدتی سنتی، وجود چندین دین در کنار هم

به رسمیت شناخته شده و پیروان آنها همدیگر را تحمل می کنند و می توانند با هم به گفتگو بپردازند و در همان حال، شخصیت وجودی خود را نیز حفظ کنند. دیگر زمان تسلط یک دین گذشته است و با آمدن یک دین جهانی نیز تکصدایی به وجود نخواهد آمد.

آیین بهائی طرز فکری شرقی است که در قرن نوزدهم به وجود آمد و به شدت متصلب، متعصب، و دارای ایدئولوژی قالبی و بتنی میباشد و با روح دینامیک و جامعه چند قطبی و چند صدایی قابل تطبیق نیست. اگر هم بخواهیم آیین بهائی را در کنار دیگر ادیان جهانی، به عنوان یکی از جوانترین اعضا قرار دهیم تا بتواند تعالیم جهانی خود را به اجرا بگذارد، به دلیل موانع خود ساخته، برای همیشه مهجور خواهد ماند.

یادداشت‌های فصل یک

1- خوارج نه امامت خاندان پیامبر و نه خلافت معاویه را پذیرفتند و خواستار برکناری هر دوی آنها از قدرت شدند.

2- تفکیک رهبری معنوی و علمی از پیشوایی سیاسی، جایی در اندیشه امامت شیعی ندارد و شیعیان از روزگار نخست، امام را جانشین همه جانبه پیامبر در امور دین و دنیا می‌دانسته‌اند. دانشمندان اهل سنت نیز در این تعریف از امام، با شیعیان همداستان‌اند. (شریف جرجانی، شرح المواقف، ج 5، 345) افزون بر این، شواهد تاریخی و روایی نشان می‌دهد که شیعیان هیچ‌گاه اعتقاد به حق رهبری سیاسی امامانشان را از منظومه عقاید دینی‌شان حذف نکردند. توقع شیعیان از امامانشان برای سرنگونی حکومت‌های وقت و به دست گرفتن زمام امور در تمام دورانه‌های امامت شاهد این دعوی است. (مترجم)

3- غیبت در باور شیعیان از گذشته تا کنون، به این معناست که امام در همین جهان و بر روی همین زمین، به شکل طبیعی، زندگی و حتی در میان مردمان رفت و آمد می‌کند؛ لیکن شیعیان از محل زندگی امام خود خبر ندارند و او را به چهره و صورت، نمی‌شناسند. این باور مبتنی بر احادیث بسیاری است که از معصومان نقل شده است. (برای نمونه، رک: کلینی، الکافی، ج 1، ص 336، ح 4 و ص 338، ح 6 و ص 339، ح 12؛ صدوق، کمال الدین، ج 2، ص 350، ح 46) (مترجم)

4- آنچه پس از غیبت رخ خواهد داد، «ظهور» است نه رجعت. اساساً «ظهور» و «رجعت» در باورهای شیعی، دو مفهوم متفاوت‌اند. (مترجم)

5- بنا بر اعتقاد شیعه اثناعشری، در زمان غیبت امام دوازدهم، رهبری جامعه به عهده علمای دینی نهاده شده است.

6 - نگاه کنید به مقاله «شیخیه» در کتاب «اسلام به زبان ساده»، ص 670

7 - سال 260 هجری قمری معادل 874 میلادی بوده، بنابراین سال 1260 هجری، سال اعلان دعوت علی محمد باب، حدوداً سال 1844 میلادی است.

8- سید (آقا) لقب خاص برای فرزندان محمد (ص) پیامبر اسلام است. (اگرچه میرزا علی محمد شیرازی فرزند میرزا رضا، نه از جانب پدر سید بود و نه از جانب مادر. (مترجم))

9- به نقل از بوسانی، دانشنامه اسلام، چاپ جدید، ج 1، ص 856 و ادوارد براون، دانشنامه دین و اخلاق، ج 2، ص 301، تولد او 9 اکتبر 1820 ذکر شده است.

10 کتاب حاضر فصل 1 - 1.

11 مانفرد هوتز، آیین بهائی، ص 7 (M.Huttter, Die Baha'i, s.7)

12 ملا حسین بشرویی و علی محمد باب هر دو شیخی بودند و در جلسات درسی شیخیه شرکت کرده بودند. (مانفرد هوتز، آیین بهائی، ص 8 (M.Huttter, Die Baha'i, s.8)

13 در آن زمان او در حضور ملا حسین فقط ادعای «باب» بودن را کرد و ادعای مهدویت نداشت. (م. هوتز، همان مدرک) او اولین بار ادعای مهدویت را در سال 1848 عنوان کرد: رجوع کنید به دنیس مک اوئن، مدخل «باب» در دانشنامه ایرانیکا، ج 3، ص 312* و دنیس مک اوئن، مدخل «باب» در دانشنامه نوین جهان اسلام اکسفورد، ج 1، ص 174.

14* (توضیح مترجم: در احادیث اسلامی، غیبت امام دوازدهم به غیبت حضرت یوسف تشبیه و در این باره، به آیه پنجاه و هشتم این سوره استناد شده است. (ر.ک: نعمانی، الغیبة، ص 141، ج 2؛ صدوق، کمال الدین، ج 2، ص 341، ح 21؛ طوسی، الغیبة، ص 163 - 164) از سوی دیگر، روایات مربوط به مهدویت و ویژگیهای مهدی، ذیل آیات اغلب سوره های قرآن کریم وارد شده و نزد شیعیان، این سوره اختصاصی در این باره ندارد. (مترجم)

15 م-هوتز، همان، ص 8 (M.Huttter, Die Baha'i, s.8)

16 م-هوتز، همان، ص 8 (M.Huttter, Die Baha'i, s.8)

17 کتاب حاضر فصل 1 - 1

18 بازگشت و ظهور امام غایب

H. Roemer, Die Babi-Behai, s.16 19

20 عدد 19 در آیین بابی نقشی سمبولیک دارد و با محاسبه جمع تعداد حروف عبارت بسم الله الرحمن الرحیم که در اول هر سوره قران مجید میاید برابر است.

21 اقدام برای انجام عمل حج نشان می دهد که او هنوز خود را فردی مسلمان می دانسته و مجری احکام اسلامی بوده است.

22 «کربلا» مدفن و بارگاه امام حسین ، فصل 1 - 1 همین کتاب.

23 م- هوتتر، همان، ص 9 (M.Huttter, Die Baha'i, s.9)

24 پیشوایان شیخی، از جمله محیط کرمانی و محمد کریم خان کرمانی، صحت حضور سید باب در مکه و اعلام و دعوت او را تایید نمی کنند.

K.Borrmann, Das Aqdas, s.10 25

26 منظور او از این عبارت امام مهدی بوده است. همین کتاب، بخش ۲-۱

M.Huttter, Die Baha'i, s.10 27

M.Huttter, Die Baha'i, s.10 28

M.Huttter, Die Baha'i, s.10f 29

30 م- هوتتر، همان، ص 11؛ پیتر اسمیت، کلمه عظیم در دانشنامه مختصر دیانت بهائی، ص 54؛ دنیس مک اوئن، سرفصل بابی در دانشنامه ایرانیکا، ج 3، ص 312.

Shoghi Effendi, God passes by, p.35 31

Shoghi Effendi, God passes by, P.36 32

33- در ماه سپتامبر 1952 به قتل رسید.

M.Huttter, Die Baha'i, s.11f - 34

35- نگاه کنید به کتاب بیان عربی و نیز ادوارد براون، ژورنال انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی، 1889، ص 927 * ادوارد براون، تاریخ جدید ص 26 مقدمه و ص 441 متن * دنیس مک اوئن، مدخل باب در دانشنامه ایرانیکا، ج 3، ص 284.

36- پیشتر گذشت که حروف حی 18 نفر بوده اند.

37- شوقی افندی ادعا می‌کند که بهاء‌الله نیز در قلعه شیخ طبرسی حضور داشته است (God Passes

E.G.Browne(ed), Tarikh-i- by,P.76)، در حالی که سایر منابع معتبر این ادعا را رد میکنند: -

Jadid,P.330; Nabil-i- Azam,The Dawn-Breakers(Ed. by Shoghi Effendi),S.4

E.G.Browne,Art.Bab,Babis,in Ency of Religion & Ethics,Vol2,P.302 38

Art. Babism,in Encycl Iranica, Vol3,P.316; From Babism to - 39

.Bahatism,in:Religion 13/1983,P236f

* پاورقی: آموزه های باب در اصول عقاید با تعالیم اسلام تفاوت‌های بنیادین دارد. «خدا» در اسلام، معروف فطری آفریدگان است (رک: سوره نور، آیه 30 و احادیث مربوط به این آیه)؛ ولی در آیین بابی، شناخت خدا اساساً ممکن نیست و معرفت توحید او منوط به معرفت «باب» است. (میرزا علی محمد شیرازی، بیان فارسی، ص 1 و 4، مقدمه و باب اول از واحد اول) تفاوت مهم دیگر میان اسلام و آیین بابی، در موضوع معاد و قیامت است. در آیین بابی، معاد و قیامت به معنای اسلامی اش، هرگز وجود ندارد. در این آیین، قیامت یعنی فاصله زمانی میان روز ظهور پیامبران و روز درگذشت آنان. (همان، ص 30، باب هفتم از واحد دوم)

40 دوازدهمین امام شیعه از نسل و خانواده پیامبر اسلام.

41 نگاه کنید به فصل 1 - 2 - 1 همین کتاب که قائم و مهدی یکی هستند. و نک

Qaim in Wendi Momen,A Basic Bahai Dictionery,P.190

42 دنیس مک اوئن، مدخل باب، دانشنامه ایرانیکا، ج 3، ص 279 * مک اوئن، دانشنامه مدرن جهان اسلام،

ج 1، ص 174 * E.G.Browne(ed), Tarikh-i-Jadid,P.336

M.Huttter, Die Baha'i, s.9f 43

همین کتاب، قسمت 1 - 2 - 1 44

همین کتاب، قسمت 1 - 2 - 1 45

همین کتاب، قسمت 4 46

H. Roemer, Die Babi-Behai, s.47 47

نگاه کنید به همین کتاب قسمت 2 - 1 - 2 و 3 - 1 - 4 و نیز 48

<http://www.bahaiawareness.com/taq1.html> و کامران اقبال، تقیه و کتمان در آیین‌های بابی و

بهائی و *Kultur, Recht und Politik in Muslimischen, Bd.1. Wurzburg 2001, S.363-372*

کتاب حاضر قسمت 1 - 2 - 1 49

D.M.Mac Eoin, From Babism to Bahatism, p.221 *D.M.Mac Eoin, - 50

Encyclopedia Iranica, Vol 3, P.283f

کتاب حاضر قسمت 1 - 2 - 1 51

ی 52 *J.R.I.Cole, Art Baha-Allah, in Encyclopedia Iranica, Vol III, P.423* * شوقی افندی،

قرن بدیع، ص 76. کتاب حاضر بخش 1 - 2 -

53 - درباره مفاهیم سمبولیک عدد 19 در آیین بابی به قسمت 1 - 2 - 1 همین کتاب رجوع شود.

54 دنیس مک اوئن، مقاله صبح ازل در دانشنامه اسلام، چاپ جدید، ج 9، ص 773 * مک اوئن، " آیین

بابی " در دانشنامه جهان اسلام جدید اکفورد، ج 1، ص 175.

E.G.Browne, Journal of the Royal Asiatic Society, 1889, P.997 55

M.Huttter, Die Baha'i, s.15 ; J.R.Richards, The Religion of the Bahais, P.52 56

57 کتاب حاضر قسمت 1 - 2 - 1

58 بتگرید به مقاله " باب - بایان " ادوارد براون در دانشنامه دین و اخلاق، ص 302 * نوشته خوان کول، ایرانیکا، مدخل بهاءالله، ج3، ص 424 مینویسد 12 ژانویه 1853.

59 H. Roemer, Die Babi-Behai, P.72 & 80 د. مک اوئن، ادعاهای انشعاب و جانشینی در میان بایان(1850 تا 1866) و نیز د.مک اوئن، مدخل "دیانت بهائی" در ایرانیکا، ج3 ص 447.

60 H. Roemer, Die Babi-Behai, P.80 * Shoghi Effendi, God Passes By, P.141 & 188 نیز ادوارد براون، سفرنامه شخص سیاح، تاریخ بایبه، ص 357 *

H. Roemer, Die Babi-Behai, P.80 61

62 عبارت ایقان، « و او ما را در تحت غیب او قرار داد...»

M.Huttter, Die Baha'I, P.16 63

H. Roemer, Die Babi-Behai, P.72 64

65 در سنت تاریخ نویسی بهائی، از این مرحله به بعد، نقش صبح ازل تنزل یافته یا کلا حذف شده است. معمولاً او را فردی ضعیف النفس و ترسو و یزدل، و متملق، بیکاره و بی کفایت، آب زیر گاه، اسرافکار و تجملاتی، ستیزه گر، جنایتکار و فاقد هرگونه صفات و ویژگی مثبت توصیف کرده اند. انتصاب او به عنوان جانشین باب ابتدا تایید و تصدیق شده و سپس تکذیب و از ان منصب خلع و مقامش غصب گردیده است.

M.Huttter, Die Baha'I, P.16 66

67 کتاب حاضر قسمتهای 1 - 2 - 2 و 1 - 4 - 3

M.Huttter, Die Baha'I, P.16 68

69 مقرر دولت عثمانی

70 بتگرید قسمت 1 - 2 همین کتاب را. به هر حال، بهاءالله در سال 1269/1852، نه سال پس از اعلان باب (1260/1844) ادعای خود را (من یظهره اللهی) مطرح می‌کند؛ اگرچه در جای دیگری، در لوح این الذئب ص 34، می‌گوید که در ایام سجن سیاهچال طهران هم تجربه مشابه دریافت وحی و الهام به او دست داده است.

See M.H.Phelps, Life and Teachings of Abbas Effendi, P.30 * H.Dreyfus, Essai sur le Behaisme, P.42

F.Ficicchia, Der Bahaismus, P.123ff * Shoghi Effendi, God Passes By, P.174 71

H. Roemer, Die Babi-Behai, P.79 & 84 72

73 ژورنال انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی، سال 1892، ص 306: بهاءالله در سال 1866 رسالت خود را بطور رسمی در ادرنه اعلام کرد.

74 برای همه موارد نگاه کنید به J.R.Richards, The Religion of the Bahais, P.58. اینکه گفته می‌شود اعلان امر بهاءالله در رضوان 1863 صورت گرفته، برای آن است که بگویند بین اعلان او تا اعلان امر سید باب در سال 1844، 19 سال فاصله بوده، تا آن را با ویژگی و خواص رمزی و حروفی عدد 19 در آیین باب مرتبط سازند. نیز نگاه کنید به قسمت 1 - 2 - 1 همین کتاب.

75 بهاءالله قبل از حرکت به سوی استانبول، به برادرش صبح ازل پیشنهاد می‌کند که دنبال او نرود، بلکه به ایران بازگردد و آثار باب را منتشر نماید (شوقی افندی، قرن بدیع، ص 186). قابل درک است که صبح ازل این پیشنهاد مغرضانه را نپذیرد و به آن واکنشی نشان ندهد؛ زیرا او به عنوان یک رهبر بابی، در ایران خرابی و مشکلاتی به وجود آورده بود و لذا امنیت نداشت.

H.Dreyfus, Essai sur le Behaisme, P.62. * J.R.Richards, The Religion of the- 76 Bahais, P.60 & 231 * ولی بهیه خانم، دختر ارشد بهاءالله، روایت متفاوتی بیان می‌کند (نقل از M.H.Phelps, Life and Teachings of Abbas Effendi، ص 32) و این مطلب در تاریخ رسمی بهائی هم به چشم می‌خورد: حقیقت آن است که ما تبعید شدگان، به عنوان میهمانان دولت عثمانی وارد استانبول شدیم. این مطلب را شوقی نیز بیان کرده است (قرن بدیع، صص 168 و 179) و نیز نک: H. Roemer, Die Babi-Behai, P.91

H. Roemer, Die Babi-Behai,P.93 77

J.R.Richards,The Religion of the Bahais,P.63*S.G.Wilson,Bahatism and - 78

Religious Assassination. H. Roemer, Die Babi-Behai,P.94

* H. Roemer, Die Babi-Behai,P.93 * H.Dreyfus,Essai sur le Behaisme,P.63 79

و کتاب حاضر قسمت 1 - 2

H. Roemer, Die Babi-Behai,P.97 80

H. Roemer, Die Babi-Behai,P.97&137* M.H.Phelps, Life and Teachings of- 81

* Abbas Effendi,P.73

H. Roemer, Die Babi-Behai,P.137* .J.R.Richards,The Religion of the- 82

Bahais,P.64 M.Huttter, Die Baha'i,P.20

83 در آثار و نصوص بهائی او را همچون دجال تصویر و معرفی می‌کنند. بنگرید به قسمت 2 - 3 همین کتاب.

84 بنگرید: S.G.Wilson,Bahatism and Religious Assassination ، در نشریه جهان اسلام، سال

4، شماره 3، 1914، ص 235.

H. Roemer, Die Babi-Behai,P.95-6 85

86 "J.R.Richards,The Religion of the Bahais,P.67" حبس و بازداشت بهاء‌الله و همراهانش با

تسهیلات بود؛ ولی در آثار بهائیان ذکری از آن بمیان نمیاید.

87 تک ج.گرون باوم، «تاریخ جهان فیشر»، مدخل اسلام، ج 2، صص 184 و 194.

88 کتاب حاضر، قسمت 1 - 1

89 تاریخ دقیق نگارش کتاب روشن نیست. پروفیسور ادوارد براون در خصوص تاریخ نگارش، تناقضات

درونی و مطالب جزمی و متعصبانه بخش بهائی آن اظهار نظر کرده است (Journal of the Royal Asiatic

Society,1889,P.947) و H. Roemer, Die Babi-Behai,P.84

90 کتاب حاضر، قسمت 1 - 2

91 بتگرید به مقاله ب. مایر، " ختم نبوت " در دانشنامه قرآن، ص 156.

92 کتاب حاضر، قسمت 2 - 1 - 2

93 بتا بر عقیده ک. بورمن (K. Bornnam; Das Aqdas, P.75) این الواح هرگز به ادرسهای مورد نظر ارسال نشده است؛ یعنی هیچ پیام رسمی خطاب به ناپلئون سوم، ملکه ویکتوریا و ویلهلم اول ارسال نگردیده است.

94 همچنین بتگرید به H. Roemer, Die Babi-Beha'i, s.108; D. M Piff, Bahai Lore, p564.

95 فاصله محل دفن و آرامگاه نباید بیش از یک ساعت پیاده روی از محل جنازه و فوت باشد.

96 نک به کتاب حاضر، قسمت 5 - 6

97 کتاب حاضر قسمت 6 - 6 و قسمت 1 - 8.

98 آیا اکنون هیچ جامعه ای حاضر است برای تنبیه و مجازات سرقت، از روش داغ و علامت گذاری روی صورت افراد استفاده کند؟

99 دنیس مک اوئن، از دیانت بابی تا بهائی، ص 226** کتاب حاضر قسمتهای 2 - 2 - 1 و 2 - 1 - 2
** هرنان رومر، بابی - بهائی، ص 110 و 141

100 - ترجمه های اولیه عمدتاً ناشناخته باقی ماند (بمبئی، 1890) و ترجمه های دیگری که توسط منتقدین بهائی صورت گرفت (ا. تومانسکی، روسی، 1899، ویلیام مک میلر، انگلیسی، 1961، ک. بورمن، المانی، 2005) همگی غیر معتبر و غیر موثق اعلام گردید.

U.Schaefer, Desinformation als Methode, P.259 - 101

U.Schaefer, Desinformation als Methode, P.259 - 102

103 - همین کتاب قسمت 2 - 1 - 2

104 - کتاب اقدس، آیه 184 و ادوارد براون، سفرنامه ص 359 و H. Roemer, Die Babi-Behai, P.94 و فیچیکیا، آیین بهائی، صص 111 و 141 و 143 و 185.

105 - نگاه کنید به: U.Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der

H. Roemer, Die Babi-Behai, P.147* Shoghi Effendi, God Passes By, p.62 و Bahai, p.327

106 - از جمله آنها فاطمه (مهد علیا) و گوهر، دو همسر در قید حیات بهاءالله، و دو پسرش ضیاءالله و بدیع الله، و دخترش فروغیه، و نیز آقا جان - که مدت 40 سال پیشکار بهاءالله بود، و نیز محمد جواد قزوینی که در طول سالیان، آثار و نوشته‌های بهاءالله را استنساخ می‌کرد، بودند.

Shoghi ; ;

Effendi, God Passes By, P.279 193 . F.Ficchia, Der Bahaismus, P

107 - ادوارد براون، دانشنامه دین و اخلاق، ج 2، ص 304 * د.مک اوئن، مقاله آیین بهائی در دانشنامه ایرانیکا، ج 3، ص 447.

108 - بنگرید به قسمت 1 - 7 همین کتاب

109 - نک به قسمت 2 - 1 - 2 - همین کتاب - محمد علی پس از صعود عبدالبهاء در سال 1921 نیز ادعای خود را مطرح کرد، ولی جانشینی از سوی عبدالبهاء به شوقی افندی سپرده شده بود

110 - کتاب حاضر، قسمت 3 - 3

111 - کتاب حاضر، قسمت 2 - 6

112 - بهائیان در فرهنگ و سنت اسلامی و شیعی نیز از مفهوم رجعت امام حسین ع و ظهور مهدی ع استفاده کردند (بنگرید به شوقی افندی، قرن بدیع، ص 105) (مترجم) H. Roemer, Die Babi-Behai, P.157f

113 - کتاب حاضر، قسمت 3 - 3

114 - کتاب حاضر، قسمت 4 - 4 - 6

115 - D.Mc Eoin, From Babism to Bahaism, p.230

116 - ادوارد براون این اثر را با افزودن مطالبی به صورت یادداشت و مرجع، تکمیل کرد (A - Z). برای مثال، یادداشت W خلاصه و عصاره کتاب «هشت بهشت» نوشته شیخ احمد کرمانی و آقا خان کرمانی است که در سال 1896 نگاشته شده و از آثار فاخر ازلی به شمار می آید.

117 - هرنان رومر، ماهیت و منشأ سیاسی آیینهای بابی و بهائی، ص 157 - H. Roemer, Die Babi-
.Behai,P

118 - نگاه کنید به بخشهای 3-4 و 3-3 همین کتاب در بحث جانشینی، و نیز مقاله اولریکه گلمر در
Desinformation als Methode,p.573ff

U.Shaefer, Desinformation als Methode,p.571 - 119

120 - همان، ص 573

121 - همان، ص 573

122 - See R.White,Abdul Baha's Questioned W&T,P.71;H.Zimmer,Eine
;Testaments Falschung die Bahai ab in den pollitichen Shoghismus,p.19

R.White,The Bahai Religion and its Enemy-The Bahai Organization
(1929),R.White,Abdul Baha Alleged Will is

Fradulent (1930); H.Zimmer,Eine Testaments Falschung die Bahai ab in - 123
den pollitichen Shoghismus,(1971); F.Ficicchia,Der Bahaismus,P.295

124 - بخش 3 - 4 / بخش 1 - 5 همین کتاب

Shoghi Effendi,God Passes By,P.370 - 125

126 - دنیس مک اوئن، آیین بهائی؛ دائرةالمعارف ایرانیکا، جلد 3، صفحه 448

127 - روحیه خانم، همسر ولی امرالله می نویسد: "مانند تمام ولی امراللهها، او هنگامی که در دوردست، در حیفا
به سر می برد، هیچ ارتباطی با هیچ بهائی نداشت." Ruhiyya Khanum, Das Hinscheiden Shoghi
Effendi,p.7

128 - او ولی امرالله ما بود، شاهنشاه جهان، ما می دانیم او اصیل بود، چرا که او مولای ما بود. (روحیه خانم، مدرک فوق، صفحه 23)

129 - روحیه خانم، کتاب «قرن بدیع»، ترجمه انگلیسی God Passes by، نشر ویلمت، ایلینوی، 1945) را به عنوان «مادر کتاب‌های آینده تاریخ» می‌ستاید. (Ruhyya Rabbani , The Priceless Pearl, p.222)

See K.Borrmann, Das Aqdas, p.52; M.Hutter, Die Bahai, p.26f - 130

131 - پس از آنکه شوقی افندی تمام خانواده را طرد و تکفیر کرد، نمی‌توانست به کسی به عنوان جانشین اعتماد کند. (بخش 1 - 5)

132 - بنگرید به بخش 4 - 1 - 3 همین کتاب و همچنین کتاب اقدس: آیه 109

133 - اینکه برای چنین وضعیتی هیچ وصیتی وجود ندارد، عجیب به نظر می‌رسد. اینکه آیا سندی در این مورد [وجود داشته و] از بین رفته است، معلوم نیست

134 - بنگرید به بخش 3 - 3 - 7 کتاب

135 - محفل ملی روحانی در فرانسه به میسن ریمی اقبال کردند.

Joel Bray Marangella - 136

137 - در قسمت‌های پیشین ذکر شد که تعالیم بابی و بهائی با اسلام تفاوت‌های زیادی دارند. (مترجم)

138 - قَدَم جهان در تعالیم اسلامی جایی ندارد و آیات قرآن و احادیث پرشمار معصومان، همه، دال بر حدوث آن است. افزون بر این، در اسلام، میان صفات ذات و صفات فعل خدا تفکیک شده است. در این میان، صفات فعل خدا (مانند خالقیت) نشان دهنده افعال وی‌اند و هرگز چون او قدیم و ازلی نیستند. افعال الهی مسبوق به اراده و مشیت خدای متعال است و در تعالیم اسلامی تأکید شده که اراده و مشیت، خدا، از صفات فعل و غیر ازلی هستند. (رک: کلینی، الکافی، ج 1، ص 109 - 110) - مترجم

* عقیده به خاتمیت حضرت محمد(ص) مبتنی بر ادله فراوان قرآنی و حدیثی است. اساساً خاتم در زبان عربی، به معنای شیء یا کسی است که امری به وسیله او به پایان می رسد. (راغب اصفهانی، المفردات، ماده علم، ذیل بیان معنای عالم) بنابراین، معنا ندارد که حضرت محمد(ص) به بیان قرآن، پایان دهنده سلسله پیامبران (خاتم النبیین) باشد (سوره احزاب، آیه 40) و در عین حال، پس از وی پیامبران دیگری وجود داشته باشند. بهاء الله، خود در وصف حضرت محمد(ص) می نویسد: «اتتهت به النبوة و الرسالة»: نبوت و رسالت به وسیله او به پایان رسید. (بهاء الله، اشراقات، ص 293) اما تأویلاتی که در متون بهائی نسبت به مفهوم «خاتمیت» انجام شده، برخلاف اجماع مسلمانان و نصوص صریح اسلامی در این باره و در حقیقت، اجتهاد در برابر نص و مردود است. تأویل متون مقدس بر پایه سلايق شخصی، نه تنها در دین اسلام جایز نیست، بلکه در کتاب اقدس نیز از آن نهی شده است. بهاء الله خارج کردن کلام از معنای ظاهری را تحریف کلام دانسته است. (اقدس، ش 105) - مترجم

139 - اعتقاد به دوره‌های نزول وحی و پایان نداشتن نزول وحی، در اسلام وجود ندارد و عقیده به دور و کور مختص بابیان و بهائیان است. (مترجم)

140 - در آموزه های بهایی، خداوند غیب منیع لایدرک است و هیچ موجودی نمی تواند او را بشناسد. (مترجم)

141 - در اسلام بر خلاف تعالیم بهائی، بهشت و دوزخ و رجعت و عوالم پیشین واقعیت خارجی دارند و نمادین نیستند. (مترجم)

142 - بنگرید به بخش 4 - 1 - 3

143 - بخش 2 - 2 - 1

144 - رضوان عیدی است که بهائیان در آن، مظهریت بهاءالله در سال 1863 را جشن می گیرند. بخش 2 - 1 -

2

145 - کتاب اقدس، 57

146 - بخش 4 - 1 - 3

147 - کتاب اقدس، 82

M.Hutter,Die Bahai,p.44;P.Smith,Art. Feast, nineteen day,in A Concise - 148
Encyclopedia of Bahai Faith,p.158

149 - بخش 3 - 4 - 6 کتاب حاضر

M.Hutter,Die Bahai,p.45 - 150

151 - کتاب اقدس، آیه 63. همچنین در بخش 2 - 2 - 1 - 4 - 1 - 3 کتاب حاضر

152 - کتاب اقدس، 91

153 - کتاب اقدس، خلاصه متن، صفحه 164، بی توجهی به دستور ازدواج، با اوامر غیر قابل تغییر خداوند در تضاد است.

154 - کتاب اقدس، 63

155 - کتاب اقدس، 63

156 - کتاب اقدس، آیه 68، اُدو شیفر، حقوق جامعه دینی بهائی، در Kirche & Recht, Zeitschrift fur die kirchliche und Staatliche Praxis صفحه 34، 4، 2001

157 - کتاب اقدس، آیه 48

158 - همین کتاب بخش 3 - 8

159 - کتاب حاضر، بخش 2 - 1 - 2

Bahullah, Ahrenlese, XCIII - 160

Shoghi Effendi, God Passes By, p.371* Kitab-i-Aqdas, Erl 49, p.215 - 161

Bahullah, Ahrenlese, IV - 162

K.Hutten,in Bahai – Religion nach Mab?Urteile evangelischer Theologen- - 163
(Entgegnungen(Stuttgart,1970,p.26

164 - بخش 2 - 5 همین کتاب

U.Shaefer,Die Grundlangen der Verwaltungsordnung der Bahai,p.62 - 165
کتاب اقدس 165، تأکید شده که اظهارات و نوشته‌های عبدالبهاء به منزله آیات الهی نیست. بخش 3 - 3 و 1 -
7. همین کتاب

U.Shaefer,Die Grundlangen der Verwaltungsordnung der Bahai,p.80 - 166

167 - ادو شفر، ص 41

168 - ادو شفر، ص 42

169 - بنگرید به بخش 3، 4

170 - ادو شفر، ص 62.

171 - بنگرید به بخش 3، 3، 7

172 - عبدالبهاء الواح و وصایا، ص 11، ادو شفر، ص 75

173 - ادو شفر، ص 78، /Shoghi Effendi,Bahai Procedure,p.85

174 - ادو شفر، قانون جامعه دینی بهائی، کلیسا و حقوق، مجله کلیسا و حکومت، 2001/4، ص 29

175 - همچنین نام دیگر آن «نظم اداری» است. اکنون واژه «نظم اجتماعی» نیز به کار می‌رود.

176 - شوقی، «نامه به احبای امریکا» 1932 - 1946، ص 16. ادو شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 86

177 - شوقی افندی، آثار و الواح بهاءالله، ص 58

178 - ادو شفر، دیانت بهائی در دنیای مدرن، بخش 9

U.Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahai, p.97 - 179

180 - ادو شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 97. ادو شفر، دیانت بهائی در دنیای مدرن، ص 229، 371

همچنین در بخش 1 - 8 همین کتاب

181 - طبق نظر ادو شفر در کتاب «اصول نظم اداری بهائی» ص 99، نظم اداری برای ایجاد هرگونه اصلاحی ناتوان است. این نظم هنگامی ضروری است که کاملاً درست و برای تمام زمانها و مکانها تعهدآور و الزامی باشد. چرا که یک نظم الهی نه تنها جامعه دینی را در بر می‌گیرد، بلکه به معنای واقعی، عرصه اجتماعی یا جامعه را به طور کلی، شامل می‌شود.

182 - نظم بهائی، ص 18

183 - ادو شفر، ص 123

184 - اعمالی که منجر به مجازات می‌شوند: نوشیدن الکل، همجنس بازی و دیگر ناهنجاریهای جنسی، خیانت در روابط زناشویی (مثلاً رابطه جنسی خارج از ازدواج)، اعمالی که باعث شود اعتبار دین خدشه دار گردد، مانند هر گونه سرپیچی از نظم دینی است. پیتر اسمیت، «حقوق اداری» در کتاب دائرة المعارف بهائی، ص 28

185 - ادو شفر، ص 36

186 - ادو شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 125

187 - کتاب حاضر بخش 3 - 4 و 1 - 5

188 - ادو شفر، همان مدرک، ص 126، در این کتاب بخش 1 - 5 و 3 - 5

189 - در این کتاب بخش 3 - 3 - 7

190 - ادو شفر، همان مدرک، ص 137

191 - ادو شفر، همان، ص 135

192 - ادو شفر، همان، ص 134، ظاهراً ترک تعصبات یکی از بحث‌های اصلی بهائیان در تبلیغ است!

193 - تصمیمات ولی امرالله پس از مرگ او نیز قابل تغییر نیست و برای همه، حداقل تا هزار سال (دور بهائی) معتبر است. (ادو شفر، ص 136) همین طور پیتر اسمیت در دائرة المعارف دین بهائی کلمه «گاردین»، ص 170

194 - بنگرید به همین کتاب بخش ۵,۳

195 - بیت العدل جهانی دارای اقتدار در تعالیم نیست (ادو شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 176)

196 - ادو شفر، حقوق جامعه دینی در آیین بهائی، در نشریه «کلیسا و حقوق» 2001/4 ف ص 40.

Anm243

197 - تفاسیر متناقض: شماره 49 برای آیه 30 و شماره 66 و 67 برای آیه 42 در کتاب اقدس نشان می دهد که بهاءالله هیچ گونه پیش بینی برای بیت العدل اعظم جهانی نداشت.

198 - همین کتاب بخش 4 - 3 - 7

199 - پیام بیت العدل جهانی در تاریخ 1966/5/27، در کتاب «انوار هدایت»، مجموعه پیام های بیت العدل جهانی، 1963 - 1968

200 - ادو شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 123، 174

201 - ادو شفر، همان، ص 123

202 - همین کتاب بخش 5 - 3 - 7

203 - بخش 2 - 7 این کتاب

204 - همین کتاب بخش 4 - 1 - 3

205 - کتاب اقدس، آیه 30

206 - او.شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 166 , Shoghi Effendi, Bahai Administration, p.20

207 - Shoghi Effendi, Bahai Administration, p.21. ادو شفر، همان مدرک ص 167

208 - همین کتاب بخش 4 - 3 - 7

209 - ادو شفر، همان، ص 123، و همچنین همین کتاب 4 - 3 - 7

210 - ادو شفر، همان، ص 123

211 - ادو شفر، حقوق جامعه دینی بهائی در «کلیسا و حقوق» مجله کلیسا و دولت، 2001/4، ص 24

212 - ارزش‌های اخلاقی... بر اساس وحی الهی است. هیچ حق قانونی و طبیعی، جز آنکه به خدا وابسته باشد، وجود ندارد.

213 - همین کتاب بخش 1 - 1 - 1 و فصل 2

214 - همین کتاب بخش 2 - 7، او (بهاء‌الله)... اشتغال به سیاست را ممنوع کرد. (Abdul Baha, Tablets, p.498) و شوقی توصیه می‌کند: «از سیاست مانند طاعون دوری کنید» (خبرنامه بهائی، شماره 1951، 241، ص 14) یک فهم سیاسی دموکراتیک در تعاملات عمومی با دولت‌ها، پارلمانها، احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و اشخاص حقیقی در نظام تک بعدی دینی و مرکزی بهائی وجود ندارد. البته مشورت هم در کار نیست. تشکیلات بهائی خودمختار عمل میکنند و در مقابل اعضای جامعه بهائی مسئولیتی ندارند. (شوقی افندی، قرن بدیع، ص 373) برای دینی که سلطه سیاسی بر جهان را هدف گرفته، این موضوع کم اهمیتی نیست.

215 - Shoghi Effendi, Principles of Bahai Administration, p.41ff

216 - (برای نمونه؛) 7، 1975. Umwelt und Wertordnung (Bahai Information* 396

,U.Shaefer, Der Bahai in der modernen Welt, p.57f, 228

217 - J.Huddleston, Wirtschaft im Weltstaat به نقل از اخبار بهائی، 1976/1/19، محفل

روحانی ملی بهائی در آلمان

218 - جی. هادلستون، همان مدرک

219 - جی. هادلستون، همان مدرک، وابستگی به اخلاق کاری نئولیبرال مشخص است.

220 - جی.هاولستون، همان مدرک

221 - جی.هاولستون، همان مدرک، همین طور پیام بیت العدل اعظم در تاریخ 976/1/8/31 تحت عنوان «تربیت بهائی»

222 - U.Shaefer, Der Bahai in der modernen Welt, p.228

223 - ادوشفر، همان مدرک، ص 228

224 - شوقی افندی، ص 371، 413

225 - ادوشفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 94

226 - همین کتاب، بخش 3_3_7

227 - همین کتاب بخش 6_6

228 - Abdul-Baha, Wille und Testament, s.28

229 - این نه پیامبر عبارت اند از: ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (ص)، زرتشت، کریشنا، بودا، سید باب و بهاء الله.

• هیچگاه امار روشن و صحیحی درباره جمعیت بهائی ایران و یا سایر کشورها، از سوی مقامات رسمی بهائی ارائه نشده است. در حالیکه امارهای دقیق سالانه جوامع بهائی هر کشور، به تفکیک، نزد مرکز جهانی بهائی وجود دارد. بنابر آخرین امارهای کشوری ایران در سال 1390، تعداد افرادی که دین خود را غیر از ادیان رسمی ذکر کرده اند (که بهائیان هم جزئی از این گروه میباشند) کمتر از 40000 نفر بوده اند. بنابراین تعداد بهائیان ایرانی، در حال حاضر کمتر از عدد چهل هزار میباشد.

نکته جالب در همین زمینه آنست که بهائیان در مطالب تبلیغی خود، امار جمعیت بهائی هند را بیشتر از دو میلیون نفر مینویسند. در حالیکه در آن کشور آزادی دینی و سیاسی کاملی وجود دارد و قاعدتا بهائیان نگرانی از اظهار دین خود نداشته اند. ولی طبق آخرین امارهای رسمی دولت هند، جمعیت بهائیان هند کمتر از 10000 نفر میباشد. (مترجم)

230 - ادو شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 97

231 - بخش بهائی در ویکی پدیا همانند یک بروشور تبلیغاتی با تعابیری زیباست. حتی تصمیمات و سخنهاى انتقادی در بخش بحث و گفتگوی ویکی پدیا به طور سیستماتیک حذف شده یا به بایگانی سپرده شده است.

232 - یک آمار رسمی و دولتی کشور هند، در سال 1991 تعداد بهائیان در هند را فقط 5575 نفر ذکر می کند.

233 - <http://lexicorient.com/e.o/bahai.htm>

234 - ویلیام گارلینگتون، بهائیان در هند: یک رویکرد توسعه ای، نوشته هایی درباره مکاتب شیخیه، بابی و بهائی، شماره 2، ژوئن 1997. در ادرس زیر:

(<http://www.h-net.org/~bahai/bhpapers/india1.htm>)

از تقریباً 5 میلیون بهائی ادعایی مسئولان بهائی در جهان، حدود 2 میلیون نفر در هند زندگی می کنند.

نکته: این ارقام طبق آمار رسمی بهائی است. آمار آنها فقط کسانی را که فرم تسجیل و پذیرش بهاءالله را تکمیل کرده اند در بر میگیرد؛ و نه اعضایی را که در برنامه های محلی شرکت می کنند. این سؤال مطرح است که منظور آنها از جامعه بهائی چیست؟ اگر شرکت فعال منظور نظر است، بدین ترتیب آمار به نحو تأسف انگیزی کاهش می یابد. بعضی آمارها در کمترین حالت، تعداد بهائیان را در جهان نزدیک به یک و نیم میلیون و در هند 100000 تا 150000 ذکر می کنند.

خوان کول، بنیادگرایی در جامعه معاصر بهائی امریکا، در نشریه مطالعات دینی، جلد 43، شماره 3 (مارس، 2002)، ص 195 تا 217 در ادرس زیر:

(<http://iranscope.org.ghandchi.com/anthology/bahai/fundamentalism.htm>)

کارن باکت، "دشمنان در درون؛ تضاد و کنترل در جامعه بهائی"، در ژورنال مطالعات دینی، جلد 18، صفحات 109 و 140 در ادرس زیر:

<http://www.angelfire.com/ca3/bigquestions/enemies.html>)

235 - سند در (www.fglaysher.com/bahaicensorsip/falsestats.htm)

236 - نامه بیت العدل اعظم در تاریخ 2002/8/22 تحت عنوان «پیشرفت اندک»

[[http://bahai_Library.com/uhj/\[no 44](http://bahai_Library.com/uhj/[no 44)

237 - مانفرد هوتتر، آیین بهائی، ص 47

238 - محوطه بسیار بزرگی در پای کوه کرمل که تحت حفاظت شدید امنیتی با دوربین‌های مداربسته، بازرسی

بدنی و پرسنل امنیتی است. در زیرزمین این مکان، سیستم ضد موشک اتمی برای مقابله با حملات احتمالی وجود دارد.

http://www.h_net.msu.edu/~bahai/docs/vol3/incens/incens.htm

239 - نشریه یهودی 2009/1/25، در آدرس اینترنتی زیر:

http://www.jewishjournal.com/iranianamericanjews/item/persian_born

[//israel_in_haven_finds_faith_bahai](http://israel_in_haven_finds_faith_bahai)

240 - شیعه دوازده امامی در قرن شانزدهم میلادی در دوره صفویان، به عنوان مذهب رسمی ایران اعلام شد.

241 - طبق نظر اسلام، ادیان دارای کتاب الهی (کتاب‌های مقدس، مانند تورات، انجیل و غیره) بر پایه الهی

وحی استوار می‌باشند؛ اگرچه در طول زمان دچار تحریف شده باشند.

242 - «Neuen Züricher Zeitung» مورخ 1978/11/10، امیرعباس هویدا که از سال 1965 تا

1977 نخست وزیر ایران بود، عضو جامعه بهائی بود. او در اواسط 1977 بر خلاف میلش از طرف محمدرضا

شاه پهلوی (1941 - 1979) از صدارت عزل و به سمت وزارت دربار منصوب شد. او در مارس 1979 در

دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و در آوریل 1979 اعدام شد. بهائی بودن او از طرف بهائیان رد می‌شود، ولی

اینکه او از یک خانواده بهائی بوده است، تأیید می‌شود. در حکم اعدام او نیز به بهائی بودن او اشاره ای نشده

است.

243 - اعلامیه رسمی دپارتمان حقوق بشر وزارت خارجه دولت امریکا مورخ 2009/2/13

<http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2004/02/117332.htm>

244 - دنیس مک اوئن، از دیانت بابی تا بهائی، در مجله دین، قسمت 13/1983/ص 236

245 - د مک اوئن، همان مدرک، ص 232 - 235 - f238

246 - د مک اوئن، همان مدرک، ص 238

247 - Shoghi Effendi, Citadel of Faith, pp.139f

248 - شوقی افندی، همان مدرک، ص 144، همچنین در پیام دنیای بهائی، ص 89 و 97

249 - پیام به بهائیان جهان، 26 ژانویه، 1982، ص 2

250 - پیام به بهائیان جهان، رضوان (12 - 21 آوریل) 1982: همچنین پیام به بهائیان جهان، مارس 1981،

کمیته ملی بهائیان انگلیس، بولتن انتخاباتی، شماره یک، ص 2، محفل روحانی ملی بهائیان انگلیس، سرویس

خبری ماهنامه بهائی، 7:2 (فوریه، 1981، ص 5)

251 - گفتار در تلویزیون، (تلویزیون 22/12/2008 ARD)، در آنجا خود را بهائی اعلام کرد.

252 - د مک اوئن، بایبسم در: "دائرة المعارف آکسفورد دنیای اسلام مدرن، ص 147، پ. اسمیت، «مهدی» در

دائرة المعارف بهائی، ص 229، م هوتتر، دیانت بهائی، ص 11

253 - م. هوتتر، ص 8 و 9

254 - م. هوتتر، ص 10 پاورقی

255 - م. هوتتر، ص 11 پاورقی

256 - د مک اوئن، باب، در دائرة المعارف ایرانیکا، جلد سوم، ص 284، م. هوتتر، ص 10

257 - این سال، سال جدایی صبح ازل، جانشین باب و بهاء الله است. بهاء الله این موقعیت را در طول سالها

کشمکش و جدال به خود نسبت داد

258 - دنیس مک اوئن، بابیسم، در: دائرةالمعارف ایرانیکا، جلد سوم، ص 315f

259 - اگرچه بابیان بودند که در مقابل حکومت و مذهب دست به اسلحه بردند، ولی در آن زمان خود بهاءالله در گروه بابیان، در اقدامات خشن و تروریستی دخالت داشت. قوای دولتی ایران کاری را انجام داد که هر دولت دیگری در این جایگاه انجام می داد. دولت تمام سعی خود را کرد تا اتحاد کشور را حفظ کند و در مقابل شورش های دینی ایستادگی کند.

260 - شوقی افندی، قرن بدیع ص 371 و 413. عبدالبهاء، مفاوضات، بخش 3.45، بهاءالله، کتاب اقدس، توضیح 49، صفحه ۲۱۵

261 - شوقی افندی، قرن بدیع، ص 4، او در طول زندگی اش هیچ گاه به ایران نیامد

D.Mc Eoin, From Babism to Bahaism, in Religion, 13/1983, p.240f - 262

یادداشتهای فصل دو

- 1 - کتاب اقدس، یا مقدس‌ترین کتاب در مجموعه نصوص بهائی
- 2 - بهائیان سال 1844 را آغاز تقویم خود می‌دانند. با توجه به ادامه آن تا هزار سال، آیین بهائی تا 2850 قمری اعتبار خواهد داشت. طبق تفسیر و اظهار دیگری حقیقت دور بهائی تا 500.000 سال طول می‌کشد و توسط ادیان بعدی لغو نمی‌شود! شوقی افندی (Wilmette, p.7 Directives from the guardian (3), 1937): دور بهائی از نظر عظمت واقعاً بی‌مثال است. این دور نه تنها شامل پیامبرانی می‌شود که پس از بهاء‌الله خواهند آمد، بلکه در برگیرنده تمام آنهایی که قبل از او تا آدم آمده‌اند نیز می‌شود.
- 3 - در حقوق بهائی، تفاوت و تفکیکی میان قوای اجرایی، قانونگذاری و قضائی نیست.
- 4 - U.Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahai, p.173
- 5 - بهاء‌الله، کتاب اقدس، مقدس‌ترین کتاب، حیف، 1992، دیگر ترجمه‌ها (حتی آنهایی که از مراکز علمی است) به رسمیت شناخته نمی‌شود.
- 6 - بهاء‌الله، کتاب اقدس، مقدس‌ترین کتاب، هوفهایم 2000
- 7 - ادو شفر، راست را کز انگاشته‌اند، ص 259، پیاده‌سازی قوانین باید در یک روند تاریخی، یعنی هنگامی که زمان آن فرا برسد، به صورت آرام آرام و قدم به قدم انجام گیرد.
- 8 - G.Rosenkranz, Die Bahai- Ein Kapitel neuzeitlicher Religion, p.64
- 9 - U.Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahai, p.64
- 10 - عبارت عربی این است: «... لکل أن یتبعوها... انه یفعل ما یشاء و لایسأل عما شاء. و ما حکم به المحبوب انه لمحبوب.» ترجمه درست این عبارات (به جز لکل أن یتبعوها) با آنچه در متن آمده، متفاوت است. (به درستی که او هر آنچه بخواهد، می‌کند و درباره آنچه خواسته، بازخواست نمی‌شود. و هر چه محبوب بدان حکم کند، محبوب است.)

11 - عین عبارت اقدس «تأویل و خارج کردن کلام از معنای ظاهری» است.

12 -بخش 4 - 2 همین کتاب

13 - بهاء الله

14 - اغضان؛ نامی برای جانشین بهاء الله است (اقدس، شرح 66)

15 -عبارت اقدس «اوقاف مختصة للخیرات» است.(مترجم)

16 - بهتر بود که بهاء الله در تأسیس یک مؤسسه جهانی به تفصیل بیشتری می پرداخت. قابل توجه اینکه در ترجمه ادلر / مک میلر (1961) وکی. یورمن (2005) قسمت 1 «هنگامی که آن امر (بیت العدل اعظم؛ اقدس، شرح 66 و 67) در آن زمان در جهان تأسیس شود» وجود ندارد. ادلر / مک میلر مانند بورمن به کلمه «امر بهاء الله» اشاره می کنند و از موسسه یا بیت العدل اعظم نامی نمی برند!

17 - اینجا هم از مضمون نوشته، تأسیس بیت العدل اعظم برداشت نمی شود. در کتاب اقدس هم بخش واضحی که دارای چنین مفهومی باشد، وجود ندارد. بهاء الله همیشه از بیت عدل (بدون پسوند جهانی صحبت می کند). از کلمه بیت عدل یا بیوت تحت آیه 30 کتاب اقدس محافل محلی (که در آن زمان هنوز محافل روحانی گفته می شد)، و نه بیت العدل جهانی به عنوان مؤسسه جهانی جامعه بهائی را میتوان منظور داشت. شفر نیز معتقد است که نه در کتاب اقدس و نه در بقیه کتب بهاء الله از بیت العدل جهانی سخنی آورده نشده است. «اعضای بین المللی در نوشته های بهاء الله به طور مشخصی گفته نشده است و فقط از طریق نحوه عملکرد مشخص شده اند.» (ادوشفر، حقوق جامعه دینی بهائی، در: « کلیسا و حقوق » مجله ای برای کلیسا و دولت، 2001/4، ص 40، 243. ANM) او این جرئت را به خود داد که در این جامعه به شدت منظم، بالاترین رتبه دینی دولت بهائی را فقط بر پایه نحوه عملکرد مشخص نماید.

(Shoghi Effendi, Gott geht voruber, p.371,413)

18 - Abdul-Baha, Wille & Testament, Stuttgart 1936/1957 (بر اساس نسخه

آمریکایی 1925 ff)

19 - این ادعا که نهاد ولی امرالله در اقدس پیش بینی شده است (شرح 66 آیه 42 کتاب اقدس) مستدل نیست. در آنجا مسئولیت نهادهای مذهبی بر عهده اغصان (جانشینان بهاءالله) گذاشته شده است و از ولی امرالله و کسی که رهبری به او واگذار شود، سخنی نیست و از متن مذکور هم چنین چیزی بر نمی آید.

شوقی افندی، خود، بعنوان نخستین ولی امرالله جامعه بهائی، قبل از انتخاب، از وجود چنین مقامی بی اطلاع بود

ماخذ (U.Giachery, Shoghi Effendi, p.15; U.Golmer, Desinformation als Methode, p.571) که معنی آن این است که او یا به کتاب اقدس که در ظاهر ولی امرالله را پیش بینی نکرده است، کاملاً اطمینان دارد، یا اینکه در کتاب مذکور ارجاع به ولی امرالله از قلم افتاده است.

20 چنین روش جانشینی باعث مخالفت‌های زیادی شد و شوقی متهم شد که وصیت نامه عبدالها را تحریف و خود را بعنوان ولی امرالله معرفی کرده است. روت وایت، دیانت بهائی و دشمن آن، تشکیلات بهائی (روت لند 1929)، روت وایت، وصیت نامه منتسب به عبدالها جعلی است (روت سن 1946) احمد سهراب (وصیت نامه عبدالها - یک تجزیه و تحلیل، نیویورک، 1944)، هرمان زیمر، تحریف یک وصیت نامه، دین بهائی را به سمت شوقیسم سیاسی تنزل داد (وایلینگن / اشتوتگارت 1971)، ف. فیچیکیا، آیین بهائی دین جهانی آینده (اشتوتگارت 1981، بخش 8 و 9)

21 - شوقی افندی در طول دوره ریاست خویش، تمام خانواده خود و بستگان بهاءالله را طرد کرد؛ طوری که کسی نماند تا جانشین او شود. او از ازدواجش با روحیه خانم (مری مکسول) هم صاحب فرزندی نشد.

22 - به یاد می آوریم که بهاءالله در کتاب اقدس خود، به همه پیروان دستور به نوشتن وصیت نامه می دهد (اقدس 109) و آن را واجب می شمرد. وظیفه‌ای که شوقی بعنوان یک الگو حتماً باید انجام می داد؛ بخصوص وقتی که موضوع جانشینی مقام اداری بالایی چون ولی امرالله مطرح باشد.

23 - همچون بیت العدل اعظم و ولی امرالله، در مورد تأسیس محفل ملی هم در کتاب اقدس مطلب و ادعایی وجود ندارد.

24 - ادو. شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 123

25 - طبق گفته شفر (K.Borrmann) Desinformation als Methode, page 258 ، اقدس، ص

f 55 رساله سوال و جواب مجموعه ای از سوالات درباره نحوه به کارگیری قوانین (شفر از دستورالعمل صحبت می‌کند و نه از قوانین مکمل) است که منشی بهاءالله، زین المقربین (1903 – 1818) به بهاءالله عرضه داشته و جواب گرفته است. شفر می‌گوید که این متن تا به حال منتشر نشده است (در کتاب امر و خلق، فاضل مازندرانی، تهران 1965 – 1974) در جای دیگر (همان مدرک، ص 281) می‌گوید که این سوال و جواب تا به حال در نسخ چاپی از فاضل مازندرانی منتشر نشده است. برای بهائیان رساله سوال و جواب به عنوان بخشی بی‌کم و کاست و صحیح از قوانین بهاءالله معتبر است. (بخش 3 و 6)

26 -توصیه و پیشنهاد اختیار نکردن بیش از دو زن مانع این امر نیست (توصیه، قانون نیست). در کتاب اقدس البته آمده است که اختیار کردن بیش از دو زن برای مرد ممنوع است.

27 -کتاب اقدس نسبت به این سوال که آیا با توجه به تساوی حقوق زن و مرد، زن نیز می‌تواند یک پسر جوان را به خدمت بگیرد، سکوت می‌کند.

28 -منظور این است که نسبت به هر دوزن با عدالت رفتار کند.

29 -اینکه چند همسری نسبت به تک همسری مشکل‌تر است، بیشتر تفسیر یک قانون الهی است که چند همسری را مجاز می‌داند. طبق عقیده بهائیان یک دستور و حکم الهی و غیرقابل تغییر را حتی نمی‌توان به دلیل مصلحت‌اندیشی تغییر داد. یعنی قانونی که از طرف خداوند است، همان طور که هست، برای تمام پیروان و موسسات بهائی لازم الاجراست. (کتاب اقدس، ص 10، پاراگراف 11، ص 11، پاراگراف 15). همین کتاب بخش 2-5-2

30 ادو شفر، راست را کز انگاشتند، ص 263، همین مطلب برای بیت العدل اعظم نیز صدق می‌کند. اینکه بیت العدل اعظم حق ندارد، قوانین بهاءالله را تغییر دهد، تخفیف ببخشد یا لغو کند، نیازی به گفتن ندارد (ادو شفر، اصول نظم اداری بهائی، ص 176). شوقی افندی نیز تأکید می‌کند: «بیت العدل می‌تواند قوانین را کامل کند، ولی هرگز نمی‌تواند آنچه را قبلاً گفته شده لغو یا تصحیح کند. (اصول نظم اداری بهائی، ص 19) همچنین بیت العدل حق ندارد قوانین یا سخنان بهاءالله را تفسیر کند. (ا. شفر، همان کتاب، ص 176) (این کتاب بخش 2-5-2)

31 -منظور مادر خوانده است.

32 - بیان، مقدس‌ترین کتاب (کتاب قانون) سید باب است.

33 - بنگر که در هر فرد بهائی، باید نشانه ای از بهالله باشد!

34 - کتاب اقدس، آیه 139

35 - U.Shaefer, Das Recht der Religionsgemeinschaft der Bahai, p.34

36 - ادو شفر، حقوق جامعه دینی بهائی، ص 34، تلاش برای تطبیق با قوانین مدرن در این نوع تصحیح‌ها و تصحیح‌های دیگر به آسانی قابل مشاهده است.

37 - ولی امرالله حق و اختیاری برای قانونگذاری ندارد و این جدا از حق تفسیر است. «قانونگذاری و تفسیر دو مقوله جداگانه هستند و در اینجا نتیجه گیری از روی قیاس، صحیح نیست.» U.Shaefer, Die ((Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahai, p.137

38 - U.Shaefer, Das Recht der Religionsgemeinschaft der Bahai, p.44

39 - جامعه بهائی اکنون برای تفسیر قوانین هیچ مرجع و نهاد مسئولی ندارد (راست را کز انگاشته‌اند، ص 564) لذا در کتاب اقدس از تفسیر و تأویل وحی و تغییر آنچه خداوند به آن فرمان داده نهی شده است.

40 - U.Shaefer, Desinformation als Methode, p.283

41 - همین کتاب بخش ۲-۳

42 - (هوف هایم، 1992، 3:25، 6:25، 8:55، 8:61، 11:6) - Bahaulah, zit. In: Abdul-Baha, Briefe und Botschaften

43 - ادو شفر، چند نکته درباره دستوره‌های کیفی در کتاب اقدس (سند در <http://www.udoshaefer.com>)

44 - Abdul-Baha, Beantwortete Fragen, 77:10

45 - ادو شفر، همان کتاب

46 - ادو شفر، همان کتاب

47 - رابطه جنسی فقط بین زن و شوهر مجاز است (کتاب اقدس، شرح 134).

48 - ادو شفر، راست را کتر انگاشته‌اند، ص 314، آنجا هم، بدون ذکر جزئیات، از یک علامت بر پیشانی سخن به میان رفته است.

49 - در مقابل، قتل به سبب بی احتیاطی، مجازات مرگ ندارد و باید به خانواده مقتول دیه پرداخت کند (U.Shaefer, Das Recht der Religionsgemeinschaft der Bahai, p.31, 2001/4) ص 31. همچنین در کتاب اقدس، آیه 188

50 - ادو شفر، چند نکته درباره دستورهای کیفری در کتاب اقدس (سند در: <http://www.udoshaefer.com>)

51 - ادو شفر، حقوق جامعه دینی بهائی، ص 29.

52 - هدف شوقی افندی، ارائه دیانت بهائی «به عنوان یک قدرت دینی مستقل» است (اقدس، شرح 49. همچنین شوقی افندی، ظهور عدل الهی، ص 27 f). از آنجا که سران بهائی تنها به حکومت بر یک کشور نمی‌اندیشند، بلکه قصد دارند تمام کشورهای جهان را زیر پرچم بهائی متحد کنند، تحقق اعتقاد آنها تنها با تشکیل یک «دولت جهانی بهائی» امکان پذیر است؛ مطلبی که شوقی افندی در جای دیگر (قرن بدیع، ص 371) به آن اشاره می‌کند. در کتاب (مفاوضات، بخش 45، Anm.3) از عبدالبهاء می‌خوانیم: «بیت العدل مؤسسه ای است که از طرف بهاء‌الله برای شهرهای آینده پیش بینی شده است. محفل ملی، قوانین ملی را وضع می‌کند و بیت العدل اعظم برای تمام جهان است.»

53 - حتی برای حقوق‌دان بهائی، ادو شفر، نیز این مطلب قابل هضم نیست که این دستورها (یعنی دستورهای کیفری در کتاب اقدس) در چنین تقابل واضحی با ارزش‌های موجود در دنیای غرب باشد. «...بعید به نظر می‌رسد که بتوان معیار خودمان را به صورت بحثی رو در رو، با جماعتی درمیان بگذاریم که به چیزی جز مباحث و موازین عقلانی پایبند نیستند... دستورات کتاب اقدس برای بهائیان، قسمتی از عقاید آنهاست...» (ادو شفر، توضیحاتی چند راجع به مجازات‌های کیفری در کتاب اقدس، 1992/2/19، در سایت

www.udoshaefer.com)

54 -در مقدمه ترجمه آلمانی کتاب اقدس (هوف هایم 2000، ص16) توضیح داده شده که در این ترجمه بسیاری از اشتباهات موجود در ترجمه انگلیسی که 8 سال پیش منتشر شده بود، تصحیح شده است؛ ولی توضیح نداده‌اند که این اشتباهات را از کجا متوجه شده‌اند؟!

55 -کتاب اقدس، آیه 105، بخش 2-5-2، Anm3,5.

56 -همچنین در پرسش و پاسخ انتهای کتاب اقدس که در آن، تک تک قوانین و اوامر اقدس تفسیر، تکمیل یا نسخ شده است، بیشتر، آشفتگی به چشم می‌خورد تا یقین و اطمینان. آیا این کتاب، همان طور که شفر در کتاب (راست را کز انگاشته‌اند، ص 258) گفته، در جهت پرسش از نحوه به کارگیری قوانین یا فهم کتاب اقدس نوشته شده است؟ در اینجا با دو منبع مواجهیم که با وجود تضادهای موجود در هر دو، دارای اعتبار یکسانی هستند؛ ولی اگر آن گونه که شوقی افندی در کتاب (قرن بدیع، ص 250) می‌گوید «پرسش و پاسخ» به جهت فهم به کارگیری قوانین و فهم بهتر کتاب اقدس باشد، پس دیگر اعتبار یک کتاب قانون را ندارد. (کی. یورمن، اقدس، ص 55)

57 -مثالی جهت تقریب ذهن: در شرح 76 کتاب اقدس در باره آیه 48، که درباره تربیت و تحصیل فرزندان صحبت می‌کند، از ترجیح تحصیل دختران سخن به میان آمده است. بنگرید:

«او (عبداللہاء) روشن می‌کند که تحصیل و تربیت دختران از تحصیل و تربیت پسران واجب‌تر است؛ چرا که دختران روزی مادر می‌شوند و مادران هستند که نسل بعدی را تربیت می‌کنند. به همین دلیل، هنگامی که خانواده ای نتواند تمام فرزندان را به مدرسه بفرستد، دختران ارجح می‌باشند.»

خواننده از این مطالب این طور می‌فهمد که در اینجا درباره یکی از دستورهای مطرح شده در کتاب اقدس توضیح داده شده است؛ اما وقتی کتاب اقدس را می‌خوانیم، می‌بینیم که در آیه 48 درباره حق تقدم دختران برای تحصیل چیزی ذکر نشده و این تقدم و اولویت فقط در شرح 76 بیان شده است!

آیه 48 کتاب اقدس می‌گوید: «پدران باید پسران و دختران را خواندن و نوشتن بیاموزند و آنچه در لوح مقدس آمده است... پس اگر کسی پسرش را یا پسر دیگری را تربیت کند، گویی یکی از پسران مرا تربیت کرده است.»

اینکه دختران در فراگیری و آموزش ترجیح دارند، در هیچ یک از کلمات آیه دیده نمی شود و این برتری و رجحان در آن وجود ندارد؛ بلکه برعکس، به تربیت پسر خود یا پسر دیگری تشویق شده است.

در اینجا به طور مثال، تمایلی در ملحقات کتاب اقدس (و همچنین در دیگر کتب بهائی) در جهت زیبا جلوه دادن، تقویت، بازسازی کردن، قانونی ساختن، اثبات و رد کردن مشاهده می شود. نظرات جدیدی مطرح می شود که در کتاب اقدس وجود نداشته است، و لذا مشکلات و تضادهایی با اصل آنچه در کتاب اقدس آمده، پدیدار گردیده است.

به طور خلاصه، آنچه از شرح شماره 76 بر آیه 48 کتاب اقدس بر می آید این است که نه تنها با هم در یک جهت نیستند، بلکه در تضاد قرار دارند. آنچه از کلمات بهاء الله مفهوم می شود، این است که تربیت و وظیفه مردان است و نه مادران، و پسران برای تحصیل ارجح هستند.

یادداشت‌های فصل سه

- 1 - برطبق تعالیم بهائی نیز هست، تمام ادیان الهی قابل احترام و دارای ملاک‌هایی به شرح ذیل میباشند:
 - 1- اعتقاد به خداوند واحد و قهار 2 - اعتقاد به اینکه خداوند در پیامبران ظهور و تجلی کرده است. 3 - اعتقاد به کتاب الهی که دستورهای خداوند در آن جمع شده است. هیچ کدام از این ملاک‌ها در بودیسم و هندویسم وجود ندارد. هندویسم مخلوطی از سیستم‌های فکری و عقیدتی است و معتقد به چند خدایی می باشد. در مقابل، بودیسم به هیچ خدایی معتقد نیست. چند خدایی و بی خدایی از دید آیین‌های اسلام و بهائی بسیار نکوهیده است
- 2 - همچنین م. هوتر (کتاب آیین بهائی، ص 46) روشن می سازد که وحدت ادیان فقط در سایه وحدت در پیامبری بهاء الله می تواند باشد؛ جایی که تمام ادیان دیگر غروب می کنند.
- 3 - دیالوگ با مسیحیت. آیین بهائی در ترازوی قضاوت روحانیون مسیحی - اشتوتگارت 1970، ادوشفر، آیین بهائی در دنیای مدرن، هوفهایم - لانگن‌هاین 1981
- 4 - شوقی افندی، روز موعود فرارسیده، 2:3؛ ادوشفر، آیین بهائی در دنیای مدرن، ص 224.
- 5 - شوقی افندی، (ولی امرالله از سال 1921 تا 1957) نظم دولتی موجود را یک طلسم یا خرافه می نامد که باید برآن فائق آمد (نامه 11 مارس 1936، در جی. ای. اسلمنت، بهاء الله و عصر جدید، ص 319)
اتحاد سیاسی جهان فقط هنگامی ایجاد می شود که گاو «حاکمیت ملی» سربریده شود. (جهان و نظم ارزشی، نشریه اطلاعات بهائی 7، محفل روحانی ملی آلمان، هوفهایم، لانگن‌هایم. 1975، ص 8)
- 6 - شوقی افندی، روز موعود فرارسیده، ص 27؛ همچنین در کتاب قرن بدیع (ص 371، 413) سخن از دولت جهانی بهائی و از آیین بهائی به عنوان دین دولتی در یک دولت بهائی به میان آمده است.
- 7 - در حالی که اغلب توسط بهائیان مخفی کاری می شود، حقیقت این است که هدف نهائی آیین بهائی تأسیس یک جامعه کاملاً بهائی است. یعنی یک دولت بهائی که دین، سیاست و کلیسا و دولت جدا از هم نباشند. بیت العدل جهانی گرداننده بدنه جهان و دولت‌هایی است که بهائی شده‌اند. این هدف اتفاقی نیست، بلکه اساس و

محور تعالیم بهائی است. (جی.سیموندرز، در: سن مک گلین، کلیسا، دین و دولت در نظم جهانی بهاء الله). همچنین نیس.مک.اوئن نقل قول می‌کند: بهائیان فعالانه در تلاش اند تا دولت‌های دینی تأسیس کنند که اقدامات و عملکرد دولت توسط مؤسسات بهائی انجام شود. مک گلین اضافه می‌کند: او (مک اوئن) ادعا می‌کند که بهائیان سالهاست تأسیس یک حکومت دینی را در ایران و در جهان هدف خود قرار داده‌اند. (نکته پنج. a.a.o.)

بهاء الله می‌گوید: «همه امور سیاسی به بیت العدل راجع است.» (لوح اشراقات، کتاب اقدس، آیه 105، (آلمانی)، ص 91 (انگلیسی))

8 - عبداله‌اء، الواح وصایا، ص 28، آنچه باید در نظر گرفت، این است که دولت و قانونگذار و قوه قضاییه یکی است. زیرا حقوق بهائی بین قانونگذار و قوه مجریه و قوه قضائیه جدایی نمی‌بیند و به تفکیک قوا قائل نیست * U.Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahai, p.104 *

9 - U.Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahai, p.174

10 - ما انسان‌هایی را می‌بینیم که شیفته آزادی هستند و به آن افتخار می‌کنند. آنها در کمال نادانی هستند. (کتاب اقدس آیه 122) آزادی بالاخره به شورش و فتنه ختم می‌شود. بدانید تجسم آزادی، حیوان است... آزادی انسان را به قعر نابودی و بدی می‌کشاند (کتاب اقدس، آیه 123) انسان‌ها به مانند گوسفندانی هستند که برای رفتن به پناهگاه به چوپان نیازمندند (کتاب اقدس، آیه 124) بگو: آزادی واقعی در اطاعت انسان از دستوره‌ای من است... آزادی که از آن سود ببرید، هیچ کجا یافت نمی‌شود مگر در خدمت کامل خداوند و حقیقت ابدی. کسی که شیرینی آن را بچشد، هرگز آن را با حکومت زمین و آسمان معاوضه نمی‌کند. (کتاب اقدس، آیه 125)

11 - برخلاف دموکراسی که بر پایه حاکمیت مردم استوار است، نظم بهاء الله بر پایه حاکمیت ایینی است. شوقی افندی روشن می‌سازد که تمام شرایط اصلی که تمام دموکراسی‌ها را در تعهدشان به مردم وابسته می‌کند، در این نزول (یعنی آیین بهائی) به هیچ وجه وجود ندارد. (Die Sendung Bahaulahs, p.69) نهادهای بهائی مستقل عمل می‌کنند و نسبت به اعضای جامعه مسئولیتی ندارند. (همان، ص 69) (قرن بدیع، ص 373)

12 - U.Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahai, p.78- * شوقی

افندی، روش بهائی، ص 85

13 - ادو شفر (همان کتاب، ص 19) از یک بلای جهانی صحبت می‌کند که بشریت توبیخ شده و سرانجام پاک و پالایش شده از آن بیرون خواهد آمد.

14 - Umwelt und Wertordnung, p.4

15 - Shoghi Effendi, Gott geht vorüber, p. 372. میل به خود برترینی از جمله شاخصه‌های معمول تفکر بهائی است.

16 - شوقی افندی، الواح بهاء‌الله، ص 57. پاورقی

17 - ک. بورمن، اقدس، ص 9

18 - دنیس مک اوئن، دائره المعارف ایرانیکا، جلد سوم، بخش 3، ص 279، کلمه "باب"، دنیس مک اوئن، دائره المعارف ایرانیکا، جلد سوم، بخش 3، ص 312، مدخل "بایسم"، "دائره المعارف اکسفورد دنیای مدرن اسلامی" جلد 1، ص 174.

19 - دنیس مک اوئن، دائره المعارف ایرانیکا، جلد سوم، ص 284.

20 - دنیس مک اوئن، دائره المعارف ایرانیکا، جلد سوم، ص 315، در تاریخ رسمی بهائی، جهاد بایبان به عنوان دفاع محض در مقابل نیروهای دولتی و روحانیت شیعه معرفی می‌شود؛ ولی هم مخالفان بایبان و هم برخی از نویسندگان معاصر، جنبش بایی را مسلکی شورشی و جهادی می‌بینند؛ در حالی که بهائیان بر طبیعت تدافعی این جنگها تاکید دارند. (پیتر اسمیت، رادیکالیسم بایی، دایره المعارف ایین بهائی، ص 63)

21 - ادوارد ج براون، باب، دایره المعارف ادیان و فرق، ج 2، ص 304 + دنیس مک اوئن، دائره المعارف ایرانیکا، جلد سوم، ص 447، مدخل "دیانت بایی".

22 - این وصیتنامه تا به امروز از سوی مخالفان مورد مناقشه است. نگاه کنید به میرزا احمد سهراب، الواح و وصایای عبدالبهاء، یک تجزیه و تحلیل، نیویورک، 1914؛ روت وایت، «وصیتنامه منتسب به عبدالبهاء جعلی است» (روتلند، 1930)، هرمان زیمر، یک وصیتنامه جعلی ارزش ایین بهائی را تا حد سیاست حزبی شوقیسم پایین آورد، وایبلینگن، 1971، (ترجمه انگلیسی، وایبلینگن، 1973)

23 -تمام فرزندان، و خانواده بهاءالله از جامعه بهائی طرد شدند. دنیس مک اوئن، دائره المعارف ایرانیکا، جلد سوم، ص 448، مدخل " آیین بهائی "، ف. فیچیکیا، آیین بهائی، ص 297 و 351.

24 -پیتر اسمیت، " حقوق اداری " در دایره المعارف آیین بهائی، ص 28

25 -کتاب حاضر، بخش 6، قسمت 7

26 -شوقی افندی، نظم جهانی بهاءالله، ص 17

27 -عبدالباها، نقل قول از شوقی افندی، قرن بدیع، ص 403

28 -به طور پراکنده در: عبدالباها، الواح وصایا، فرانکفورت 1964، بر اساس نسخه امریکایی 1935 الواح وصایای عبدالباها. بزرگ ترین وصیت او به آیندگان، نقش بی بدیل روح است (شوقی افندی، قرن بدیع، ص 371). " فقط نسل آینده می تواند ارزش و معنایی را که با این شاهکار الاهی پیوند خورده درک کند... (نظم جهانی بهاءالله، ص 8). آن فرمان بزرگ نظم جدید جهانی است (الواح و وصایا، مقدمه، ص 15). دیوید هوفمان عضو پیشین بیت العدل، نیز چنین تعریف و تمجیدی از این " سند باقی " کرده است: " هر چه بیشتر وصیتنامه را می خوانیم، بیشتر تحت تاثیر قرار می گیریم و از ویژگیهای هنری آن به وجد می آییم. (نظری راجع به الواح وصایای عبدالباها، اکسفورد 1955، ص 29) هوفمان در همان مدرک الواح وصایا را " حقوق تمام بشریت " نامیده است.

29 -عبدالباها، از امر الاهی نگهداری کنید ". آخرین پیام به پیروان شرق و غرب، به نقل از " خورشید حقیقت "، ژوئن 1952، ص 50، 1932، ص 110

Abdul-Baha, zit in: Bahai world faith. Selected Writings of Bahauallah & - 30

Abdul-Baha, Willmette, Ill., 1943, p. 429f

Abdul-Baha, zit. In: U. Shaefer, Die Grundlagen der Verwaltungsordnung - 31
der Bahai, p. 33

Abdul-Baha, Wille und Testament, p. 33- 32

p.34 Abdul-Baha,zit. In: U.Shaefer,Die Grundlagen der- 33
,Verwaltungsordnung der Bahai

34 -U.Shaefer- همان مدرک، ص 103، انسان بعنوان موجودی مستقل در تفکر، شناخت و عمل (فاعل) به یک شیء (مفعول) مطلق تبدیل شده است.

35 -عبدالباها، نقل قول در نجم باختر، سال هفتم، ص 233، اتحاد و نظم اداری، ص 28 (جمع آوری در محفل ملی بهائیان سوییس و ایتالیا، 1955، متن انگلیسی، ویلمت، 1951، 1969)

Abdul-Baha, Wille und Testament,p.38- 36

37 -منظور، بهائیان است.

38 -عبدالباها، نقل قول در شوقی افندی، نظم اداری بهائی، ص 21. ادو شفر، همان، ص 167

39 -جی ار ریچادز در سال 1932 (دین بهائی، ص 111) نوشت: "تعالیم واقعی بهائی اجازه تحری حقیقت و تحقیق مستقل را نمی دهد؛ بلکه خواهان تسلیم برده وار و پذیرش بی چون و چرای دکتترین بهاءالله و عبدالباها است."

Abdul-Baha,zit. In: U.Shaefer,Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der - 40
Bahai,p.35

Abdul-Baha,zit. In: U.Shaefer,Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der - 41
Bahai,p.33

42 -رفت و آمد با طرد شدگان خود یکی از موجبات طرد است. (ادو شفر، همان مدرک، ص 36)

43 -ادو شفر، همان مدرک، ص 36

44 -"... و بر شما جایز است تا از علوم آنچه برای شما نافع است بخوانید؛ نه آنچه را که موجب مجادله در کلام می شود. این برای شما بهتر است...." کتاب اقدس بخش 77. "... به تحصیل علوم و فنون نافع اشتغال

ورزند... و نیز آنان را انذار فرموده که از علمی که به حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد، احتراز جویند
(علوم نظری، و تئوریا و فرضیات) ... یادداشت 110 بر کتاب مستطاب اقدس

45 م. هوترا، آیین بهائی، ص 47

46 شوقی افندی، قرن بدیع، ص 370

47 - کتاب حاضر، بخش 4

48 M.Hutter, Die Bahai, p.47

49 In: Religious Studies Review, vol 43, no.3, 2002- "بنیادگرایی در جامعه بهائی
معاصر امریکا"

<http://Transcope.ghandchi.com/anthology/Bahai/fundamentalism.htm>

50 - همین کتاب بخش اول، و خوان کول، کتاب " مدرنیته و هزاره "، نیویورک 1998 + خوان کول، مقاله "
جامعه بهائی امریکا زیر ذره بین، 1963 تا 1998 " در نشریه مطالعات علمی دین، سال 37، شماره 2، ژوئن
1998.

<http://www.personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999/jssr/bhjssr.htm>

خوان کول، " سانسور کتاب خاطرات سلمانی توسط مقامات رسمی بهائی، در مجموعه اسناد تاریخی سال
1982، در " اسناد جنبش های شیخی، بابی، بهائی، سال 6، شماره 1، فوریه 2002.

<http://www.h-net.org/~bahai/docs/vol6/salmuhj>

و نیز ببینید مقاله کارن باکت را با نام " دشمن در درون - اختلاف و درگیری و کنترل در جامعه بهائی " در
ژورنال مطالعات فرقه ای، جلد 18، صص 109 - 140

(<http://www.anglefire.com/ca3/bigquestions/enemies.html>)

51 - اسلام طالبانی (اسلام بنیادگرا یا ایدئولوژیک و مبتنی بر احکام تکفیری) و این اسلام و آیین بهائی اساسا
یکسان هستند؛ اگرچه دومی بظاهر فاقد ستیزه جویی ظاهری است.

52 نگاه کنید به مناظره تلویزیونی با عنوان "سوال سرنوشت ساز برای اروپا" در تلویزیون ارته، مورخ 2008/01/24 ساعت 23:15. (بخش 1 - 5)

53 - سیاستمدار بهائی، مالیتووا تانومافیلی دوم که برخلاف شعار تبلیغاتی ممنوعیت فعالیت سیاسی، از 1963 تا 2007 حکومت جزیره ساموا در اقیانوس آرام را در دست داشت، بدون هرگونه نظرسنجی، انتخابات آزاد و دموکراتیک... برخی اصول و تعالیم بهائی را به اجرا گذاشته است.

54 - درخصوص بنیادگرایی طالبانی ... یک ویژگی آن تاکید بر حکومت سلفی و نفی دولت مدرن است
In:Religious Studies Review,vol 43,no.3,2002
اخوان کول "بنیادگرایی در جامعه بهائی معاصر
امریکا" <http://Iranscope.ghandchi.com/anthology/Bahai/fundamentalism.htm>

55 - کتاب اقدس، پرسش و پاسخ 49، ص 215)

56 - شوقی افندی، قرن بدیع، صص 317 و 413 * کتاب حاضر بخش 3

کتابنامه

- 'Abdu'l Bahā: Maqāla-i šaḥṣī sayyāḥ. Edited by E.G. Browne (s. Browne, E.G.: A Traveller's Narrative written to illustrate the Episode of the Báb).
- 'Abdu'l-Bahá: Tablets of 'Abdu'l-Bahá Abbás, Vol. 1, New York 1930.
- 'Abdu'l-Bahá: Wille und Testament. Frankfurt/M. 1964 (aufgrund der amerikanischen Ausgabe von 1925ff).
- 'Abdu'l-Bahá: Beantwortete Fragen. Frankfurt/M. 1977.
- Bacquet, K.: Enemies Within: Conflict and Control in the Baha'i Community. In: Cultic Studies Journal, Vol. 18, pp. 109-140.
Internet: <http://www.angelfire.com/ca3/bigquestions/enemies.html>
- Bacquet, K.: My Life in the Baha'i Community.
Internet: <http://www.angelfire.com/ca3/bigquestions/Bahai.html>
- Baha'i – Religion nach Maß? Urteile evangelischer Theologen – Entgegnungen. Stuttgart 1970.
- Bahá'u'lláh: Brief an den Sohn des Wolfes (Lawḥ-i-Ibn-i-Dhi'b). Frankfurt/M. 1966.
- Bahá'u'lláh: Das Buch der Gewissheit (Kitáb-i-Íqán). Frankfurt/M. 1969.
- Bahá'u'lláh: Ährenlese aus den Schriften Bahá'u'lláhs. Hofheim 1980.
- Bahá'u'lláh: The Kitáb-i-Aqdas. The Most Holy Book. Haifa 1992.
Deutsch: Der Kitáb-i-Aqdas. Das Heiligste Buch. Hofheim 2000.
- Bausani, A.: Art. »Báb«, »Bahá' Alláh«, »Bahá'ís«. In: Encyclopédie de l'Islam, Nouvelle Édition, Tome 1, A-B. Leiden 1991.
- Borrmann, K.: Das Aqdas. Würzburg 2005.
- Browne, E.G. (ed.): A Traveller's Narrative written to illustrate the Episode of the Báb. Cambridge 1891 (repr. 1975).
Internet:
<http://www.b-net.org/~bahai/diglib/books/A-E/B/browne/tn/hometn.htm>
- Browne, E.G.: The Táríkh-i-Jadíd or New History of 'Alí Muḥammad the Báb. Cambridge 1893 (repr. 1975).
- Browne, E.G.: Art Báb/Bábís. In: Encyclopaedia of Religion and Ethics. Ed. by James Hastings. Vol. II. Edinburgh 1909.
- Browne, E.G.: Materials for the Study of the Bábí Religion. Cambridge 1918 (repr. 1961).
- Cole, J.R.I: Modernity and the Millennium. New York 1998.

- 736
- Cole, J.R.I.: The Baha'i Faith in America as Panopticon (1963-1997). In: *The Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 37, n° 2 (June 1998).
- Internet:
<http://www.personal.umich.edu/~jrcole/bahai/1999/jssr/bhjssr.htm>
- Cole, J.R.I.: Race, Immorality and Money in the American Baha'i Community. In: *Religion*, Vol. 30, n° 2 (May 2000), pp. 109-125.
- Internet:
<http://www-personal.umich.edu/~jrcole/bahai/2000/dialalaz.htm>
- Cole, J.R.I.: Fundamentalism in the Contemporary U.S. Baha'i Community. In: *Religious Studies Review*, Vol. 43, n° 3 (March 2002), p. 195-217.
- Internet:
<http://iranscope.ghandchi.com/Anthology/Bahai/fundamentalism.htm>
- Dreyfus H.: *Essai sur le Béhaïsme. Son Histoire, sa Portée Social*. Paris 1909 (repr. 1973).
- Ekbal, K.: Taqiyya und kitmān in den Bābī und Bahā'ī-Religionen. In: Wild, S. und Schild, H. (Hrg.): *Akten des 27. Deutschen Orientalistentages. Norm und Abweichung*. (Bonn, 28. September bis 2. Oktober 1998); *Kultur, Recht und Politik in Muslimischen Gesellschaften*, Bd. 1. Würzburg 2001, S. 363-372.
- Elder, E. & Miller, W.McE. (ed.): *Al-Kitāb al-Aqdas or the Most Holy Book by Ḥusayn 'Alī Bahā'u'llāh*. Translated from the original Arabic and published by the Royal Asiatic Society, Oriental Translation Fund, New Series, vol 38. London 1961.
- Esposito, J.L. (ed.): *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*. New York/Oxford 1995.
- Ficicchia, F.: *Der Bahā'ismus. Weltreligion der Zukunft? Geschichte, Lehre und Organisation in kritischer Anfrage*. Stuttgart 1981.
- Ficicchia, F.: Art. Bahā'ī. In: Gaspar/Müller/Valentin (Hrg.): *Lexikon der Sekten, Sondergruppen und Weltanschauungen*. Freiburg i.B. 1994.
- Giachery, U.: *Shoghi Effendi*. Oxford 1973.
- Gibb, H.A.R. et al. (ed.): *Encyclopédie de l'Islam. Nouvelle Édition*. Leiden, Paris 1991.
- Gobineau, M. Le Comte de: *Les Religions et Philosophies dans l'Asie Centrale*. Paris 1856/66.
- Grossmann, H.: *Das Bündnis Gottes in der Offenbarungsreligion*. Frank-

- furt/M. 1956, Hofheim 1994.
- Grunebaum, G.E.: Fischer Weltgeschichte (Islām, Bd. 2), Frankfurt/M. 2003.
- Hofman, D.: A Commentary on the Will and Testaments of 'Abdu'l Bahā. London 1943 (dt.: 'Abdu'l Bahās Wille und Testament. Eine Betrachtung. Hofheim 1985).
- Hutten, K.: Seher, Grübler, Enthusiasten. Das Buch der traditionellen Sekten und religiösen Sonderbewegungen. Stuttgart 1982.
- Hutter, M.: Die Bahá'í. Geschichte und Lehre einer nachislāmischen Weltreligion. Marburg 1994.
- Hutter, M.: Handbuch Bahá'í. Geschichte, Theologie, Gesellschaftsbezug. Stuttgart 2009.
- Jäggi, C.: Zum interreligiösen Dialog zwischen Christentum, Islām und Bahá'itum. Frankfurt/M. 1987.
- Keddie, N.R.: Religion and Rebellion in Iran. London 1966.
- MacEoin, D.: The Bābī Concept of Holy War. In: Religion 12/1982.
- MacEoin, D.: From Bābism to Bahā'ism. In: Religion 13/1983.
- Internet:
<http://www.bahai-library.org/articles/babism.maceoin.html>
- MacEoin, D.: Bahā'ī Fundamentalism and the Academic Study of the Bābī Movement. In: Religion 16/1986.
- MacEoin, D.: Divisions and Authority Claims in the Bābism (1850-1866). In: Studia Iranica, Tome 18/1989, fascicule 1, pp. 93-129.
- Internet:
<http://wahidazal66>
<http://wahidazal66.googlepages.com/babidocuments%28westernsources%29>
- MacEoin, D.: The Sources of Early Bābī Doctrine and History. Leiden 1992.
- MacEoin, D.: Rituals in Babism and Baha'ism. London 1994.
- McGlenn, S.: Church and State in the World Order of Baha'u'llah. Internet: <http://bahai-library.com/unpubl.articles/church.html>
- Maier, B.: Koran-Lexikon. Stuttgart 2001.
- Miller, W.McE.: The Bahā'ī Faith. Its History and Teachings. South Pasadena 1974.
- Momen, W.: A Basic Bahá'í Dictionary. Oxford 1989.
- Nicolas, A.L.M. (éd.): Le Báyân Arabe. Paris 1905.
- Nicolas, A.L.M. (éd.): Le Báyân Persan. Paris 1911-14.
- Phelps, M.H.: Life and Teachings of 'Abbās Effendi. New York 1931.

- Piff, D.M.: Bahá'í Lore. Oxford 2000.
- Rabbani, R.: Die unschätzbare Perle. Leben und Werk Shoghi Effendis. Hofheim 1982.
- Reller, H. & Kiessig, M. (Hrg.): Handbuch religiöse Gemeinschaften (Kap. 5 und 7). Gütersloh 1985.
- Richards, J.R.: The Religion of the Bahá'ís. London 1932.
Internet: <http://www.h-net.org/~bahai/index/diglib/books.htm>
- Roemer, H.: Die Bábí-Behá'í. Diss. Potsdam 1911.
- Rosenkranz, G.: Die Bahá'í. Ein Kapitel neuzeitlicher Religionsgeschichte. Stuttgart 1949.
- Rúhíyyih Khánum: Das Hinscheiden Shoghi Effendis. Frankfurt/M. 1958.
- Rúhíyyih Khánum: Die ersten fünfundzwanzig Jahre des Hütertums (1921-1946). Frankfurt/M. 1959.
- Salisbury, V.: An Examination of Suppression and Distortion in 20th-Century Baha'í Literature.
Internet: www.bahai-library.com/unpubl.articles/suppression.html
- Schaefer, U.: Die Grundlagen der Verwaltungsordnung der Bahá'í. Diss. Heidelberg 1957.
- Schaefer, U.: Der Bahá'í in der modernen Welt. Hofheim-Langenhain 1981.
- Schaefer, U.: Einige Anmerkungen zu den strafrechtlichen Bestimmungen im Kitābu'l-Aqdas. In: <http://www.udoschaefer.com>.
- Schaefer, U. / Towfigh, N. / Gollmer, U.: Desinformation als Methode. Die Bahá'ismus-Monographie des F. Ficicchia. Hildesheim/Zürich/New York 1995.
- Schaefer, U.: Das Recht der Religionsgemeinschaft der Bahá'í. In: »Kirche & Recht«, Zeitschrift für die kirchliche und staatliche Praxis. Luchterhand, Neuwied, 4/2001).
- Shoghi Effendi: Bahá'í Procedure. A Compilation. Wilmette, Ill., 1942.
- Shoghi Effendi: Principles of Bahá'í Administration. Manchester 1950, London 1963.
- Shoghi Effendi: Bahá'í Administration. Wilmette, Ill., 1953 (repr. 1968).
- Shoghi Effendi: Gott geht vorüber. Oxford 1954.
- Shoghi Effendi: Citadel of Faith – Messages to America, 1947-1957. Wilmette, Ill., 1965.
- Shoghi Effendi: Messages to the Bahá'í World 1950-1957. Wilmette, Ill., 1958 (repr. 1971).
- Shoghi Effendi: Der Verheißene Tag ist gekommen. Frankfurt/M. 1967.

- Shoghi Effendi: *Das Kommen göttlicher Gerechtigkeit*. Frankfurt/M. 1969.
- Shoghi Effendi: *Directives from the Guardian*. Wilmette, Ill., 1973.
- Shoghi Effendi (Hrg.): *Nabils Bericht aus den frühen Tagen der Bahá'í-Offenbarung*, 3 Bde. Hofheim 1975, 1982, 1991.
- Shoghi Effendi: *Die Weltordnung Bahá'u'lláhs*. Hofheim 1977.
- Smith, P.: *A Concise Encyclopedia of the Bahá'í Faith*. Oxford 2002.
- Sohrab, A.: *Broken Silence. The Story of Today's Struggle for Religious Freedom*. New York 1942.
- Sohrab, A.: *The Will and Testament of 'Abdu'l Bahá. An Analysis*. New York 1944.
- Tumansky, A.H. (éd.): *Kitabe Aqdas*. In: *Mémoires de l'Académie Impériale des Sciences de St-Petersbourg*. VIII^e série, vol. III, N^o 6. St-Petersbourg 1899.
- White, R.: *The Baha'i Religion and its Enemy – the Baha'i Organization*. Rutland, Vt. 1929.
- White, R.: *'Abdu'l Bahas Alleged Will is fraudulent*. Rutland, Vt. 1930.
- White, R.: *'Abdu'l Bahas Questioned Will and Testament*. Beverly Hills 1946.
- Wilson, S.G.: *Bahatism and Religious Assassination*. In: *The Moslem World*, Vol. 4, Issue 3, 1914.
Internet:
<http://wahidazal66>
<http://wahidazal66.googlepages.com/babidocuments%28westernsources%29>
- Wilson, S.G.: *Bahatism and Religious Deception*. In: *The Moslem World*, Vol. 5, Issue 2, 1914-1915.
Internet:
<http://wahidazal66>
<http://wahidazal66.googlepages.com/babidocuments%28westernsources%29>
- Yarshater, E. (ed.): *Encyclopaedia Iranica*, vol. III, Fascicle 3-5. Center for Iranian Studies, Columbia University, New York. London/New York 1988.
- Zimmer, H.: *Eine Testamentsfälschung wertet die Bahai-Religion ab in den politischen Shoghismus*. Waiblingen 1971 (Englisch: *A Fraudulent Testament Devalues the Bahai Religion into political Shoghism*. Waiblingen 1973).
Internet: <http://freebahais.com/zimmer/contents.htm>

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.